

سید دم ظهور

بررسی نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر (عج)

جلد اول

سید محمد موسوی

سلسله مباحثی پیرامون امام عصر علیه السلام (۱)

سپیده دم ظهور

بررسی نشانه‌های ظهور

حضرت ولی عصر (عج)

جلد اول

مؤلف

سید محمد موسوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به حضرت باقر العلوم عليه السلام

موسوی، محمد، ۱۳۳۹

سپیده دم ظهور: بررسی نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه
الشریف / مؤلف محمد موسوی. -
قم: اعجاز، ۱۳۸۳ -

۳ ج. - (سلسله مباحثی پیرامون امام عصر علیه السلام؛ ۱)
ISBN 964 - 93575 - 4 - 8 (ج. ۱)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -
۲. مهدویت - انتظار. الف. عنوان. ب. عنوان: بررسی نشانه‌های ظهور حضرت
ولی عصر عجل الله فرج الشریف.
۲ س ۷۵ م / ۴ / ۲۲۴ BP
کتابخانه ملی ایران
۲۹۷ / ۴۶۲
۴۵۳۷ - ۸۳ م



انتشارات اعجاز

شناسنامه کتاب

نام کتاب بررسی نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر (عج)

مؤلف سید محمد موسوی

ناشر انتشارات اعجاز

شمارگان ۳۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ اول ۱۳۸۳

چاپ عمران

قیمت: ۸۰۰۰ ریال

شابک ۸ - ۴ - ۹۳۵۷۵ - ۹۶۴ - ISBN

تماس با مؤلف: ۷۷۷۹۴۵۷ - ۰۲۵۱

Email: mmosavi313@yahoo.com

تماس با ناشر: ص. پ ۱۱۳۶ - ۳۷۱۳۵

حق چاپ و نشر منحصراً مخصوص مؤلف می‌باشد

پیش درآمد:

شکر و سپاس بیکران برای آفریدگار هستی است، آنکه انسانها را از قید عدم رهانید و به سرایرده وجود و آگاهی و معرفت وارد ساخت و به آنها افتخار آگاهی و شناخت بزرگان برگزیده خویش را که جانشینان الهی در هستی هستند، عطا نمود. همان هایی که اگر نبودند ما نیز نبودیم و اکنون که هستیم از الطاف و توجهات آنان می باشد و سلام و درود الهی بر بزرگشان پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و اهل بیت و خاندان برگزیده اش باد.

امروز، جهان بوی باروت و خون می دهد، آرامش و رفاه رخت بر بسته و کابوس ها شروع گشته است. دیگر آرزوی زندگی مسالمت آمیز، بی دغدغه، صلح جویانه و عادلانه، سراب فراموش شده ای است. سایه جنگ بر جهان بخصوص خاورمیانه مستولی است. دو سال پیش جنگ افغانستان، سال گذشته جنگ عراق و دو سال دیگر کشوری دیگر و دو سال بعد، تمام جهان. شدت و عمق حوادث مرا برانگیخت تا عزم خود را در بررسی علائم ظهور حضرت صاحب الامر ﷺ جزم نمایم. آن که مالک و صاحب هستی و جهان بوده و تمامی پادشاهان در خانه او و برای تصاحب خانه او با هم، بر سر اموال وی می جنگند و خون خود را برای تصاحبش می ریزند، و در اموال آن امام علیؑ تصرف می کنند.

در حالی این سطور را می نویسم که اکثریت مردم جهان از حوادث جاری مبهوت مانده اند. زمانی حدود هفت سال پیش با شخصی در مورد حوادث آتی صحبت می کردم و از وقوع جنگ جهانی سوم شکوه می کردم. دوست ما خندید و با نگاه عاقل اندر سفیه به من نگاه کرد، و گفت: تو خیال پردازی، و

تحت تأثیر آثار مالیخولیایی هستی. مگر ممکن است بشر متمدن امروز که این چنین فکور و فهیم بوده و چنین تکنولوژی و دست آوردی دارد، به جنگ سوم دست بزند.

جنگ به اقوام وحشی و نادان تعلق دارد، خردمندان از جنگ بدورند. اکنون نمی‌دانم، اگر او را ببینم چه نظری پیدا کرده، یا شما چه نظری دارید، ولی مطمئن هستم، او و شما از جنگ امروز و فردا در هراس هستید.

این خصوصیت بشر است، دائم در نادانی‌های خود دست و پا می‌زند، بی‌آنکه تلاش کند از راه صحیح، جواب سؤالهای خویش را بدست آورد. همیشه نمی‌دانسته که کیست؟ چیست؟ چگونه و چرا آمده، کجا می‌رود؟ چه کسی او را، و برای چه منظوری آورده؟ با او چه کار دارند؟ چه وظیفه‌ای دارد و آیا آنچه را که می‌فهمد، و یا عمل می‌کند، صحیح است؟

انسانها، چون از پاسخ این سؤالات وحشت دارند، هیچگاه بدنبال جوابش نرفته‌اند. ولی آیا اگر از پاسخ مشکل و سؤالی هراس داشتید، آن مشکل و سؤال به خودی خود حل می‌شود؟ مشکلات و سؤالات لاینحل و مختل کننده دیگری پیش نمی‌آید؟

امروز، بشر چوب عقیم ماندن سؤالات و مشکلات لاینحل خویش را می‌خورد، همواره نخواستہ مشکلاتش را از راه صحیح بفهمد و به شکلی درست پاسخ دهد، در نتیجه هر روز با حرکات نامناسب در منجلاب و باتلاق خود ساخته خویش، بیشتر فرو می‌رود، غافل از اینکه راه نجات در یک قدمی اوست.

کافی است روزی به خود آید، بداند که چیست، چه می‌داند و یا نمی‌داند، می‌تواند انجام دهد یا چه کاری را نمی‌تواند، چقدر می‌تواند بفهمد یا عمل کند. وقتی اینها را دانست، دریچه نجات به روی بشر باز خواهد شد.

چرا از درون خودتان، فکر نمی‌کنید که آفریدگار ما چرا با ما تماس گرفته است؟ چرا انبیاء و فرستادگان الهی آمدند؟ به ما چه گفتند و چرا گفتند و ما باید در برابر آنها چه عکس‌العملی نشان دهیم؟

آنها مگر چیزی، جز بیان واقعی مشکلات ما و راه حل آنها داشته‌اند. اما ما سرباز زدیم، نه فقط پدران ما این کار کردند بلکه امروز، ما نیز به دنبال پدران خویش، این کار را به صورتهای مختلف انجام می‌دهیم. همه در یک ردیف و به یک روش هستیم: عدم تسلیم و انقیاد در برابر رهبران الهی و سخنان آنان.

ما تسلیم آنان نشدیم، و اگر به زبان تسلیم شدیم، در عمل و قلب به آنچه می‌پسندیم تسلیم شدیم، و سخنان آنها را آنطور که تمایل داشتیم و داریم تغییر دادیم، تا جایی که دین حق، وارونه گشت. آنگاه گمان می‌کنیم با این لفاظی‌ها می‌توانیم نجات پیدا کرده و از گرداب و باتلاق خودکامگی سالم بیرون آئیم. اما همیشه اشتباه کردیم و همیشه عبرت نگرفتیم و ندانستیم از کجا ضربه می‌خوریم، تا امروز.

امروز داریم به پایان راه نزدیک می‌شویم. من در اینجا می‌گویم: پایان راه و خط پایان دیده می‌شود. بشر، ثروت و پیشرفت علمی خود را در خدمت صفات زشت و سرکش خویش قرار داده است از این رو هیچگاه و در هیچ برهه‌ای از تاریخ، انسانها تا این حد خطرناک و نیازمند، مشاهده نشده است. به این دلیل است که چهره ددمنشانه بشر آشکارتر شده و در مقابل، توده‌های ستم‌کش و بیچاره و نیازمند نیز آشکارا بر استیصال و درماندگی خویش با حال گریان ناظر هستند، زندانی که خودشان آن را ساخته و در آنجا اسیر شده‌اند.

زمانی، بشر در قرون وسطی^(۱) گمان می‌کرد، دین‌های ساختگی و یا دین‌های تحریف شده دست بشر، می‌تواند بطور حتمی و یقینی بشر را سعادتمند کند، زمانی متوجه شدند این نوع دینداری مشکل آفرین است که دیگر دیر شده بود. پس از رنسانس^(۲)، بشر احساس کرد، گمشده خویش را در قالب علم‌گرایی و تجربه‌گرایی و توجه به حواس پنجگانه و دریافت آنها، بدست آورده است.

اسب علم چهار نعل می‌تاخت. علم دیوی بود که از چراغ جادو آزاد شده بود. عصر بخار و صنعتی، بشر را متحول کرد تا اینکه در قرن بیستم، وقتی دو جنگ خانمانسوز میلیون‌ها انسان متمدن را هلاک کرد، بشر راه خویش را اصلاح کرد. کمی به خود آمد، ولی چون خصایض انسانی به این آسانی تغییر نمی‌کند و باید از خارج او را به سوی تربیت الهی کشاند، دوباره همان ددمنشی و زشت سیرتی را ادامه داد. ثروت و علم و دانش، آنها را غرق سرمستی کرد تا امروز که دیوانحصارطلبی و افزون‌خواهی از چراغ خارج شده است و دیگر دیر است. مشکل از بشر است، این بشر باید تغییر کند، آن هم بوسیله ضربه‌ای که به خود وارد خواهد ساخت، ضربه‌ای مهلک با کشتاری وسیع. ما به پایان راه رسیده‌ایم، باشد که غافلان و خواب ماندگان بیدار شوند. حداقل، قبل از رفتن، بدانند چرا آمده‌اند.

پایان راه تیرگی سرنوشت بشر، همراه با نور ظهور و آغاز عصر جدید الهی، همراه است. آشنایی با ظهور و نشانه‌های آن می‌تواند ما را با راه‌های نجات از خطرات کمین کرده آشنا سازد.

۱ - دوران تاریکی و جهالت اروپا که تا قرن ۱۵ میلادی بطول انجامید.

۲ - تجدید حیات اروپا که از قرن ۱۵ میلادی به بعد گسترش یافت.

تاکنون کتابهای بسیاری با تحلیل و بدون تحلیل و بررسی پیرامون نشانه‌های ظهور نوشته‌اند. ما نیز در این جا، هدفمان فراتر از بیان روایات مأثور و برجای مانده نیست. اما برداشت‌ها و استنتاجات مختلف از احادیث، ناشی از توجه بیشتر به آنها و تلفیق کردن روایات مختلف پیرامون یک موضوع می‌شود. اما واضح است هر برداشتی نمی‌تواند صددرصد درست و بر روایات تحمیل شود و همواره امکان اشتباه و یا تغییر در برداشت‌ها وجود دارد. از این جهت خوانندگان محترم گمان نکنند این برداشت‌ها حتمی و لازم الاجرامی باشند. اما سعی شده است در هر برداشت، احتمالات مختلف در نظر گرفته شود.

در این اثر ممکن است نقدهایی بر برداشت دیگران ارائه شود که به هیچ وجه تضعیف صاحبان آن برداشت‌ها نیست، بلکه صرفاً تحلیلی علمی با ارج گذاشتن به زحمات دیگران در این راه است.

کتاب‌هایی که در زمینه علائم و نشانه‌های ظهور نوشته شده دو دسته هستند. دسته‌ای که صرفاً به نقل روایات رو آورده‌اند، بدون آنکه به تحلیل و بررسی و اظهار نظر در محتوی روایات بپردازند و دسته دیگر که در دهه‌های اخیر، نوشته شده‌اند به بررسی و کنکاش در چگونگی وقوع محتوای این احادیث و تحلیل حوادث پرداخته‌اند که این روند همچنان ادامه دارد.

در تحلیل روایات، باید سعی کرد یک نظریه ثابت مطرح نشود تا مبادا در اثر اشتباه در محاسبات موجب تضعیف اعتقادات دیگران در اصل و منشاء حادثه شود.

بیشتر آثار تحلیلی که تاکنون نوشته شده، تحت تأثیر شرایط محیطی و اجتماعی خاص قرار داشته‌اند که هر کدام نمی‌توانند به شکلی بی طرفانه و بدون پیش داوری به تحلیل روایات بپردازند. به همین خاطر است که

می‌بینیم، «کامل سلیمان» در کتاب یوم الخلاص^(۱) به شدت تحت تأثیر وقایع لبنان و آغاز انقلاب اسلامی ایران بوده است و یا در دیگر کتابها، تحلیل‌های نادرستی ارائه شده که امروز اشتباه آنها آشکار گشته است. سعی حقیر در این اثر و آثار بعدی این است که تا آنجا در توان است بدون تحمیل شرایط خاص و یا عوامل خارجی، با توجه به شرایط مختلف و حالات گوناگونی که در روایات به چشم می‌خورد و تلفیق آنها با یکدیگر، دربارهٔ حوادث آینده پیش بینی نماید و تا آنجا که ممکن است از وقایع قطعی و حتمی و یا با احتمال زیاد، نام برده و از ذکر حوادث مشکوک و ضعیف خودداری نمایم.

در این جلد به بررسی حوادث کلی و حوادث خاص، تا ظهور سفیانی می‌پردازیم. البته به وقایع پس از سفیانی نیز به شکلی مختصر اشاره خواهیم کرد ولی در جلدهای بعدی به حوادث پس از ظهور و استقرار سفیانی تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نبردهای ایشان تا زمان استقرار حکومت حق بر جهان و نیز فتنه‌های هنگامهٔ ظهور و اصحاب حضرت مهدی علیه السلام خواهیم پرداخت. امیدوارم که عصر ما و دههٔ هشتاد، دههٔ ظهور آن حضرت باشد.

سید محمد موسوی

سوم محرم سال ۱۴۲۴ هجری

مطابق با اوّل اسفند سال ۱۳۸۲ شمسی

بخش اول:

هدف از بررسی نشانه‌های ظهور

پیش از بررسی علائم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام، سوالاتی مطرح است که می‌بایست آنها را پاسخ دهیم تا با آشنایی بیشتر، در باره این علائم گفتگو نمائیم.

سؤال اول: هدف از بررسی علائم ظهور چیست؟

اصولا دین اسلام، با توجه به آیات و روایات متعدد، در صدد بیان آینده و تبیین آن و ایجاد انگیزه و امید برای آینده‌ای بهتر سرشار از آسایش و امنیت است. از این جهت نمی‌توان توجه به آینده و نشانه‌های وقوع و تجلی این چنین آینده‌ای را از دین اسلام جدا دانست.

به این ترتیب می‌بینیم، همواره برای معرفی این آینده، بجای تعیین زمان وقوع آن (که ضررهای متعددی دارد) به بیان علائم هشدار دهنده و آگاه کننده بسنده کرده‌اند تا متدینین و معتقدین به این آرمان و آینده تابناک با مشاهده این علائم از یک طرف ایمانشان به وقوع این حوادث و وعده‌های داده شده قوی‌تر گردد و از طرف دیگر خود را آماده مواجهه با مشکلات و پی آمدهای حوادث آتی نمایند.

مانند یک ناخدا و دریانورد که با شناختن علائم موجود در آسمان یا نشانه‌های دریایی می‌تواند مسیر درست را یافته و به سوی مقصد پیش رود و با مطالعه و مشاهده این علائم، از خطا و گم گشتن در دریا اجتناب می‌کند.

همچنین در عصر غیبت امام عصر علیه السلام، شناخت علائم به منزله شناخت امام علیه السلام نیز هست زیرا مطالعه این علائم ما را با خصوصیات حضرت و

شرایط آمدن ایشان آشنا نموده و از این طریق مانع از باورهای غلط در این زمینه و روی آوردن به سوی مدعیان دروغین مهدویت می‌گردد. علاوه بر آن وقتی عصر ظهور واقع گشت (که این مطلب را با مطالعه درست علائم می‌توان دریافت) افراد می‌توانند وظایف خویش را در برابر ظهور آن حضرت انجام دهند. بنابر این می‌توان اهداف و فوائد مطالعه علائم ظهور را بطور خلاصه این گونه بیان کرد:

- ۱ - تقویت ایمان و اعتقاد به وعده ظهور آن حضرت.
- ۲ - دوری از مدعیان دروغین و نیافتادن به دام انحرافات مختلف در دوران غیبت.
- ۳ - آمادگی برای مشارکت و همکاری در فرایند ظهور.
- ۴ - شناخت بیشتر از امام و عملکرد ایشان تا هنگام ظهور، بتوانیم ایشان را شناسایی نموده و تصدیق کنیم و در جهت برپایی اهداف آن حضرت بکوشیم.

سؤال دوم: چرا از تعیین وقت ظهور نهی شده است؟

در روایات بسیاری به شکل‌های گوناگون از تعیین زمان دقیق ظهور حضرت علیه السلام نهی شده است و کسانی را که دست به چنین اقدامی می‌زنند، نکوهش کرده و دروغگو معرفی نموده‌اند.^(۱)

از مجموع روایات می‌توان علل این دستور و سفارش را بطور خلاصه، این گونه بیان نمود.

۱ - غیبت نعمانی ص ۲۹۴ و بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۱۰۳: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «کذب الوقتون» تعیین کنندگان زمان (ظهور) دروغ گفته‌اند.

عوامل نهی از تعیین وقت ظهور:

۱ - تعیین وقت قطعی برای ظهور، تا موقعی که زمان آن فرا نرسیده، باعث می‌شود تا افراد معتقد از تلاش و کوشش برای اصلاح خویش و آمادگی برای ظهور خودداری کنند.

۲ - کسانی که تا پیش از آن تاریخ به بیهودگی یا بی تفاوتی می‌پردازند، رفته رفته اعتقادشان سست شده و این خطر وجود دارد که در لحظه ظهور، اصلا کسی با اعتقاد صحیح باقی نماند تا بتواند در امر ظهور مشارکت کند و در نتیجه اصل ظهور منتفی می‌گردد.

۳ - تعیین وقت قطعی نه تنها پیروان را سست می‌کند، بلکه دشمنان را قوی‌تر و محکم‌تر می‌سازد، زیرا می‌دانند وقت نابودی شان نرسیده و هر کاری انجام دهند، در امان هستند، پس با عزمی راسخ و بی رحمانه همه مؤمنین به ظهور را قتل عام می‌کنند و با این کار، اصل ظهور به خطر می‌افتد.

۴ - تعیین وقت قطعی ظهور، این پیام را برای مردم و پیروان ارائه می‌کند که مسئله ظهور، چیزی مربوط و منوط به زمان است و کیفیت افراد و سازندگی آنان نقشی در مسئله ظهور نخواهد داشت. در نتیجه افراد با هر نوع سازندگی و کیفیت رفتاری و فکری که باشند، تأثیری در تقدم یا تأخر ظهور نخواهند داشت و مسئله ظهور موکول به یک کمیت است که همانا زمان وقوع آن می‌باشد. به این ترتیب خداوند با دست خودش افراد را تشویق به پایین آوردن سطح کیفیت رفتار و فکرشان نموده است که شأن خداوند و دستگاه الهی از این مسئله مبرا است و اصولاً هدف تمام رسالت و برنامه‌های پیامبران، بالا بردن کیفیت فکر و رفتار انسانها است. پس وقت ظهور را تعیین نکرده‌اند، تا افراد همواره خود را در آمادگی روحی و فکری و رفتاری قرار دهند.

۵ - همواره مسئله بداء و تغییر مشیت الهی، مبنی بر تغییر زمان ظهور،

قابل اجرا می‌باشد. اگر خداوند متعال زمان قطعی برای ظهور تعیین می‌کرد، در واقع دست خود را برای هر نوع تغییری در اثر رفتار مردم، می‌بست. در حالیکه خداوند متعال، فعال مایشاء است و همواره حق تغییر مشیت و ارادهٔ خویش را برای خود، محفوظ نگه می‌دارد.

۶- وقت ظهور معین نشد تا شیعیان بدانند، در همین دنیا پاسخگوی اعمال و افکارشان هستند. اگر تسلیم واقعی تعالیم و فرامین الهی شدند، رهایی و نجات در اثر ظهور نیز به سرعت واقع می‌شود و اگر بد رفتار شدند، ظهور نیز به عقب می‌افتد. و نیز بدانند که پیش افتادن یا عقب افتادن مسئلهٔ ظهور، به انسان‌ها بستگی دارد و مشیت الهی نیز با توجه به رفتار انسانها تغییر می‌کند.

۷- ندانستن وقت ظهور، مجازاتی است برای انسانها، تا کسانی که ایمان واقعی دارند، تسلیم شده و این ابهام را با کمال تسلیم بپذیرند و کسانی که ایمان ندارند، در اثر چنین ابهامی در زمان ظهور، پیرامون اساس و ریشه ظهور و وعده الهی دچار شک و تزلزل شوند، و به این ترتیب، مسئلهٔ پنهان ماندن زمان ظهور، برای آزمایش انسانها و مجازات برخی از انسانهاست تا افراد مؤمن از شکاک متمایز شوند.

۸- تعیین نشدن وقت قطعی ظهور، این خاصیت را دارد که پیروان دین واقعی و منتظران نجات و رهایی بشر توسط حضرت مهدی علیه السلام، همواره امیدوار به نزدیک بودن ظهور باشند و عصر خویش را عصر ظهور بدانند و به این وسیله بطور واقعی و خالصانه با حضرت علیه السلام، تجدید عهد و پیمان کنند. همان طور که در روایات و ادعیه آمده که شیعیان همواره خود را در آستانه ظهور

می‌بینند^(۱).

سؤال سوم: آیا می‌توان برای ظهور، وقت معینی را تعیین کرد؟

برخی گمان می‌کنند، مطالعه علائم ظهور و بررسی آنها، به معنی تعیین وقت ظهور می‌باشد، در حالی که در روایات، از آن نهی شده است، اما اینگونه نیست. در مطالعه علائم و بررسی آنها، ممکن است، بطور تلویحی و غیر مستقیم، به تعیین محدوده زمانی معین دست یابیم، ولی این به معنای تعیین دقیق وقت ظهور نیست که از آن نهی شده است. همان‌طور که اشاره کردیم، وقتی از افق تاریخ ابتدایی دوران ائمه اطهار علیهم‌السلام، به اعصار آینده تا زمان ظهور نگاه می‌کنیم، فرموده‌اند، برای ظهور تاریخ دقیقی تعیین نمی‌کنیم و شما نیز نباید تعیین کنید. در واقع روح این مطلب به ما می‌گوید، در این دوران طولانی، تعیین وقت ظهور، برای شما فایده‌ای نداشته، بلکه زیان‌آور نیز هست، پس به دنبال تعیین وقت ظهور نباشید، بلکه در این دوران سعی در انجام وظایف و تکالیف خویش، نمائید. اما در همین حال، برای ما علائم و نشانه‌هایی از نزدیکی عصر ظهور و حتی یک یا دو سال پیش از ظهور (و حتی دهه آغاز ظهور) بیان کرده‌اند، تا وقتی که در عصر ظهور قرار گرفتیم، با در دست داشتن آن علائم، یقین کنیم که ظهور نزدیک است و باید آماده بود.

در واقع در طول غیبت، که نشانه‌های ظهور، ظاهر نشده بود، نیازی به

۱ - بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۸۶، دعای عهد: انهم یرونه بعیدا و نراه قریبا:

مخالفین (ظهور) آن را دور می‌بینند ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم.

تعیین وقت نبود، فقط باید در دل، امید به نزدیک بودن ظهور و آمادگی یاری رساندن به آن حضرت می‌داشتیم، اما رفتار عملی برای حرکت به سمت میعادگاه ظهور، یعنی مکه و مدینه، کار عبثی بود. حتی در بعضی توقیعات^(۱) حضرت مهدی علیه السلام از اینکه بدنبال ایشان بگردیم و جستجو کنیم، نهی نموده‌اند.

با توجه به این مطالب معلوم می‌شود که مخاطب واقعی معرفی این علائم، بیشتر از هر دورانی، مردم عصر ظهور می‌باشند. تا با مطالعه آنها، یقین پیدا کنند، ظهور در این عصر که علائم آن آشکار شده است، واقع می‌شود. این نیز نوعی تعیین وقت ظهور است، اما با بیانی غیر مستقیم.

در بعضی روایات، غیبت و ظهور مهدی علیه السلام را به مثابه غروب و طلوع خورشید گرفته‌اند.^(۲) همان‌طور که پنهان شدن قرص خورشید، مقدماتی دارد که عبارتند از کم شدن شدت نور و جمع شدن نور در افق و سپس غروب و آنگاه کاهش آثار نور و در نهایت، حاکمیت تاریکی و ظلمت بر جهان، به همین گونه، ظهور و طلوع خورشید نیز این‌گونه است.^(۳) با طلوع فجر به عنوان مقدمه طلوع نهایی، افق شرق روشن می‌شود و هرچه به طلوع،

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۵۱.

۳ - قبل از طلوع فجر صادق، در نیمه شب، فجر کاذب روی می‌دهد. هرچند شب و ظلمت بر همه جا گسترده است، ولی انسان گمان می‌کند صبح دمیده است. این را می‌توان به ظهور مهدی نماها و مدعیان دروغین امامت و مهدویت و منجی‌یان دروغین بشریت که از تاریکی شب استفاده کرده و مردم جویای عدالت را گمراه می‌کنند، تعبیر نمود. با سپری شدن این دوران و آمدن فجر صادق، روزنه‌های امید و روشنایی از افق مشرق هویدا می‌شود و با هر چه بیشتر روشن شدن افق، خفاشها و جغدها یکی پس از دیگری عرصه را خالی کرده و به آشیانه‌های خود می‌خزند.

نزدیکتر می‌شویم، این روشنایی بیشتر می‌شود تا اینکه خورشید طلوع می‌کند، که البته در ابتدا، نور ضعیفی دارد و هر کسی به طلوع آن اعتراف نمی‌کند. هنگام طلوع هنوز کسانی هستند که خواب می‌باشند ولی با بالا آمدن خورشید و روشن تر و گرم تر شدن جهان، دیگر کسی باقی نمی‌ماند که گمان کند هنوز خورشید طلوع نکرده است تا جایی که در ساعاتی پس از طلوع، هیچ چشمی یارای دیدن آن را نخواهد داشت، تا چه رسد با آن مقابله کند. اما بطور نادر، هستند کوردلانی که از نور خورشید بیزارند، در نتیجه خود را در سیاه چاله‌هایی پنهان می‌کنند تا هیچ روزنه نوری به آنها نرسد.

فرایند غیبت و ظهور نیز چنین سان است. پیش از غیبت، امامان علیهم‌السلام مردم را آماده غیبت آن حضرت کردند و پیش از غیبت کبری، غیبت صغری واقع شد. در غیبت صغری هر چند امام علیه‌السلام پنهان شده بودند ولی آثار نورانی و روشنایی بخش آن حضرت همچنان از طریق نواب اربعه بر شیعیان جاری بود و شیعیان، ارتباط واسطه‌ای با آن حضرت داشتند. پس از ۶۹ سال، غیبت کبری در سال ۳۲۹ هجری شروع شد. یعنی شیعیان وارد تاریکی و ظلمت عصر طولانی و نامعین غیبت شدند. در واقع کلمه غیبت برای شیعیان، مترادف با عصر ظلمت و تاریکی است. عصری که خفاشها و کفتارها از مخفی‌گاه خویش بیرون آمده و عدم حضور امام علیه‌السلام را فرصت مطلوبی برای خودنمایی و پاره پاره کردن دین و شیعیان قرار دادند.

در این دوران صحبت از تعیین وقت طلوع فجر، بی‌جا است، باید به فکر انجام وظایف بود. البته نیم‌نگاهی نیز به افق مشرق داریم ولی در شب، وظیفه، نماز عشاء، سپس در نیمه شب و اوج ظلمت، به فکر نوافله‌های شب بودن است.

از این جهت است که نوافله‌های شب هر قدر، به طلوع فجر نزدیکتر باشد،

بهبتر است. شاید خداوند می‌خواهد به ما بفهماند، پیش از طلوع فجر صادق، باید بیدار بود. گوش به زنگ بود. آن زمان را باید درک کرد، تا از دست نرود. مبادا فجر صادق بدمد و ما در خواب باشیم. شب زنده داران، می‌توانند از حوادث دوران تاریکی، یعنی عصر غیبت با امکانات بیشتری مقابله کنند.

طلوع فجر صادق و اذان صبح، به منزله آغاز مرحله ظهور صغری است، دورانی که همه چیز آماده ملاقات با خورشید امامت علیه السلام می‌شود. فجر صادق به ما اعلام می‌کند که پلیدیهای شب و تاریکی غیبت تمام شده و عصر ظهور فرا رسیده است، آماده ملاقات باید بود.

هرچه به طلوع خورشید، یعنی ظهور و آشکار شدن خورشید امامت علیه السلام نزدیکتر می‌شویم، جهان روشن‌تر و تیرگی‌ها کمتر و خفاشها و کفتارها بیشتر پنهان شده و حق و باطل نیز آشکارتر می‌شود. همه اینها به برکت آشکار شدن نور ظهور است.

اگر هنگام فجر صادق بگوئید، ظهور نزدیک است، تعیین وقت نیست، بلکه باور کردن وقت ظهور است زمانی تعیین وقت به حساب می‌آید که در نیمه شب بودید. اکنون، اگر تعیین وقت ظهور نکنید، بازنده‌اید. ظهور خورشید را از دست می‌دهید.

کسانی می‌توانند وارد عرصه ظهور خورشید شوند که آمادگی دیدن خورشید را داشته باشند و مراسم آنرا انجام دهند، بپا خواسته و نماز صبح را پیش از طلوع خورشید بخوانند. زیرا پس از طلوع، نماز قضاء است! اگر هنر دارید پیش از طلوع خورشید نماز بخوانید و خدا را شکر کنید که خورشید را باز می‌گرداند.

کسانی که علاقه‌ای به شنیدن و شناختن عصر ظهور ندارند، خواب رفتگانی هستند که نماز صبح شان قضاء می‌شود، تازه اگر متوجه طلوع

خورشید شوند. در غیر این صورت موقعی می‌فهمند روز شده، که خورشید در وسط آسمان است و دیگر، یارای نظاره‌گری خورشید را ندارند.

آن کس که طالب دیدار خورشید، هنگام سربرآوردن از افق غیبت است نه تنها باید خواب بین الطلوعین را رها کرده، بلکه پیش از فجر صادق در انتهای شب، بیدار و آگاه شود که ظهور نزدیک است و بر پشت بام برآمده و به افق ظهور (مشرق) نظاره کند، شاید توفیق دیدار فجر صادق ظهور را بیابد.

بنابراین، همان‌طور که اشاره شد، ظهور مانند غیبت، تدریجی است. علت اینکه کیفیت ظهور را با علائم و نشانه‌های نزدیک شدن ظهور بیان کرده‌اند، همین است تا افراد بدانند عصر ظهور چه موقعی است.

البته در برخی روایات عنوان شده که حضرت ناگهانی ظهور خواهند کرد. (۱)(۲) ناگهانی ظهور کردن، برای کسانی است که مورد تهدید قرا گرفته‌اند، یعنی کسی که ناگهانی خود را در معرض ظهور می‌بیند، در واقع ناآگاه و غافل و یا مخالف با ظهور است. همان‌طور که در قرون گذشته، کسانی که منکر عذاب الهی بودند، آنرا ناگهانی می‌دیدند زیرا باور نمی‌کردند که عذاب نازل شود، ولی کسانی که انتظار وقوع عذاب داشتند، آمادگی پیدا کرده و ظهور عذاب، نه تنها برای آنها ناگهانی نبود بلکه قابل پیش‌بینی بوده و عکس‌العمل مناسب در برابر آن اتخاذ می‌کردند.

ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام هرچند برای عده‌ای ظالم و مفسد، عذاب بزرگی است ولی برای مؤمنین به حضرتش، رحمت و شفا است. طبیعی است،

۱ - سوره اعراف آیه ۱۸۷: «لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» (ظهور) نزد شما نمی‌آید مگر ناگهانی.

۲ - «ساعة» یعنی ظهور حضرت قائم علیه السلام: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹ و منظور از ناگهانی آمدن ساعت یعنی ناگهان بودن ظهور است.

کسانی که مورد عذاب واقع می‌شوند، آنرا ناگهانی بدانند، چون منتظر نبودند (در اعمال و گفتار و افکارشان، حضرت و رسالتش نقشی نداشت) ولی مؤمنین، منتظر بوده و همواره خود را آماده آمدن ایشان می‌کنند.

پس می‌توان مطالب گذشته را این‌گونه خلاصه کرد که:

- پیش بینی زمان ظهور دو نوع است:

الف: تعیین دقیق ساعت و روز که صحیح نیست و انجام نگرفته است.

ب: تعیین نسبی، که شامل سه نوع است:

۱. پیش بینی ظهور صغری و تعیین محدوده‌ای پنجاه ساله برای ظهور، که ضروری به اندیشه مهدویت و آمادگی برای ظهور و استفاده از علائم برای تعیین آن، نمی‌زند.

۲. پیش بینی ظهور تا شعاع ده سال (یا یکسال پیش از ظهور)، آنهم براساس علائم سال ظهور، که کاملاً ممکن بلکه برای تعیین موضع و رفتار خویش و حرکت به سوی مکه، ضروری است.

۳. پیش بینی از سالهای بسیار دور، مثلاً بیش از صد سال قبل از ظهور که غیر ممکن و نهی شده است. زیرا وقتی هنوز در اوج ظلمت غیبت کبری هستیم، پیش کشیدن این مطلب، هم موجب فریب مردم می‌شود و هم اینکه وظایف اصلی در این دوران، فراموش می‌شود و همچنین، آن زمان، عصر ظهور گفتارها و خفاشهای دوران تاریکی است، که باید مواظب آنها بود.

بنابراین، نهی موجود در روایات مربوط به تعیین ساعت دقیق ظهور از یک طرف و یا از طرفی دیگر پیش بینی ظهور در اوج غیبت کبری می‌باشد. اما در عصر نزدیک به ظهور، پیش بینی تقریبی ظهور حضرت، نه تنها تعیین وقت نیست، بلکه باور نمودن علائم و نشانه‌های ظهور ایشان است و کسانی که از این پیش بینی طفره می‌روند، در واقع روایات علائم ظهور را قبول نداشته و یا

شک دارند و در نتیجه این افراد در هنگام مواجهه با ظهور حضرت علیه السلام به احتمال زیاد جزء منکرین یا مخالفین حضرتش قرار خواهند گرفت، چون به هیچ وجه آمادگی و باور نزدیکی ظهور را نداشتند. البته باید گفت، در مورد پیش بینی هنگامه ظهور نیز نباید جانب افراط را گرفت و با قاطعیت اظهار نظر نمود، تا مبادا اگر ظهور به عقب افتاد، شیعیان در اعتقادشان سست شوند. بلکه ما همواره باید، بصورت احتمال و تقریب در تعیین عصر ظهور و مقایسه علائم آن بپردازیم.

سؤال چهارم: آیا باید همه علائم را در نظر داشته و انتظار وقوعشان را داشت؟

بهتر این است که می‌توانیم علائم بیشتری را مطالعه کنیم، زیرا این علائم در روایات، بصورت پراکنده و گسترده مطرح شده است و برخی علائم، همدیگر را تقویت یا محدود می‌سازند. ما نیز در این کتاب تا آنجا که توانسته‌ایم به علائم و نشانه‌های مختلف، هرچند ضعیف نیز توجه نموده‌ایم تا مبادا نشانه و علامت مهمی نادیده گرفته شده و در نتیجه در پیش بینی و تعیین و بررسی حوادث دچار اشتباه شویم. هرچند می‌دانیم برخی از این علائم ممکن است، واقع نشود و برخی نیز با مشخصات دیگری غیر از آنچه در روایات به ما رسیده، واقع گردد.

بنابراین در جواب این سؤال می‌توان گفت:

- ۱ - می‌بایست حداکثر علائم را مطالعه نمود.
- ۲ - نباید انتظار داشت که همه علائم واقع شود.
- ۳ - برخی علائم ممکن است همدیگر را نقض یا محدود یا تقویت و تأیید کنند، پس باید جنبه‌های مختلف آنها را شناخت و در نظر داشت.

۴ - علائم کلیدی و مهم را در ذهن داشته باشیم. خواه علائم حتمی یا غیر حتمی تا از علائم سرنوشت ساز و کلیدی غافل نگردیم.

سؤال پنجم: آیا علائم همانطور که بیان شده، واقع می‌شود؟
جواب این سؤال نیز بستگی به نوع علائم و عوامل دیگر دارد. باید بدانیم فلسفه وجود این علائم چیست؟ چگونگی و علل بیان علائم ظهور توسط ائمه اطهار علیهم‌السلام را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱ - امتحان شیعه، مبنی بر تعیین میزان تسلیم و تلاش برای شناخت علائم، پیش از وقوع و هنگام وقوع علائم.

۲ - تنبیه و مجازات شیعیان که به میزان افزایش خیر خواهی و نیک اندیشی آنان بستگی دارد، در این صورت علائم واضح‌تر و آشکارتر، بوقوع می‌پیوندد و به هر میزان که کج روی و فساد، در شیعیان بیشتر شود، علائم نیز پیچیده‌تر و گاهی متفاوت با آنچه گفته شده واقع می‌شود. (۱)

۳ - تقویت ایمان، که با مشاهده مقدمات علائم مذکور در روایات حاصل می‌شود.

۴ - ایجاد آمادگی در شیعیان، که با مطالعه و مشاهده این علائم با آمادگی بیشتری وارد عرصه ظهور می‌شوند.

با توجه به مطالب گفته شده در چگونگی بیان علائم، معلوم می‌شود، این علائم به دلائل متعدد ممکن است دگرگون شده و یا بطور کلی حذف شود. به این جهت است که حتی علائم حتمی از قبیل قیام سفیانی نیز امکان بداء و تغییر یافتن دارند و ممکن است مشیت خداوند به وقوع ظهور امام عصر علیه‌السلام

۱ - توضیح این مطلب را در کتاب غیبت و همین کتاب خواهیم آورد.

بدون آمدن سفیانی تعلق گیرد،^(۱) تا همان طور که گفتیم شیعه نیز در اثر این تغییر، مورد خشم الهی قرار گرفته، و حتی شیعیان نیز بدون آمادگی و حضور در عرصه ظهور وارد شده و بصورت ناگهانی با آن برخورد کنند، که از این حادثه باید به خداوند پناه برد.^(۲)

البته به جز علائم حتمی (که امکان بداء در آنها بسیار ضعیف است) بقیه علائم نیز ممکن است در تعیین فاصله با زمان ظهور، یا محل وقوع یا جزئیات وقوع ظهور، دچار تغییر شوند در نتیجه ما باید آمادگی برخورد با هر نوع تغییر در علائم را داشته باشیم.

بنابراین ما می‌توانیم با این مشکل به صورت زیر برخورد کنیم تا کمترین آسیب را ببینیم:

۱ - حداکثر کوشش خود را در به یاد داشتن و توجه دائم به علائم اصلی و محوری داشته باشیم.

۲ - وظیفه اصلی خود را در شرایط مختلف، خواه غیبت یا نزدیک به ظهور و یا دوران ظهور، سه مسئله زیر بدانیم:

الف - در همه حال تسلیم محض اوامر امام علیه السلام باشیم (بدون دخالت دادن سلیقه شخصی).

۱ - در روایات حتی احتمال وقوع بداء در مورد سفیانی نیز داده شده است، هرچند احتمال آن ضعیف است ولی ما تمام احتمالات را باید در نظر بگیریم و بدانیم هر قدر ابهام و ناگهانی بودن ظهور بیشتر باشد، تعداد بیشتری نسبت به آن غفلت ورزیده و در هنگام ظهور، صدمه معنوی و اعتقادی خواهند دید. البته از آنجا که ظهور حضرت علیه السلام جزء و عده‌های الهی است، در آن بداء نخواهد بود.

۲ - البته احتمال وقوع چنین تغییرات اساسی در علائم حتمی، بسیار بعید به نظر می‌رسد. زیرا در این صورت از طرف ائمه اطهار علیهم السلام این قدر مورد تأکید قرار نمی‌گرفتند.

ب - منتظر ظهور و مواجهه با ظهور حضرتش باشیم.

ج - دین و افکار خود را تابع افراد مختلف نکنیم (و فقط توجه به روایات رسیده در این مورد بنمائیم)، مگر اینکه مطمئن باشیم آن اشخاص با دلیل و مدرکی الهی و امام پسند، اظهار نظر می‌کنند.

اگر شرایط فوق را اجرا کنیم، حتی اگر ظهور نیز واقع شود و ما متوجه نشویم، در این صورت هرچند از فیض مشارکت در ظهور محروم می‌شویم ولی حداقل جزء مخالفین حضرت نبوده و در ضمن به محض شناسایی ایشان به خدمت آن حضرت درمی‌آئیم و از مخالفین و دشمنانش در عصر ظهور، اجتناب خواهیم کرد. انشاء الله.



بخش دوم:

بررسی نشانه‌های عمومی ظهور



علائم عمومی ظهور امام عصر علیه السلام را می توان در ابعاد علائم طبیعی و علائم اجتماعی و فرهنگی خلاصه نمود.

الف: علائم طبیعی

این علائم، شامل حوادثی می شوند که بطور خارق العاده و گسترده در سطح کره زمین واقع می شود تا نشانه ای بر نزدیکی ظهور آن حضرت باشند و شامل حوادث زمینی مانند زلزله های گسترده و وحشتناک، سیل های وسیع، قحطی، گسترش بیماری های مسری، بیماری های جدید و خطرناک و... و نیز حوادث آسمانی مانند تغییرات جوی، خشکسالی، گسترش گرما، طلوع ستاره دنباله دار و... می باشد.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«پیش از این امر (قیام حضرت مهدی علیه السلام)، بیوح واقع می شود. راوی گوید: من نمی دانستم بیوح یعنی چه، وقتی حج می نمودم شنیدم بیابانگردی می گوید: امروز، روز بیوح است. به او گفتم: بیوح چیست، گفت: بسیار گرم.»^(۱)

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«پیش از این امر (ظهور مهدی علیه السلام) ماه در بیست و پنجم ماه رمضان، خسوف نموده و خورشید نیز در پانزدهم

ماه رمضان کسوف می‌کند و در این هنگام محاسبات
منجمین، بر هم می‌خورد». (۱)

ظهور دود گسترده در سطح زمین (۲) و ستاره دنباله دار (۳) و خشک شدن
چشمه‌ها و تاریک شدن افق (آسمان در اثر آلودگی هوا) (۴) و ظهور تند
بادهای شدید (۵) و زلزله‌های سهمگین (۶) و باران‌های پی در پی پیش از
ظهور (۷)، از جمله حوادث مهم طبیعی هستند. البته این حوادث بطور
گسترده‌ای در روایات مطرح شده است.

ب: علائم غیر طبیعی

این علائم شامل حوادث اجتماعی، فرهنگی و دینی می‌باشد. روایات
بسیاری حکایت از تغییرات عمیق اجتماعی و اعتقادی در سطح گسترده‌ای از
انسانها، مسلمانان و بخصوص شیعیان دارد. از این جهت بر شیعیان تأکید
نمودم، زیرا دیگران، دستورات و فرامین اهل بیت علیهم‌السلام را ندارند تا بدانند چه
باید بکنند ولی شیعیان این دستورات را دارند و علی‌رغم داشتن این احکام و
فرامین، آنها را نادیده گرفته و با حفظ ظاهر شیعه بودن خویش، کاملاً رفتاری
مخالف یا متفاوت با تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام در پیش می‌گیرند که طبیعی است

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۷۱.

۲ - نوائب الدهور، ج ۱، ص ۲۱۱.

۳ - همان، ج ۱، ص ۲۸۹.

۴ - همان، ج ۱، ص ۲۹۱.

۵ - همان، ج ۱، ص ۲۱۴.

۶ - همان، ج ۱، ص ۲۱۰.

۷ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴.

شدت انحراف و صدمات آنها نیز بیشتر از دیگران باشد. برخی از این علائم به مسائل اجتماعی و روابط میان مردم، اعم از زن و مرد، فرزند و پدر و مادر، حاکم و رعیت یا جنگ و جدال میان دولت‌ها و نحوه پوشش و ساختمان سازی می‌پردازد و برخی دیگر به مسائل فرهنگی و اعتقادی و میزان پایبندی به دین، وضعیت علماء دین و سطح آگاهی مردم از دین و اختلاف شدید مذهبی میان شیعیان می‌پردازد.

۱- نمونه‌هایی از تغییرات اجتماعی و سیاسی پیش از ظهور

رسول اکرم ﷺ فرمود:

«در امت من چهار فتنه خواهد بود. در فتنه اول، بلائی وارد می‌شود که مؤمن می‌گوید اینجا هلاکت من است و فتنه دوم بگونه‌ای است که مؤمن می‌گوید اینجا هلاکت من است و در فتنه سوم (بگونه‌ای است که) هر وقت قطع شود، فتنه (دوباره) گسترش می‌یابد. و در فتنه چهارم، فتنه‌ای به مردم می‌رسد به گونه‌ای که امت (مسلمانان) یکبار با این رهبر و بار دیگر با رهبری دیگر می‌باشند، بدون امامی و جمع‌کننده‌ای^(۱) (که برای آنها یافت شود)».

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«از نشانه‌های نزدیکی ظهور، این است که اشرار (پلیدان)، به مقامات والا رسیده و نیکان، پست می‌شوند و سخن، زشت شده و عمل، زیبا جلوه می‌کند و در میان مردم مساءه گسترش می‌یابد. (راوی گوید) گفتم: مساءه چیست، فرمود: آنچه غیر از کتاب خدا (قرآن مجید) نوشته

می‌شود^(۱)، (و مردم بنام قانون، آنرا واجب می‌شمرند)». پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«در آخرالزمان، فرمانروایانی ظالم و وزیرانی گناهکار و قضاتی خائن و فقیهانی دروغگو خواهند بود. هر کس از شما آن زمان را درک کرد، در این صورت هیچگاه خراج‌گیر (مأمور مالیات) و دلال و پاسبان نباشید»^(۲).

۲- نمونه‌هایی از تغییرات فرهنگی و دینی

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نوشته‌هایش و از اسلام جز اسمش، چیزی باقی نمی‌ماند. مردم به آن (قرآن و اسلام) منسوب می‌شوند در حالیکه دورترین مردم (جهان) نسبت به آن (اسلام و قرآن) هستند. مسجد‌هایشان آباد ولی از هدایت خراب (تهی) است، فقهاء آن زمان بدترین فقهاء در زیر آسمان هستند. از آنها فتنه خارج و صادر گشته و به سوی خودشان باز می‌گردد»^(۳).

نزد حضرت صادق علیه السلام از قائم علیه السلام، نام برده شد. فرمودند:

«او کجا اکنون می‌آید، در حالیکه فلک نگشته، تا گفته شود: (مهدی علیه السلام) فوت کرده یا هلاک شده، به کدام سرزمین رفته. (راوی گوید) گردش فلک چیست؟ امام علیه السلام فرمود: اختلاف شیعیان در میان خود»^(۴).

۱- نوائب الدهور، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲- همان، ج ۱، ص ۱۴۲.

۳- همان، ج ۱، ص ۲۶۱.

۴- غیبت نعمانی، ص ۱۵۷.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«ظهور واقع نمی‌شود تا اینکه اطاق‌ها بر روی یکدیگر ساخته شده و بلند (مرتبه) گردند (آپارتمان نشینی گسترش یابد) و تا اینکه کسانی که فرزند زیاد دارند، (از داشتن فرزند) غمگین باشند و کسانی که زایمان نمی‌کنند (عقیم هستند)، خوشحال هستند و... زمین جمع می‌گردد (مسافتها کوتاه می‌شود)». (۱)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«زمانی بر مردم می‌گذرد که در آن موقع علماء (واقعی) را همانند دزدان می‌کشند، ای کاش، علماء در آن زمان، خود را به حماقت می‌زدند (تا از شر مردم آن دوران در امان باشند)». (۲)

حضرت جواد علیه السلام می‌فرماید:

«مردم، سرگردان و سرمست می‌شوند، بدون اینکه مسلمان یا مسیحی باشند». (۳)

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«من او (مهدی علیه السلام) را می‌بینم در حالی که مردم در ناامیدترین حالت هستند، ندائی (صدائی) زده می‌شود (بنام آن حضرت)، بطوریکه آنرا افراد دور دست (از آن صدا) همانند نزدیکی‌ها می‌شنوند». (۴)

۱ - نوائب الدهور، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲ - همان، ج ۱، ص ۲۵۹.

۳ - همان، ج ۳، ص ۳۲۸.

۴ - غیبت نعمانی، ص ۱۸۱.

جنگ و هرج و مرج از مشخصات اصلی و بارز پیش از ظهور است. همان طور که اشاره شد، مهمترین مسئله روحی و فکری بشر، که انسانها را در معرض ظهور قرار می‌دهد، احساس جهان‌گرایی و جهان شمولی توأم با ناامیدی از دستاوردهای موجود می‌باشد و زمانی انسان به چنین بلوغ فکری می‌رسد که تمام راهها را امتحان کرده و از همگی ناامید شده و خود را در معرض نابودی ببیند. در این هنگام است که ناامیدترین حالت برای وی پیش می‌آید و در این حالت است که ندای حق و ظهور حضرت مهدی علیه السلام تأثیر خود مبنی بر کرنش و سرسپردگی بی قید و شرط بشریت در برابر حجت الهی به همراه خواهد داشت. چنین وضعیتی در اثر یک جنگ تمام عیار و گسترده و ویرانگر که ترجیحاً اتمی خواهد بود، پیش می‌آید. البته روایات بسیاری در مورد حتمی بودن این جنگ و وحشتناک بودنش، ارائه شده است.

حضرت صادق علیه السلام، فرمود:

«پیش از قیام قائم علیه السلام، جنگ قیس (غربیها) خواهد بود.»^(۱)

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«ای ابا حمزه، قائم علیه السلام قیام نمی‌کند مگر در حالت ترس بسیار (میان مردم).^(۲) این جنگ و وحشت عمومی است که تمام جهان را می‌گیرد و البته، وحشت در میان مسلمانان و بخصوص اعراب، بسیار بیشتر خواهد بود.»^(۳)

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۷۷.

۲ - همان، ص ۲۳۵.

۳ - همان، ص ۲۷۹، ص ۲۷۷، ص ۲۷۶.



بخش سوم:

نشانه‌های خاص



فصل اول:

آغاز فتنه از شام

در هنگام نزدیک ظهور، حوادث، آن چنان گسترده و سریع و گیج کننده واقع می شود که اکثریت مردم قدرت درک آنها را از دست می دهند تا چه رسد بتوانند واکنش مناسبی نسبت به آن حوادث داشته باشند.

مهمترین، عمیق ترین و مؤثرترین علامت در مقدمه ظهور، فتنه و بلاء و دردسر بزرگی است که از شام شروع شده و تمام مسلمانان و سپس جهان را تحت تأثیر خود در می آورد و پایان فتنه ها نیز در همان جا خواهد بود.^(۱) طبیعی است که این حادثه، باید منحصر به فرد باشد و این نیست، مگر فتنه ظهور یهود و تسلط مجدد آنها بر بیت المقدس و تشکیل دولت یهود، آن هم بعد از قریب به سه هزار سال، و ایجاد معبد یهود، پس از حدود دو هزار سال.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«ای جابر، قائم علیه السلام ظهور نخواهد کرد مگر آنکه فتنه (بزرگی)، عموم مردم شام را در برگیرد، بطوریکه می خواهند از آن خارج شوند ولی (راهی) پیدا

۱ - با ظهور دجال و کشته شدن او توسط حضرت مهدی علیه السلام و بدست حضرت عیسی بن مریم علیه السلام، حوادث دوران ظهور پایان می یابد.

نمی‌کنند» (۱).

این فتنه، آن‌چنان گسترده و عمیق است که به هیچ طریق، امید بهبود و اصلاح آن نخواهد بود و هر کس می‌خواهد پا در میانی کرده و آن را بهبود بخشد، از سوی دیگری تازه گشته و خرابی به بار می‌آورد، تا جایی که در نهایت ناامید می‌شوند و البته هنگامی که ناامید شدند، جنگ خانمانسوز و وحشتناکی، منطقه را در بر می‌گیرد.

حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید:

«در شام فتنه‌ای خواهد بود، به گونه‌ای که هرگاه از جانبی (طریقه‌ای) آرام گیرد، از جانبی (حادثه‌ای) دیگر سر بر می‌آورد و پایانی نخواهد داشت تا اینکه از آسمان فریادی رسد که فرمانروای شما، فلانی (مهدی علیه السلام) است» (۲).

از حدیث شریف فوق چند نتیجه بدست می‌آید:

- ۱ - فتنه شام، فتنه‌ای آشکار و مهم و عمیق است.
- ۲ - هر لحظه گمان می‌رود، این فتنه در شرف حل شدن است و برای حل آن، طرح‌های متعددی ارائه خواهد شد.
- ۳ - هیچ طرح و راه حلی نتیجه نخواهد داد و عوامل متعددی در به بن بست رسیدن آن، سهیم هستند.
- ۴ - این فتنه هیچگاه تا انتها، حل نخواهد شد.

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۷۹.

۲ - همان طور که خواهد آمد، در اثر انهدام و جنگ داخلی شام، سفیانی ظهور خواهد کرد که این مقدمه‌ای است برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام و به نام هر دو، به عنوان فرمانده، فریاد و ندا خواهد بود.

۵ - انتهای این فتنه، جنگ و انهدام و ظهور مهدی علیه السلام خواهد بود (البته قبل از ایشان، سفیانی در این منطقه ظهور خواهد کرد. در واقع نتیجه مستقیم انفجار در شام، ظهور و قیام سفیانی و آنگاه مهدی علیه السلام خواهد بود).

آن طور که معلوم می‌شود، این فتنه بسیار طولانی، عمیق و تعیین کننده است، از این جهت آستن حوادث بعدی در منطقه خواهد شد.

در بررسی شرایط منطقه خاورمیانه، متوجه می‌شویم که در طول تاریخ، حادثه‌ای نظیر آنچه از حدود پنجاه سال پیش در منطقه واقع شده، اتفاق نیافتاده است و آن، ظهور «دولت یهود» است. دولتی، نژاد پرست، تندرو و افراطی و فوق‌العاده خطرناک و توطئه گر، تا جایی که حاضر است هم کیش، هم وطن، و هم نژاد خود را قربانی کند، تا به اهداف پلید خویش که از رفتارشان نیز پلیدتر است دست یابند. این فتنه‌ای است که جنگ‌های آینده را رقم می‌زند.

در این جا اشاره‌ای به تاریخچه و توطئه یهود می‌کنیم و سپس، بحث شام را موقتاً رها می‌کنیم و به ادامه فتنه شام که در عراق و ایران، ظاهر خواهد شد، می‌پردازیم.

تاریخچه یهود (۱)

حضرت موسی علیه السلام در حدود سال ۱۲۷۰ قبل از میلاد، یعنی تقریباً سه هزار و دویست و هفتاد سال پیش، ظهور کردند و بنی اسرائیل را از چنگال مصریان نجات دادند. ایشان یکصد و بیست سال زندگی کردند، نزدیک به

۱ - مطالب این بخش بطور مختصر از کتاب عصر ظهور اثر آقای کورانی ترجمه عباس جلالی، از ص ۸۰ تا ۹۴ اقتباس شده است.

سی سال در کاخ فرعون و ده سال نیز نزد شعیب پیامبر علیه السلام در محل «قادش برنیغ» واقع در انتهای سینا از سمت فلسطین نزدیک دره «عَرَبَه» گزارند.

حضرت موسی علیه السلام پس از خروج از مصر در سال ۱۱۵۰ ق. م، در جایی نامعلوم فوت کردند، و پس از ایشان، وصی آن حضرت یعنی یوشع بن نون به حکومت پرداختند. یوشع، بنی اسرائیل را به کرانه باختری رود اردن کوچ داده و آنجا را فتح نمود. و سپس آن منطقه را میان فرزندان یعقوب تقسیم نمود. یوشع، نزدیک به سال ۱۱۳۰ ق. م، در حدود ۱۱۰ سالگی وفات نمود.

پس از یوشع، رهبری بنی اسرائیل به داوران (علماء یهود) رسید که تعداد آنها پانزده نفر بودند. در دوره آنان، انحراف بنی اسرائیل گسترده شد و بنی اسرائیل، به شکل‌های مختلف دچار عذاب شده و گروه‌های مختلفی بر آنها و منطقه ارعاء، مسلط شدند. تا زمان سموئیل نبی که طالوت را از جانب خداوند، بر بنی اسرائیل پادشاه نمود و طالوت نیز به کمک حضرت داود علیه السلام، جالوت را نابود ساخت. مدت حکومت داوران در حدود یکصد سال، یعنی از سال ۱۱۳۰ ق. م تا ۱۰۲۵ ق. م، بود و مدت حکومت طالوت (شائول) نیز پانزده سال یعنی از سال ۱۰۱۰ تا ۱۰۲۵ ق. م می‌باشد. پس از وی حضرت داود و سلیمان علیهما السلام به مدت هشتاد و یک سال یعنی از سال ۱۰۱۰ تا ۹۳۱ ق. م، سال وفات حضرت سلیمان علیه السلام، حکومت کردند.

داود بر بالای کوه «مریّا» (محل بیت المقدس فعلی) که محل عبادت حضرت ابراهیم علیه السلام و بصورت خرمگاهی بود مسجدی ساخت و حضرت سلیمان، آنرا تجدید بنا کرد و به نام معبد سلیمان، معروف گشت.

بعد از حضرت سلیمان، حکومت بنی اسرائیل پاره پاره شد. فرعون مصر به پادشاه آرامی‌ها، ساکن در سوریه حمله برد و سران آنها را به اسارت درآورد. تا اینکه در سال‌های ۸۵۹ تا ۸۲۴ ق. م، پادشاه آشوریان به کشور آرامی‌ها و

قلمرو اسرائیل حمله برد و آنجا را تحت سلطه خویش درآورد. با سقوط نینوا پایتخت آشوریان در سال ۶۱۲ ق. م بدست مادها و بابلیها سرزمین عراق و شام و فلسطین در اختیار بخت النصر پادشاه بابل قرار گرفت و او نیز دوباره در سال ۵۹۷ و ۵۸۶ ق. م به فلسطین حمله کرد. بخت النصر در حمله دوم معبد سلیمان را به آتش کشید و نابود ساخت و حدود پنجاه هزار نفر از یهودیان را به اسارت، به بابل برد و تنها کشور باقی مانده یهود را نیز نابود کرد.

کورش در سال ۵۳۹ ق. م بابل را فتح کرد و اسرای یهود را آزاد نمود و گنج‌های معبد سلیمان را به آنها برگرداند و اجازه داد تا آن معبد را مجدداً بازسازی کنند. و عاقبت معبد در سال ۵۱۵ ق. م ساخته شد.

تسلط ایرانیان بر یهودیان از سال ۵۳۹ تا ۳۳۱ ق. م ادامه یافت، تا در سال ۳۳۱ ق. م، با حمله اسکندر، به زیر سلطه یونانیان درآمدند. تا سال ۶۴ ق. م که امپراطوری روم با اشغال سوریه، منطقه را زیر سلطه خویش درآورد، و همواره بنی اسرائیل، مورد آزار و شکنجه قرار می‌گرفتند، تا سال ۷۰ م که معبد سلیمان توسط تیطس، فرمانروای منطقه و فرزند قیصر روم به آتش کشیده شد و بسیاری از مسیحیان و یهودیان را کشت.

با آمدن کنستانتین، قیصر روم که مسیحی شده بود، آزار و شکنجه یهودیان بیشتر شد تا جایی که وقتی ایرانیان به فرماندهی خسرو پرویز در سال ۶۲۰ م بر رومیان پیروز شدند، یهودیان تعداد ۹۰ هزار اسیر رومی و مسیحی را از ایرانیان خریده و سر بردند. پس از چندی که هراکلیوس بر ایرانیان پیروز شد، تمام یهودیان را از شهر قدس بیرون کرد و پس از سقوط قدس به دست مسلمانان، مسیحیان در شرایط صلح، عدم حضور یهودیان در شهر را گنجانند. و از سال ۶۳۸ م، مصادف با سال ۱۷ هجری تا سال ۱۳۴۳

ه ق، مطابق با سال ۱۹۲۵ م یعنی سال سقوط دولت عثمانی توسط غربیها، فلسطین جزء قلمرو اسلامی بود.

یهودیان از سال‌ها پیش، در تدارک اشغال و تصرف فلسطین بوده‌اند که با قیمومیت بریتانیا بر فلسطین، پس از جنگ جهانی اول، این فرایند، شدت گرفت و عاقبت با اعلامیه بالفور در سال ۱۹۴۸ رسماً دولت یهود با هدف مرکزیت اورشلیم، تشکیل شد^(۱).

آرمان یهود

بسیاری گمان می‌کنند، حرکت اسرائیل و صهیونیستها در عصر حاضر، یک حرکت صد در صد سیاسی است ولی با مطالعه آرمان یهود، معلوم می‌گردد که حرکات یهودیان در عصر حاضر نه تنها فقط سیاسی و توسعه طلبانه نیست، بلکه آرمانی و اعتقادی نیز می‌باشد و یهودیان افراطی، به سختی معتقد به توسل به زور و کشتار اعراب، و تصرف بیت المقدس و تأسیس دولت یهود، به مرکزیت قدس می‌باشند. تصویر انتقام الهی از امتها در روز غضب، یعنی زمانی که تمدن‌ها گسترش یافته و مردم جمع شده‌اند، در کتاب عهد عتیق، همواره در گوش یهودیان طنین انداز است.

«روز عظیم خداوند نزدیک است و بزودی هر چه تمام‌تر می‌رسد. آواز روز خدا مسموع است و مرد زورآور در آن، به تلخی فریاد برخواهد آورد. آن روز، روز غضب است. روز تنگی و اضطراب، روز خرابی و ویرانی، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرها و ظلمت غلیظ، روز کرنا، و هنگامه جنگ بضد شهرهای حصاردار و بضد برجهای بلند، و مردمان را آن چنان بتنگ می‌آورم که کورکورانه راه

خواهند رفت. زیرا که به خداوند گناه ورزیده‌اند، پس خون ایشان مثل غبار و گوشت ایشان مانند سرگین، ریخته خواهد شد، در روز غضب»^(۱).

«بنابراین خداوند می‌گوید برای من منتظر باشید تا روزی که به جهت غارت برخیزم. زیرا که قصد من بر این است که امتها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم، تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را برایشان بریزم. زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد... زیرا که در آن زمان، زبان پاک به امتها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و به یک دل او را عبادت نمایند»^(۲).

به اعتقاد آنان این جنگ بزرگ از مشرق نشأت می‌گیرد، در شرق رودخانه فرات.

«یک ارتش ۲۰۰ میلیونی شرقی در طی یکسال به سمت غرب به حرکت در می‌آید. این ارتش به حرکت در می‌آید و در تغییر مکان خود پرجمعیت‌ترین ناحیه‌های جهان را پیش از رسیدن به رودخانه فرات ویران خواهد ساخت»^(۳).

این مکان شرقی می‌تواند ارتش بزرگی از مسلمانان به مرکزیت ایران در شرق رودخانه فرات باشد.

«و ششمین پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از مشرق آفتاب می‌آیند مهیا شود»^(۴).

یهودیان تا آنجا پیش رفته‌اند که نام و محل این جنگ نهایی را تعیین

۱ - کتاب صفتیا عهد عتیق، باب اول، آیه ۱۴ - ۱۶.

۲ - همان کتاب، باب سوم، آیه ۹ و ۱۰.

۳ - در تدارک جنگ بزرگ، ص ۴۲.

۴ - همان.

کرده‌اند. نام آنرا «هارمجدون» و محل آن را «دشت جزرال»، میان جلیله و سامریه تعیین نموده‌اند.

در سال ۱۹۷۰ بیلی گراهام هشدار داد که جهان، اکنون به سرعت دارد به سوی جنگ آخرالزمان، هارمجدون خود نزدیک می‌شود و نسل کنونی جوان ما، شاید آخرین نسل در تاریخ باشد.

گراهام در فرصت دیگری گفت: اکنون بسیاری از مردم می‌پرسند، این آخرین جنگ آخرالزمان در کجاست؟ ما چه اندازه به آن نزدیکیم؟ خوب، محل این جنگ در غرب رودخانه اردن است، در دشت جزرال، میان جلیله و سامریه. ناپلئون، وقتی این جایگاه سترگ را دید، گفت این میدان بزرگترین نبرد جهان است زیرا که انجیل به ما آموزش می‌دهد که جنگ بزرگ آخرالزمان، این بزرگترین جنگ تاریخ، در این بخش جهان روی خواهد داد: یعنی در خاورمیانه.^(۱)

یهودیان از مدتها پیش گفته‌اند که جهان، درگیر جنگی می‌شود که از خاورمیانه شروع می‌شود.

هال لنیدسی نویسنده، در کتاب پر فروش خود به نام «زمین سیاره بزرگ مرحوم» می‌گوید: دولت اسرائیل، خط مرزی میان رویدادهای عمده کنونی و آینده است.

لنیدسی می‌گوید: پیش از اینکه یهودیان تشکیل یک ملت بدهند، هیچ چیز درست سر جایش نبود. تنها حالا که این اتفاق افتاده است تحقق همه گونه علائم پیشگویی‌های نبوی، دارد سر جای خودش قرار می‌گیرد. زیرا که برخی فضاهاى قدرت سیاسى بایستى نخست پدید می‌آمد، و اکنون بنابر

الگوی پیشگویی‌های نبوی کانون همه جهان در خاورمیانه و به ویژه، در سرزمین اسرائیل امروزی، متمرکز شده است. همه ملت‌های جهان، بر اثر آنچه که در آن جا می‌گذرد، به رنج و عذاب خواهند افتاد و در آن درگیر خواهند شد. (۱)

به عقیده لنیدسی که در سال ۱۹۴۸ متولد شده است، شاهد عینی دومین ظهور مسیح خواهد بود و مسیح در جنگ بزرگ با دجال مبارزه خواهد کرد. اما پیش از ظهور او همه عرب‌ها به اضافه کنفدراسیون روسیه، به اسرائیل هجوم خواهند آورد و شهرهای بزرگی همچون لندن، پاریس، توکیو، نیویورک، لوس‌آنجلس و شیکاگو با خاک یکسان خواهند شد و تنها نیروهای مشرق زمین یک سوم جمعیت جهان را نابود خواهند کرد. (۲)

ریگان (رئیس جمهور اسبق آمریکا در دهه ۸۰) در سال ۱۹۷۶ در یک مصاحبه ضبط شده با جرج اونیس خبرنگار کالیفرنیا می‌گوید که او در انتظار جنگ یا جوج و مأجوج است که آن را به تهاجم شوروی به اسرائیل در آینده نزدیک تعبیر می‌کند. (۳)

ریگان در سال ۱۹۸۰ به عنوان یکی از نامزدهای ریاست جمهوری می‌گوید: ممکن است ما همان نسلی باشیم که هارمجدون را می‌بیند. (۴)

به این ترتیب معلوم است که هدف یهودیان افراطی و نیز مسیحیان افراطی هر چند در نهایت متفاوت است ولی در راه رسیدن به آن هدف، یکسان می‌اندیشند. یعنی یهودیان در انتظار ظهور مسیح موعودشان هستند

۱ - همان، ص ۵۱.

۲ - همان، ص ۵۲ و ۵۳.

۳ - همان، ص ۸۱.

۴ - همان، ص ۸۳.

و معتقدند هنوز مسیح ظهور نکرده و مسیحیان نیز منتظر ظهور مجدد و بازگشت مجدد مسیح پسر مریم علیها السلام هستند. اما هر دو معتقدند راه رسیدن به این هدف از تصرف بیت المقدس و تشکیل دولت یهود و کشتار اعراب و جنگ جهانی سوم می‌گذرد و همان طور که اشاره شد آنان دو جنگ را در نظر دارند یکی جنگ سوم و مقدماتی و دیگر، جنگ نهایی که با ظهور مسیح توأم خواهد بود و در منطقه هارمجدون (دره مجدو) رخ خواهد داد.

تکرار عجیب تاریخ (تشابه توطئه گری یهود در آغاز اسلام و آغاز ظهور مهدی علیه السلام)

تشابه عجیبی میان ظهور اسلام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد. (۱) یکی از مهمترین موارد تشابه نقش غیر مستقیم یهود در پیشرفت اسلام و آماده شدن شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

یهود از صدها سال پیش از ظهور اسلام به سرزمین بطحاء و حجاز آمده و در منطقه خوش آب و هوای مدینه، سکنا گزیدند به این امید که هنگام ظهور پیامبر آخرالزمان به کمک او بتوانند بر شرق و غرب مسلط شوند. زیرا می‌دانستند که این پیامبر بر شرق و غرب مسلط می‌شود و دینش بر همه ادیان پیروز می‌گردد و همیشه بر اهل مدینه و دیگر اعراب فخر می‌فروختند که اگر پیامبر ما ظهور کند، ما همه اعراب را بیرون می‌کنیم. از این جهت با تبلیغات یهود، و برای کسب امتیاز، اهل مدینه با خصوصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آشنا شدند و هنگامی که در مکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با گروهی از اهل مدینه ملاقات نمودند و رسالت خویش را به آنان عرضه کردند، همگی، ایشان را

شناختند و برای پیش دستی بر یهود، به ایشان ایمان آوردند. و با همین سرعت بفاصله یکسال، اهل مدینه، همگی مسلمان شدند و در نتیجه یهود با دست خود، تیشه به ریشه خویش زد و با هجرت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به مدینه و پس از جنگ خندق بود که به تدریج یهودیان پیمان شکن، کشته یا تبعید شدند.

اکنون در آستانه ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیز دست یهود در آماده سازی شرایط ظهور کاملاً آشکار است. یهودیان برای تحقق ظهور مسیح موعود خویش که معتقدند در آخرالزمان، زمانی که معبد یهود در اورشلیم ایجاد شد و جهان با یک جنگ بزرگ رو به رو شد که حداقل $\frac{۲}{۳}$ مردم کشته شدند، آنگاه مسیح آنان ظهور کرده و یهودیان باقی مانده را نجات می‌دهد و جهان را تصرف می‌کند. آنان غافلند از اینکه ناخواسته شرایط ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را فراهم می‌کنند، ولی این ظهور به قیمت گناه و فساد و کشتارهایی که جهان را به سقوط خواهد کشاند، تمام می‌شود.

پیش بینی قرآن پیرامون یهودیان

خداوند در قرآن در سوره اسراء بصورتی آشکار از ظهور دوباره دولت یهود و جمع شدن یهودیان از اقصی نقاط عالم و تجمع آنها در ارض موعود و در نهایت قربانی شدنشان، در این قربان‌گاه سخن به میان آورده است.

سوره اسراء آیات ۴ تا ۷:

«ما برای بنی اسرائیل در کتاب، مقرر کردیم که دوبار در زمین فساد (گسترده) نموده و سرکشی سختی خواهید کرد. هنگام وعده اول (در سرکشی اول)، بندگان از خود را که قدرتمند هستند بر شما مسلط می‌گردانیم تا در اطراف سرزمین (فلسطین) گشته (و شما را بیابند و مجازات کنند). و این،

و عده‌ای انجام شده است. سپس مجدداً قدرت را به شما (در آخرالزمان) برمی‌گردانیم و شما را به اموال و فرزندان بیشتر کمک می‌کنیم و سرکشی شما را بیشتر قرار خواهیم داد. اگر نیکی کردید برای خود کرده‌اید و اگر زشتی نمودید هم بر خودتان است. هنگامی که وعده پایانی برسد، چهره شما (آشکارا) زشت گشته و (مبارزان مسلمان) باید به مسجد آیند همان طور که مرتبه نخست آمدند و باید آنچه سرکشی کرده‌اید را نابود سازند».

سپس در آیه ۱۰۴ همین سوره می‌فرماید:

«ما پس از موسی به بنی اسرائیل گفتیم: در زمین قرار گیرید (پراکنده شوید) و هرگاه وعده پایانی آمد، شما را بصورت پراکنده (در ارض موعود)، جمع خواهیم کرد».^(۱)

یهودیان خواسته یا ناخواسته به سوی قربانی شدن پیش می‌روند. بخصوص با چنین سرکشی که در جهان نشان داده‌اند، کاملاً واضح است، سرنوشتی جز نابودی نخواهند داشت.

در اینجا به بررسی مختصری از توطئه مخفی یهودیان در جهان و بخصوص خاورمیانه می‌پردازیم.^(۲)

توطئه یهود در عصر حاضر

با توجه به سابقه تاریخی یهود و بشارتهایی که در کتاب مقدس آمده،

۱ - حضرت صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه «جئنا بکم لفیفاً» آیه ۱۰۴ سوره اسراء، می‌فرماید: منظور، پراکنده شما را جمع می‌کنم. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۲۶ و تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲ - بررسی کامل اهداف و رفتار و عاقبت یهودیان، در کتاب جنگ جهانی سوم و ظهور مسیح آمده است.

یهودیان در طول تاریخ با توجه به مصیبت‌هایی که دیده‌اند، منتظر منجی و مسیح موعود خویش بوده‌اند. مسیح، نجات بخشی از جانب خداوند است که قوم یهود را مانند موسی عليه السلام نجات خواهد داد، و آنها را سرور زمین می‌گرداند و آئین «یهوه» خدای یهود را در سراسر جهان، حاکم می‌سازد. اصولاً مسیحیان از این جهت، عیسی عليه السلام را مسیح می‌دانند که گمان می‌کنند او همان موعود تورات و یهودیان است.

اما یهودیان گمان می‌کنند عیسی، کذاب است و مسیح واقعی در آخرالزمان، یعنی زمانی که قوم یهود توانست به اورشلیم بازگشته و معبد سلیمان را تجدید بنا نموده و دولتی یهودی به مرکزیت بیت المقدس ایجاد کند، ظهور خواهد کرد. (۱)

البته مسیحیان نیز در ظهور مسیح و بازگشت عیسی مسیح، همین اعتقاد را دارند یعنی معتقدند زمانی عیسی مسیح عليه السلام برای نجات بشر باز می‌گردد که دولت یهودی در بیت المقدس تشکیل شده باشد. (۲)

بنابراین طبیعی است که در عصر حاضر یهودیان آرمان خواه به همراه مسیحیان آرمان خواه (پیروان کلیسای انجیلی)، اختلافات مذهبی خویش را کنار گذارند و با دشمن مشترک خود یعنی مسلمانان که گمان می‌کنند مانع راه ظهور مسیح آنها شده‌اند، مبارزه کنند.

اما، چرا مسلمانان و از چه جهت مانع آنان می‌باشند. مسلمانان از دو جهت مانع آرمان موعود یهود و مسیحیان می‌باشند (البته به گمان آنها). یکی بدلیل داشتن مکه و مدینه و قرآن و تصرف سرزمینهای مقدس از نیل تا فرات و

۱ - در تدارک جنگ بزرگ، ص ۸۰.

۲ - همان.

دیگری بدلیل داشتن موعودی جدا از موعود آنها، یعنی مهدی موعود عجل الله فرجه. یهودیان، و مسیحیان گمان می‌کنند، موعود مسلمانان، بخصوص تشیع، دشمن درجه یک مسیح موعودشان است. به همین دلیل در پیشگوئیهای نوسترا داموس^(۱) همواره بر این نکته پافشاری می‌کنند که دشمن مسیح، همان موعود آخرالزمان مسلمانان است که از فرزندان پیامبر اسلام در آخرالزمان می‌باشد.^(۲)

از این جهت سعی بسیار در شناسایی و نابودی آن حضرت دارند (همانطور که در صدر اسلام، یهودیان سعی بسیاری در نابودی اجداد و شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند).

بسیاری از این حملات اخیر در منطقه خاورمیانه به جهت همین هدف است. تا جایی که سربازان اشغالگر در عراق در بازجوییهای خود از امامان جماعت سنی مذهب، سراغ از مهدی موعود می‌گرفتند و هدف خود را یافتن وی اعلام کرده‌اند.^(۳)

بنابراین طبیعی است که آنان سعی تمام خود را در از بین بردن مکه و مدینه و مظاهر توجه به حضرت مهدی عجل الله فرجه قرار دهند.^(۴)

اکنون که تا حدودی با توطئه یهودیان و مسیحیان، آشنا شدیم، در فصل

۱ - میشل دو نوسترادا، معروف به نوسترا داموس، پزشک و کشیش فرانسوی است که در سال ۱۵۰۳ متولد شد.

۲ - پیشگوئیهای نوسترا داموس، ص ۶۸۹، ترجمه پوران فرخ زاد.

۳ - پایگاه اینترنتی «موعود» این مطلب را گزارش نموده است. (WWW.mouood.com)

۴ - بررسی بیشتر توطئه یهود را در بخشهای بعدی و بخصوص جلد دوم خواهیم آورد.



بعد به بررسی ادامه شرایط و علائم مقدماتی ظهور یعنی حوادث عراق؛ می‌پردازیم. ببینیم، حوادث جاری در عراق، چگونه در پیشبرد شرایط ظهور، مؤثر است.

فصل دوم:

ظهور سفیانی اول و اشغال عراق توسط غربیها

«عراق عامل توسعه حوادث»

عراق مهمترین نقطه‌ای است که بر حوادث آینده شام تأثیر می‌گذارد. و از عراق است که حوادث شام تبدیل به بحرانی عمیق و گسترده خواهد شد. حکومت عراق آن چنان فاسد، خونریز و ظالم است که مشابهی برای آن، نمی‌توان تصور کرد. این حکومت همانا، حکومت صدام حسین است. کسی که به خونریز و قتال معروف گشته است.

«علی بن حمزه گوید: من در سفر، بین مکه و مدینه با حضرت موسی بن جعفر علیه السلام همراه شدم. روزی ایشان به من فرمود: ای علی، اگر ساکنین آسمانها و زمین بر علیه بنی عباس قیام کنند، زمین از خونهای (آن مردم قیام کننده) سیراب می‌شود تا اینکه سفیانی قیام کند.

گفتم: مولای من آیا کار او حتمی است؟ فرمود: بله. سپس کمی سر به زمین افکندند و بعد از آن سر بلند کرده و فرمود: حکومت بنی عباس (پراز) مکر و نیرنگ است. به گونه‌ای (از بین) می‌رود که گویی چیزی از آن باقی نمانده است. سپس تجدید (ساختار) نموده، تا جایی که گویی هیچ تغییری نکرده است».^(۱)



از این حدیث شریف چند نکته استخراج می‌شود:

۱ - حکومت بنی عباس تا ظهور سفیانی ادامه دارد.

۲ - نابود کننده آنها سفیانی است.

۳ - مشخصه اصلی بنی عباس، مکر و نیرنگ (و ظلم و ستم متکی به عنصر عربی) است.

۴ - بنی عباس در دو مرحله ظاهر می‌شوند و دوره فاصله میان آنها گسترده خواهد بود (از جمله گویی چیزی از آن باقی نمانده است بدست می‌آید که این دوره یعنی نابودی موقتی بنی عباس، طولانی خواهد بود).

۵ - بازگشت دوباره بنی عباس یعنی حکومت مکر و حيله و نیرنگ و ظلم و ستم بدست اعراب، تداعی کننده دوران ستمگری توأم با ظواهر اسلامی بنی عباس قدیم می‌باشد.

با توجه به حدیث فوق معلوم می‌شود، منظور از حکومت عباسی، حکومتی عربی است که خود را وابسته به اسلام دانسته و با ظاهری فریبکار سعی در ظلم و ستم بر مردم دارد.

از آنجا که در عصر حاضر یک حکومت مقتدر مانند بنی عباس قدیم نمی‌بینیم، در واقع مقصود این نیست که این حکومت یکدست است، بلکه می‌تواند مجموعه‌ای پراکنده از تمام دولتهای عربی باشد که رؤیای اقتدار عباسیان را تداعی می‌کند، یعنی چیزی که اکنون به نام سازمان یا اتحادیه اعراب می‌بینیم، همان امپراطوری عباسیان است، که در درون خویش اختلافات بسیاری دارند. پس نباید انتظار یک حکومت متحد را داشته باشیم بلکه همین حکومت‌های متفرق عربی که از جنگ جهانی اول و پس از تقسیم دولت عثمانی بوجود آمد، تداعی کننده اقتدار عربی بر کشورهای اسلامی است که از زمان انحلال عباسیان توسط هلاکوخان، تا امروز سابقه

نداشته است (زیرا پیش از آن، دولت عثمانی یعنی ترکها بر عربها مسلط بودند). از این جهت است که می‌بینیم در روایات بعدی، حکومت عباسی را هم به عربستان و هم به عراق و هم به دیگر مناطق عربی نسبت می‌دهند. در واقع این روایات، به ما می‌فهمانند که تمامی دولت‌های عربی، حکومت‌های کاملاً مشابه عباسیان خواهند داشت و دچار اختلاف می‌شوند.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«به ناچار برای بنی فلان (عباس) حکومتی خواهد بود، هرگاه به حکومت رسیدند و سپس دچار اختلاف شدند، حکومتشان پراکنده شده و کارشان پریشان می‌شوند تا اینکه خراسانی و سفیانی بر علیه آنها قیام می‌کنند، این از مشرق و آن از مغرب مانند مسابقه اسب دوانی، به سوی کوفه مسابقه می‌دهند. یکی از این جا جا و یکی از آنجا، تا اینکه هلاکت بنی فلان (عباس) به دست آن دو^(۱) (خراسانی و سفیانی) خواهد بود. بدانید آنها هیچ کدام از (بنی عباس) را باقی نخواهند گذاشت.»^(۲)

نکات مهم حدیث:

- ۱ - حکومت مجدد بنی عباس حتمی است (از جمله «به ناچار برای بنی فلان حکومتی خواهد بود» می‌فهمیم).
- ۲ - بازگشت بنی عباس به معنی به حکومت رسیدن آنهاست.
- ۳ - بنی عباس در عراق مستقر خواهد شد (با توجه به حمله سفیانی و

۱ - در آینده پیرامون شخصیت و چگونگی رفتار خراسانی از ایران و سفیانی از شام کاملاً توضیح خواهیم داد.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۵۵.

خراسانی به کوفه)

۴ - نابودی آنها توسط خراسانی و سفیانی است یعنی این دو از دشمنان اصلی آنها خواهند بود.

در واقع برخی را سفیانی در غرب، از بین می‌برد و برخی را خراسانی از شرق، تا به کوفه می‌رساند.

از این حدیث معلوم می‌شود که اختلاف ایرانیان (خراسانی) با اعراب و حاکمیت آنها که به نام عباسی نامگذاری شده است تا قیام خراسانی باقی می‌ماند و سفیانی نیز که از آتش جنگ شام برخواسته و اراده‌گریزها و یهودی‌ها را دنبال می‌کند، دشمن سرسخت اعراب و حاکمیت آنها در عراق و مصر و عربستان خواهد بود، زیرا به همه این کشورها حمله می‌کند.

در واقع عراق و اعراب، دشمن مشترک خراسانی (ایرانی‌ها) و سفیانی (به نمایندگی از غربیها) هستند.

حضرت باقر علیه السلام هنگام شمردن علائم ظهور برای جابر بن یزید جعفی می‌فرماید:

«اولین علامت از علائم ظهور، اختلاف میان بنی عباس است و می‌دانم که با آن ملاقات نخواهی کرد ولی این (مطالب) را از جانب من به آیندگان منتقل کن...»^(۱).

اختلاف میان بنی عباس، نشان دهندهٔ متعدد بودن حکام و پراکندگی مراکز تصمیم‌گیری آنهاست و معلوم می‌شود که تمامی اتحادیه عرب، با وجود داشتن حکام مختلف، بطوری یکدست اما در همین حال متفرق و متزلزل هستند و تفرقهٔ آنها تا جایی ادامه دارد که با یکدیگر درگیر شده و حتی به

بیگانگان و کفار کمک می‌کنند تا یکدیگر را از پا درآورند. چیزی که در حادثه جنگ عراق و کویت در آغاز دهه ۹۰ و نیز اشغال عراق توسط امریکا مشاهده نمودیم و پس از این نیز موارد دیگری را در آینده، مشاهده خواهیم کرد، نشان دهنده عمق اختلاف اعراب با خود و نیز با ایرانیها و غربیها می‌باشد. در واقع حوادث عراق میوه‌ای از حوادث فتنه اولیه در شام می‌باشد، که تاثیر آن در آینده بسیار زیاد است.

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمود:

«چهار فتنه بر شما وارد می‌شود. در فتنه اول، خون‌ها حلال می‌شود و در دومی خون‌ها و اموال مردم حلال می‌شوند و در سومی خون‌ها و اموال و ناموس زنان حلال می‌شود. فتنه چهارم، فتنه‌ای کور و فراگیر و عمیق است که مانند حرکت کشتی در دریا (به آرامی) پیش می‌رود تا جایی که هیچ کس پناهگاهی برای خود نمی‌یابد، از شام پرواز می‌کند و عراق را می‌پوشاند و در جزیره (بین النهرین) فرود می‌آید (آنجا را به اشغال درمی‌آورد)...»^(۱).

با توجه به حدیث فوق معلوم می‌شود که ظهور سفیانی اول در عراق و روی کار آمدن حزب بعث توسط میشل افلق یهودی و سپس اشغال آن، همگی دنباله سناریوی است که از اشغال فلسطین شروع شده و هنوز ما در نیمه راه این سناریو هستیم و حکایت از برنامه‌های وسیع یهودیان در منطقه و جهان دارد.

خروج عوف سلمی (صدام)

همان طور که اشاره کردیم پس از ظهور فتنه بزرگ در شام، و به دنبال آن، حرکت بعدی در عراق ظاهر می‌شود، یعنی ظهور عوف سلمی (صدام حسین).
حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«ای جابر قائم ظهور نمی‌کند تا این که فتنه‌ای عموم مردم شام را در بر بگیرد که می‌خواهند از آن خارج شوند ولی راهی نمی‌یابند، و (پس از آن) کشتاری میان کوفه و حیره واقع می‌شود که کشته‌هایشان (در باطل بودن) یکسان هستند و فریاد کننده‌ای از آسمان فریاد خواهد زد».^(۱)

حدیث بعد، نیز مانند حدیث قبل اشاره به این مطلب دارد که در ادامه فتنه شام، کشتار عراق واقع خواهد شد و کشته‌های دو طرف همگی در راه باطل هستند.

حضرت سجاد علیه السلام فرمود:

«پیش از قیام او (سفیانی) مردی از عراق قیام می‌کند که به او عوف سلمی می‌گویند، محل تولد وی تکریت است و...»^(۲).

پیش از قیام سفیانی، در عراق حوادث خونینی روی می‌دهد که توسط عوف سلمی واقع می‌شود. او اسامی متعددی دارد. شاید تنوع نامگذاری وی، شدت و خشونت و نیز بدلهایی که برای وی تدارک دیده‌اند را منعکس نماید. این شخص همان سفیانی اول^(۳) است.

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۷۹.

۲ - غیبت شیخ طوسی، ص ۴۴۴.

۳ - سفیانی یعنی کسی که منسوب به جد بزرگشان یعنی ابوسفیان است.

امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان حوادث و فتنه‌های پس از خودشان فرمود:
«اولین (فتنه‌ها) سفیانی و آخرین آنها نیز سفیانی است.»

عرض شد این سفیانی و آن سفیانی کیستند؟

فرمود: سفیانی (اول) صاحب هجر (عراق) است و
سفیانی دوم صاحب شام است» (۱).

نکات مهم این حدیث:

۱ - سفیانی دو نفر خواهند بود.

۲ - سفیانی اول از عراق و سفیانی دوم از شام خواهد بود.

۳ - فتنه بزرگ منطقه و از جمله عراق در ابتدا از سفیانی اول است و در
نهایت نیز پایان بخش این فتنه‌ها و حوادث سفیانی دوم خواهد بود.

«جابر جعفی گوید: از حضرت باقر علیه السلام در مورد سفیانی (سفیانی دوم)
پرسیدم فرمود: تو کجا و سفیانی، تا اینکه پیش از او شیصبانی از سرزمین
عراق می‌جوشد (بیرون می‌آید) همان طور که آب می‌جوشد (بیرون می‌آید)
پس نسل شما را می‌کشد بعد از او انتظار سفیانی (دوم) و قیام قائم علیه السلام را
داشته باشید» (۲).

نکات مهم این روایت:

۱ - ظهور سفیانی اصلی (سفیانی دوم) منوط به ظهور شیصبانی است.

۲ - شیصبانی مانند آب از زمین می‌جوشد، که کنایه از بی اصل و نسب
بودن و حرکت سیلاب گونه اوست.

آنان که زندگی صدام حسین را مطالعه کرده‌اند می‌دانند که وی به سرعت

۱ - ملاحم و فتن سید بن طاووس، ص ۱۳۷.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۳۰۲.

مراحل ترقی حزبی را پیموده و مانند سیلاب تمام موانع سر راه خویش را نابود کرده است.

۳ - شیصبانی کشتار وسیعی در نسل عراقی‌ها بعمل می‌آورد.

۴ - ما باید بعد از نابودی او، منتظر ظهور سفیانی باشیم.

۵ - با توجه به حدیث سابق و تطبیق شرایط سفیانی اول و عوف سلمی، با

شیصبانی معلوم می‌شود که به احتمال زیاد، سفیانی اول همان شیصبانی است، بخصوص که محل رشد و وطن او را تکریت دانسته‌اند.

جنگ با ایران

درگیری ایرانیان با اعراب بطور عام و عراق بطور خاص از مسائل مهمی است که در آستانه و پیش از ظهور رخ می‌دهد، عامل این حمله کسی بنام شروسی است. احتمال دارد این شخص همان سفیانی اول یا شیصبانی یا عوف سلمی باشد که با شخصیت عجیب صدام تطابق بسیار پیدا می‌کند و ممکن است کسی غیر از صدام باشد که در آینده نزدیک می‌آید. ولی احتمال اینکه این افراد تمامی یک نفر باشند بسیار است.

«سدير صيرفي مي‌گويد: من نزد حضرت صادق عليه السلام

بودم که یک نفر از اهل کوفه آمده و حضرت به او فرمود:

حج کنید پیش از آنکه بر جانیه (معرّب بریتانیا) مانع از حج

شما شوند... پس وای بر شما ای اهل عراق هنگامی که

پرچم‌ها از جانب خراسان به سوی شما آیند. و وای بر اهل

ری (ایران) از ترکها و وای بر اهل عراق از ری (ایران) و وای

بر آنها سپس وای بر آنها (ایرانی‌ها و عراقی‌ها) از شط

(رودخانه).

سیدیر گفت: عرض کردم ای مولایم شط کیست؟
فرمود: مردمی (در درگیری شط) خواهند بود که گوش
هایشان مانند موش کوچک (تیز و شنوای کلمات لطیف و
سبک) است لباس آنها از آهن و زبانشان مانند زبان شیاطین
است، چشم‌های کوچک، صورت صاف و بی ریش
هستند. به خدا پناه برید از شر آنها، خداوند بوسیله آنها
دین را (بر روی مردم جهان) می‌گشاید و موجب (ظهور)
امر ما می‌شوند». (۱)

از حدیث فوق چند نکته بدست می‌آید:

۱- برخی علماء مانند شیخ عباس قمی در منتهی الامال و میر جهانی
صاحب نوائب الدهور^(۲)، برجانیه را تعبیری دیگر از بریتانیا شمرده‌اند. این
معنا نیز با دیگر احادیث مطابقت دارد.

۲- ایران و عراق به یکدیگر صدمه و ضربه سختی وارد می‌کنند.

۳- عامل درگیری این دو کشور بر سر شط یا رودخانه می‌باشد که این از
معجزات کلمات اهل بیت علیهم‌السلام است.

۴- این جنگ بر روی شط ادامه پیدا می‌کند تا جایی که افرادی با کلماتی
شبه شیطان (ظریف و حساس) و وسایل دقیق، همه چیز را استراق سمع
می‌کنند و صحنه گردان جنگ و اشغالگر عراق خواهند بود.

۵- این گروه و نبردهایشان زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام می‌شود و
این اشاره دیگری است بر اینکه جنگ ایران با عراق و سپس عراق با متفقین

۱- نوائب الدهور، جلد ۳، ص ۶۰

۲- همان، ص ۶۰

زمینه ساز ظهور و نشانه‌ای از ظهور حضرت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«بدانید وای بر بغداد از (مردم) ری (ایران) از مرگ و
کشتار و ترسی که اهل عراق را در بر می‌گیرد، هنگامی که
میان آن دو (عراق و ایران) جنگ درگیرد، پس، آن مقدار که
خدا خواسته کشته خواهند شد...»^(۱)

نکات مهم این حدیث:

- ۱ - تخریب و صدمه دیدن بغداد و عراق در اثر جنگ با ایران
- ۲ - تلفات سنگین میان دو طرف
- ۳ - زیانهای سنگین بیشتری که در این جنگ نصیب عراق خواهد شد و تاکنون نیز تبعات این جنگ (ایران و عراق) را در عراق می‌بینیم.

نبرد صدام با غرب

فساد و تباهی صدام به جایی می‌رسد که نیروهای بیگانه یعنی غربیها نیز به طمع دست یابی بر عراق می‌افتند.

البته همان طور که قبلاً بیان شد این طرحی از پیش نوشته شده است که از نیل تا فرات بطور خاص و تمام خاورمیانه بطور عام در اختیار یهود و حامیان افراطی آنها بیافتد، اما دولت‌های کوچک و فاسد محلی نیز به اجرای این طرح کمک می‌کنند. این دو عامل دست به دست هم می‌دهند و تمامی منطقه به آتش کشیده خواهد شد.

علاوه بر دو دلیل فوق برای تسلط غربیها و حامیان یهود بر منطقه

خاورمیانه، دلیل دیگری نیز وجود دارد که اثر عمیق و غیر قابل انکار خود را نشان می‌دهد و آن، طلای سیاه است.

درخشندگی این طلا آنقدر است که غربیها (امریکا) عراق را پیش از دیگر کشورهای منطقه برای حمله انتخاب کنند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«در این هنگام رودخانه فرات در اثر پیدا شدن کوهی از

طلا، کم آب می‌شود پس مردم (بسیاری) برای (تصاحب)

آن (کوه طلا) کشته می‌شوند و از هر ۱۰۰ نفر، نود و نه نفر

کشته شده و فقط یکی سالم می‌ماند».^(۱)

از این حدیث شریف می‌توان چنین استنباط کرد که این حملات و جنگها

در نهایت منجر به چنین کشتار عظیمی از سپاهیان دو طرف خواهد شد. و نیز

این جنگ اخیر با امریکا مقدمه‌ای برای جنگ‌های بعدی در عراق خواهد بود.

و در واقع حوادث و ناکامی‌های عراق تازه شروع شده و تا زمان ظهور سفیانی

دوم که از شام می‌آید و عراق را اشغال می‌کند، به اوج خود خواهد رسید و به

هیچ وجه اوضاع عراق آرام نخواهد شد.

کشته شدن عوف سلمی (صدام) در دمشق

اشغال عراق توسط غربیها و هجوم کشورهای مختلف از جمله ژاپنیها به

عراق برای بازسازی عراق، موجب می‌شود تا عوف سلمی (صدام) به شام

یعنی سوریه منتقل شود^(۲) و پس از مدتی در کنار مسجد دمشق کشته خواهد

۱ - نوائب الدهور، جلد ۱، ص ۲۵۱.

۲ - اکنون که مشغول تصحیح این اثر هستم، صدام توسط نیروهای امریکایی

دست گیر شده است ولی از آینده‌وی هنوز هیچ اطلاعی در دست نیست.

شد.

حضرت سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«پیش از خروج سفیانی (دوم از شام) مردی از سرزمین عراق خروج خواهد کرد بنام عوف سلمی و جایگاهش تکریت و محل کشته شدنش نیز در مسجد دمشق خواهد بود. سپس بعد از او شعیب بن صالح خروج خواهد کرد»^(۱).

نکات مهم این حدیث:

۱ - عوف سلمی از سرزمین عراق قیام خواهد کرد و محل رشدش، تکریت است.

۲ - در مسجد دمشق یا نزدیک آن، کشته خواهد شد.

۳ - پس از وی با فاصله کوتاهی (احتمالاً چند سال) شعیب بن صالح از ایران و سفیانی اصلی از شام قیام خواهند کرد.

به این ترتیب می‌توان عاقبت صدام را این گونه پیش بینی کرد که مانند پسرهایش کشته خواهد شد و این اتفاق به احتمال زیاد در شام روی می‌دهد.

ظهور اصبه

پس از تسخیر عراق توسط غربیها و ترکها (احتمالاً در آینده نزدیک ترکها شمال عراق را تا حدود رودخانه فرات اشغال خواهند کرد) شخصی بر عراق مسلط می‌شود که نام وی اصبه است، وی اولین شخصی است که در میان صحنه گردانان قیام سفیانی مشارکت خواهد داشت. اکنون که امریکایی‌ها

عراق را اشغال کرده‌اند در اثر مقاومت و ناامنی در عراق متوجه شده‌اند که باید عراق را بدست یک عراقی مقتدر دهند. او کسی نیست جز اصبه‌ب. کسی که در آینده نقش فوق العاده در ظهور سفیانی در شام ایفاء خواهد کرد.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اولین کسی که از میان آنها (گردانندگان پیدایش سفیانی) قیام می‌کند مردی است که به او «اصه‌ب بن قیس» می‌گویند. از سرزمین عراق خروج نموده و ستم و ظلم بسیاری میان مردم (عراق و منطقه) وارد می‌سازد.»^(۱)

کعب بن ابی نیز می‌گوید:

«اولین کسی که قیام کرده و بر سرزمین‌ها پیروز می‌شود اصبه‌ب است که از عراق خروج می‌کند، پس از او جرهمی از شام و قحطانی از سرزمین بلاد خارج می‌شود.»^(۲)

همان طور که اشاره خواهیم نمود، پیش از سفیانی شخصیت‌های خطرناک و خونریزی‌ظاهر می‌شوند که علاوه بر اصبه‌ب، جرهمی و قحطانی نیز به ترتیب از شام و یمن، ظاهر خواهند شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«سه پرچم (گروه) با یکدیگر مبارزه خواهند کرد. پرچمی (گروهی) از جانب غرب (وابسته به غربیها) وای بر مصر و آنچه از سوی آنها (غربیها) بر آن وارد می‌شود، و پرچمی (گروهی) از عراق و پرچمی (گروهی) از شام.

۱ - جهان در آینده، ص ۲۱۱، بنقل از کشف الحق.

۲ - عقد الدرر، ص ۷۹.

جنگ میان آنها تا یکسال ادامه خواهد یافت» (۱).

نام این گروهها و فرماندهان آنها چیست؟ احتمالاً گروهی که از عراق است همان گروه اصبه می‌باشد و دو گروه دیگر نیز در معرفی وضعیت مصر و شام آنها را بررسی خواهیم کرد.

شاید حدیث زیر اشاره به همین برخورد میان اصبه و پرچمی است که از شام قیام می‌کند و به نام «مروانی» معرفی شده است.

ابن ابی یعفر گوید حضرت باقر علیه السلام به من فرمود:

«برای فرزند عباسی و مروانی جنگی در قرقیسیا (۲)

است که جوان قوی نیز پیر می‌شود و خداوند پیروزی را از هر دو گروه برمی‌دارد و به پرندهگان آسمان و درندگان زمین الهام می‌کند که خود را از گوشت جباران سیرکنید، سپس سفیانی خروج می‌کند» (۳).

نکات مهم این حدیث:

- ۱- احتمالاً فرزند عباسی همان اصبه است.
- ۲- جنگ سختی میان وی و نیروهای شام (سوری) در محل قرقیسیاء درمی‌گیرد.
- ۳- هیچ یک از طرفین نبرد، بر حق نبوده و همگی در راه باطل می‌جنگند.
- ۴- هیچ کدام بطور مشخص پیروز نمی‌شوند، بلکه هر دو به سختی شکست و زیان دیده و ضعیف می‌گردند.

۱- عقد الدرر، ص ۱۲۶.

۲- قرقیسیاء، سرزمینی در شمال عراق و سوریه اطراف فرات است (غیبت نعمانی، ص ۲۸۰).

۳- غیبت نعمانی، ص ۳۰۳.

۵- با ضعیف شدن این دو گروه متخصص در منطقه، زمینه برای ظهور و غلبه سفیانی بر آنها، فراهم می‌شود.

«مفضل گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ای سرورم، دارالفاسقین (بغداد) در آن زمان چگونه خواهد بود. فرمود: در لعنت خدا و خشم او. فتنه‌ها آنرا خراب خواهد کرد و آن را ویرانه و می‌گذارد. پس وای و بدبختی تمام بر آن و بر کسانی که در آن قرار دارند، از پرچم‌هایی که از دور و نزدیک به سوی آن جا می‌آید. به خداوند سوگند انواع عذاب بر آن نازل خواهد شد که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوشی آنرا نشنیده است.»^(۱)

نکات مهم این حدیث:

- ۱- عراق تا زمان ظهور سفیانی همواره دچار کشمکش و جنگ است.
- ۲- این جنگ‌های تدریجی، آنرا خراب و ویران می‌سازد.
- ۳- پرچم‌های زرد و غرب، با هم هماهنگ عمل می‌کند.
- ۴- آنها برای دوشیدن عراق یا به تعبیر واضح‌تر چپاول و غارت، عراق را تسخیر می‌کنند.
- ۵- کشورهای مختلف در عراق طمع ورزیده و در آن اعمال قدرت می‌کنند که همین مسئله بر خرابی و ناامنی آن می‌افزاید.
- ۶- جنگ افزارها و نبردهای مهیبی در آنجا اعمال می‌شود.
- ۷- کشورهای مختلف از دور و نزدیک به آنجا هجوم می‌آورند، که امروز می‌بینیم، عراق در اشغال نیروهای دور و نزدیک است. این جنگ بسیار

گسترده و عمیق خواهد بود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«مانند این است که من منبت الشیخ (محلّی بین تکریت و موصل) را همراه با ظاهر اهل حصه (قلعه‌ای میان موصل و فرات) می‌بینم که در آنجا دو واقعه (جنگ) درگرفته و هر دو طرف (هر دو گروه درگیر) زیان می‌بینند، وای بر چین در اثر همبستگی با شریکان (احتمالاً امریکائی‌ها) و وای بر عرب از مخلوط شدن با ترک‌ها و وای بر (عموم) امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، در آن هنگام (بلاهایی نازل می‌شود که) هیچ سرزمینی قدرت تحمل آنرا ندارد و بنو قنطورا (غربیها) در آن هنگام، از رودخانه سیحان (رودی در بصره) عبور کرده و از آب دجله می‌نوشند و هدفشان تصرف بصره و ابله (حومه بصره) است. قسم به خداوند شهر شما (بصره) غرق خواهد شد. مانند این است که من مسجد جامع آنرا می‌بینم، مانند سینه کشتی یا پرنده‌ای نشسته در آب است»^(۱).

از این حدیث شریف چند نکته بدست می‌آید:

- ۱- اشاره به جنگ‌هایی در اطراف موصل و تکریت و بصره می‌کنند.
- ۲- طرفین این جنگ‌ها، اهل عراق و مسلمانان با غربی‌ها می‌باشند.
- ۳- چین به دلیل همراهی با امریکا دچار خسارت شده و احتمالاً از این عمل پشیمان می‌شود و در مقابل امریکا قرار می‌گیرد. همانطور که می‌دانید،

امروز بزرگترین شریک تجاری چین، کشور آمریکا است ولی بزودی رقیب یکدیگر خواهند شد.

۴- اعراب در مقابل ترک‌ها قرار خواهند گرفت.

این جنگ، اسلام را هدف قرار داده و ضعیف می‌کند و دامنه آن نیز به شام کشیده خواهد شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«بزودی فردی شرور از بنی قنطورا (غربی‌ها) بر بغداد تسلط می‌یابد که چه شروری است و کافری از چه نوع کفار می‌باشد! رحمت از دل او بیرون رفته و اهداف (برنامه‌هایشان) آنها را وادار به عکس‌العمل نموده است پس اهل ابله (بصره) را می‌کشند و براکمه مسلط می‌شوند. پسرها را می‌کشند و دخترها را زنده نگه می‌دارند (تا فاسد شوند) و به دنبال افراد خاصی از بنی هاشم می‌گردند تا آنها را مانند گوسفند (دست و پا بسته) اسیرکنند. در اثر فتنه آنها اسلام ضعیف می‌شود و آتش (نبرد) آنها شام را شعله‌ور می‌سازد...»^(۱).

نکات مهم حدیث:

- ۱- عراق توسط افراد بی‌رحمی از غربیها تصرف می‌شود.
- ۲- رحم و شفقت در حق مردم رعایت نخواهند کرد.
- ۳- بدلیل نافرمانی برخی بنی هاشم و سادات، غربی‌ها بدنبال آنان خواهند رفت و آنها را می‌کشند.

۴ - درگیری‌های داخلی در عراق و نیز دشمن اشغال‌گر، دین را ضعیف خواهد کرد.

۵ - دامنه این جنگ به شام کشیده می‌شود و در جهت نابودی دین و تسلط یهود و غرب پیش خواهد رفت.

با توجه به حدیث فوق، غربیها و تسلطشان بر عراق به هیچ وجه به نفع شیعیان و بخصوص بنی هاشم نخواهد بود و ناامنی داخلی ادامه خواهد یافت و عذاب بزرگی بر سر مسلمانان وارد می‌آید.

«حضرت باقر علیه السلام در مورد آیه: بگو آیا به نظر شما اگر عذاب خداوند در هنگام شب یا روز نازل شود، گناهکاران چه چیزی را به شتاب خواهان هستند.»^(۱) فرمود: این عذابی است که در آخر زمان بر گناهکاران اهل قبله (مسلمانان) فرود می‌آید در حالیکه آنها نزول عذاب را بر خود انکار می‌کنند.»^(۲)

نکات مهم حدیث:

۱ - مسلمانان آخرالزمان به دلیل غرور، گمان می‌کنند، دچار خشم الهی و عذاب نمی‌شوند.

۲ - عذاب دردناکی بر عموم مسلمانان نازل می‌شود.

۳ - احتمالاً با توجه به احادیث دیگر، این عذاب، فتنه یهود و اشغال سرزمین‌های عربی توسط غربیها، پیش از ظهور می‌باشد.

۴ - جنگ از شرق به سوی عراق کشیده و بوسیله مسیحیان صورت

۱ - سوره یونس، آیه ۵۰.

۲ - نوائب الدهور، ج ۲، ص ۳۸۶.

می‌گیرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«ای جابر هرگاه ناقوس به صدا درآمد (مسیحیان داعیه تسلط بر جهان داشتند) و گاومیش به سخن درآید (احتمالاً کنایه از امریکائیه‌های گاوچران باشد) در آن هنگام عجائبی خواهد بود و چه عجائبی. هنگامی که آتش در نصیبین (بین موصل و شام) شعله‌ور شد...»^(۱).

و نیز فرمود:

«... و پرچم‌ها از کرانه رودخانه جیحون (شرق ایران و افغانستان و قزاقستان) تا بیابان بابل (بصره) حمله‌ور می‌شوند.»^{(۲)(۳)}.

نکات مهم این دو حدیث:

- ۱ - این جنگ از سوی مسیحیان برافروخته می‌شود، از جمله به صدا درآمدن ناقوس به عنوان مظهر کلیسا می‌فهمیم.
- ۲ - مسیحیان داعیه برتری و سلطه بر جهان را خواهند داشت.
- ۳ - به نظر می‌رسد گاومیش تعبیری از هیئت حاکمه امریکا باشد که در بسیاری از محاورات، آنها را به عنوان گاوچران ویانکی، نامگذاری می‌کنند و کار عمده آنان در گذشته، نگهداری بوفالو یا گاومیش بوده است.
- ۴ - آتش در نصیبین، می‌تواند اشاره به اشغال عراق توسط مسیحیان

۱ - نوائب الدهور، ج ۲، ص ۶

۲ - همان، ج ۲، ص ۱۳.

۳ - همانطور که معلوم است، امریکائیه‌ها در ابتدا منطقه افغانستان را اشغال کردند و

سپس به عراق حمله نمودند.

یعنی امریکای گاوچران یا حوادث بعد از آن باشد که بطرف حمله به سوریه کشیده می‌شود. در هر صورت پس از این مرحله، عجائب بسیاری را در جهان شاهد خواهیم بود.

۵ - آمدن پرچم‌ها از ناحیه جیحون، شاید اشاره به اشغال شرق و آسیای میانه و بخصوص افغانستان باشد که پس از آن، اشغال سرزمین بابل یعنی عراق صورت می‌گیرد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جایی دیگر نیز اشاره به این عجائب پس از جنگ عراق و اشغال این کشور می‌کند. آنجا که می‌فرماید:

«سپس بیابان‌گردی دروغگو و اعرابی ناصبی (دشمن اهل بیت علیهم السلام) حاکم بصره می‌شوند تا در واسط و اطراف آن تا حدود اهواز فرود می‌آیند. ابتدای تخریب عراق در روزگار آنها خواهد بود. بلاء بزرگ، گسترش می‌یابد و قحطی شدیدی رخ خواهد داد و سپس در ادامه آن عجائبی رخ خواهد داد، چه عجائبی» (۱).

نکات مهم این حدیث:

۱ - حاکم عراق که این کشور را طعمه حوادث می‌کند، روستایی است که از میان اعراب ناصبی برمی‌خیزد، و با روایات دیگر که تکریت را محل او دانسته‌اند، مطابق است. صدام از روستای «عوجه» در اطراف تکریت است، در آنجا متولد شده و سپس در تکریت رشد می‌کند و اکثریت مردم آنجا ناصبی و دشمن اهل بیت علیهم السلام هستند.

۲ - در اثر بلاهایی که او بر سر عراق می‌آورد و در انتها حمله به عراق، عجائب بسیاری خواهیم دید که شامل حمله به سوریه و سایر عجائب

می‌باشد.

نقش بریتانیا و غربیها در این حوادث

محور درگیری‌ها در آخرالزمان میان اعراب بطور خاص و مسلمانان بطور عام در برابر غربی‌ها بخصوص کشورهای انگلیسی زبان یعنی انگلوساکسون و سیاست‌های پیر استعمار، انگلیس است. بی جهت نیست امروز می‌بینیم نزدیکترین متحد امریکا در لشکرکشی به افغانستان و عراق و در آینده نزدیک، سوریه، کشور انگلیس و سپس استرالیا و کانادا می‌باشد.

مردی از اهالی کوفه (عراق) نزد حضرت صادق علیه السلام آمد و حضرت به او

فرمود:

«حج کنید پیش از آنکه برجانیه (بریتانیا) مانع از حج

شما شود، پیش از اینکه غربیها از حج منع کنند...»^(۱)

نکات مهم حدیث:

۱ - صاحب نوائب الدهور مرحوم میر جهانی و شیخ عباس قمی، برجانیه در این حدیث را به بریتانیا حمل کرده‌اند با توجه به کلمه غربیها در ادامه حدیث معلوم می‌شود که منظور از برجانیه همان معرب بریتانیا و بلوک غرب است.

۲ - این حادثه پس از اشغال عراق واقع خواهد شد (البته با توجه به احادیث

قبل).

«فرمانده آنها مردی لنگ از کنده (کانادا) است»^(۲)

نکات مهم حدیث:

۱ - نوائب الدهور، ج ۳، ص ۶۰

۲ - ملاحم و الفتن سید بن طاووس، ص ۷۷، باب ۱۶۹ و نوائب الدهور، ج ۳، ص

۱ - صاحب نوائب الدهور آقای میر جهانی «کنده» را معرّب کانادا می‌داند که می‌توان به معنای عام، امریکای شمالی بدانیم.

۲ - پرچم‌هایی از مغرب به سوی سرزمین مسلمانان و اشغال آن، پیش می‌آیند که سر دسته آنها امریکای شمالی یا انگلوساکسون‌ها^(۱) هستند.

۳ - با توجه به کلمه «لنگ» یعنی کسی که نوعی ناتوانی داشته و یک پای او سست است، شاید اشاره به جورج بوش باشد که با ۵۰ درصد آرا و یک پای لنگ از انتخابات، روی کار آمد.

نقش ترکیه در عراق

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«وای بر اعراب از دخالت ترک‌ها».^(۲)

حذیفه می‌گوید:

«هرگاه دیدید پیش قراول ترکها وارد عراق شدند با آنها بجنگید تا فرار کنند یا خداوند شما را از شر آنها کفایت کند، آنها حرم را مفتضح می‌کنند و این علامتی برای قیام اهل غرب و گسترش حکومتشان می‌باشد».^(۳)

احتمالاً ترکیه در آینده نزدیکی شمال عراق را اشغال خواهد کرد، همانطور که نیروهای ائتلاف انگلوساکسون (انگلیس و انگلیس زبانها) جنوب و مرکز و مناطق نفت خیز عراق را اشغال نموده‌اند و تا بروز جنگ سوم نیز از عراق

۱ - به کشورهایی که انگلیسی زبان بوده و در گذشته یا حال در قیمومیت انگلیس بوده یا هستند، انگلوساکسون می‌گویند.

۲ - نوائب الدهور، ج ۱، ص ۴۱۴.

۳ - ملاحم وفتن سید بن طاووس، ص ۴۲ و نوائب الدهور، ج ۳، ص ۳۸۷.

خارج نخواهند شد.

عده‌ای گمان می‌کنند که منظور از ترک‌ها، روس‌ها هستند^(۱) برخی دیگر مانند سید بن طاووس گمان می‌کنند که ترک‌ها همان بنی عباس می‌باشند^(۲). اما با دقت در روایات مربوط به ترک‌ها و دخالتشان در عراق و سپس درگیری آنها با سفیانی و حضرت حجت علیه السلام معلوم می‌شود که آنها همان ترکیه فعلی می‌باشند. کسانی که دخالت مستقیم و غیر مستقیم در کردستان عراق و سوریه داشته‌اند و در آینده نیز ادامه خواهند داد. در آینده نزدیکی منطقه شمال عراق را اشغال خواهند کرد و هر چند با غربیها در پیمان ناتو هم پیمان می‌باشند ولی بزودی در مسئله اشغال عراق دچار اختلاف شده و از این پیمان خارج خواهند شد.^(۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ترک‌ها دو مرتبه خروج (قیام) خواهند کرد یکی از آذربایجان خروج می‌کنند و در مرتبه دوم اسب‌های خود را به آب فرات می‌رسانند و بعد از آن دیگر ترک نخواهد بود...»^(۴).

کعب گوید:

«ترک‌ها درآمد فرود آمده، و از آب دجله و فرات آشامیده و به سوی جزیره (بین النهرین) حرکت می‌کنند، در حالیکه مسلمانان آنجا می‌باشند ولی از

۱ - آقای کورانی در کتاب عصر ظهور، ص ۶۲، ترجمه عباس جلالی.

۲ - ملاحم و فتن سید بن طاووس، ص ۴۱، باب ۵۶.

۳ - غیبت شیخ طوسی، ص ۴۶۳ (عمار یاسر پس از برشمردن علائم آخرالزمان و

اشغال عراق می‌گوید: و ترکها و غربیها با هم دچار اختلاف می‌شوند).

۴ - ملاحم و فتن سید بن طاووس، ص ۴۱، باب ۵۵.

عهده آنها بر نمی‌آیند. سپس خداوند بلایی بر سر آنها می‌افکند که در آن برف، تگرگ و طوفان است و آنها کشته می‌شوند». (۱)

به علاوه ترک‌ها با سپاه سفیانی نیز درگیر می‌شوند. اما نابودی نهایی آنها توسط حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

ارطاة گوید:

«سفیانی با ترک‌ها می‌جنگد سپس استیصال آنها توسط حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد». (۲)

شاید روایات پیشین مبنی بر نابودی ترک و باقی نماندن آنها مربوط به مبارزه حضرت صاحب علیه السلام با آنان باشد. ولی پیش از آن ترک‌ها نقش فزاینده‌ای بخصوص در ماجرای عراق و سوریه خواهند داشت و تأثیرگذاری آنها در عراق و منطقه، آنقدر ادامه می‌یابد تا امام عصر علیه السلام ظهور نماید و اولین سپاه منظمی که آن حضرت برای مبارزه تدارک خواهد دید، جهت مبارزه و نابودی نهایی ترکیه می‌باشد. (۳)

۱ - ملاحم و فتن سید بن طاووس، ص ۴۰، باب ۵۴.

۲ - همان، ص ۴۱، باب ۵۷.

۳ - همان، ص ۷۲، باب ۱۵۷.

فصل سوم:

نقش مصر در تحولات جهانی و منطقه‌ای

حمله به سوریه و لبنان، جهان عرب را فوق العاده متزلزل و وحشت زده خواهد کرد. بخصوص وقتی برخی کشورهای عربی نیز در این یورشها با ائتلاف غرب، هماهنگی و مساعدت داشته باشند. امروز باید کشور عراق را از دست رفته دانست. و گمان اینکه امریکاییها و ائتلاف انگلوساکسون، عراق یا حتی افغانستان را رها سازند، اشتباه محض است، بلکه عراق سکوی پرش به تمام خاورمیانه است. همکاری کشورهایی که هم اکنون نیز بطور گسترده در خدمت اهداف نیروهای مهاجم می‌باشند، از قبیل کویت، قطر، بحرین، امارات و اردن بخصوص کشور کویت، بیشتر شده و در حملات بعدی مشارکت فعالی خواهند داشت. در واقع آن چنان این دولت‌ها ضعیف و ناتوان می‌شوند که برای حفظ قدرت خود، ناچار هستند چشم و گوش بسته مطیع قدرت برتر جهانی شوند و با این کار سرنوشت خویش را در گرو سرنوشت آن قدرت جهانی و نیروهای ائتلاف انگلوساکسون^(۱) قرار می‌دهند.

۱ - همان طور که اشاره شد، از این جهت من اصرار زیاد دارم تا نیروهای ائتلاف را بنام ائتلاف انگلوساکسونی نام گذاری کنم که تمام این سیاستها و حرکت‌های استکباری و زور مدارانه، برخاسته از سیاستهای پیر استعمار یعنی انگلستان و امارش یعنی امریکا که جزئی از این اعمار است، می‌باشد. انگلستان و امارش که انگلیسی زبان هستند را انگلوساکسون می‌نامند. و امروز امریکا که یکی از اعمار انگلیس بوده عضو شاخص و برتر این جبهه شده است و اهداف مشترک آنها را دنبال می‌کند و همگی نیز تحت تأثیر آرمانهای یهودیان و مسیحیان افراطی می‌باشند.

تهدیدات سوریه و لبنان ادامه خواهد یافت و در آینده نزدیک احتمالاً پس از انتخابات آتی (۲۰۰۴) امریکا، حملات جدید بر علیه کشورهای عرب منطقه شروع می‌شود. البته تا آن زمان فضا سازی خواهند کرد. آنگاه به سوریه و لبنان حمله ور می‌شوند و آنها را اشغال می‌کنند که بسیار آسانتر از عراق.

مهمترین کشورهایی که خود را در خطر فوق العاده خواهند دید، مصر و لیبی است و بیشتر از همه مصر.

مصر به تکاپو می‌افتد اما آنجا نیز بزودی اشغال خواهد شد. شاید مهمترین دلیل برای حمله به مصر نیز وجود گروه‌های تندرو و تروریست در آنجا باشد.

در این صورت راجع به عربستان، چگونه فکر می‌کنید. البته همانطور که گفتیم، هدف اصلی نابودی عربستان است، ولی باید پیش از آن، شرایط منطقه‌ای مناسبی ایجاد کنند و مخالفین بالقوه را نابود سازند.

عمار یاسر گوید:

«حکومت اهل بیت پیامبر شما در آخرالزمان است و

برای ظهور آن، نشانه‌هایی است:

هرگاه آن نشانه‌ها را دیدید بر زمین نشسته و خوددار

باشید تا علائم ظهور، آشکار شود (آنگاه با قطعی شدن

ظهور به سوی امام عجل الله فرجه حرکت کنید). هرگاه رومیان

(غربیها) و ترک‌ها بر شما حمله ور شده و سپاهیان آماده

شوند و خلیفه شما که مسئول جمع آوری اموال

(مالیات‌ها) است، فوت نماید. و پس از او مردی (قوی)

جانشینش شده و بعد از چند سال، که از بیعتش

(حکومتش) گذشت برکنار می‌شود. و نابودی حکومتشان از همان جا که شروع شده، خواهد بود و ترک‌ها و غربیها با هم دچار اختلاف می‌شوند. و جنگ‌ها در سطح زمین گسترش می‌یابد و کسی از محدوده (پایگاه مخابراتی و اطلاع‌رسانی) دمشق، صدا می‌زند که وای بر مردم زمین از شری که نزدیک گردیده است و قسمت غربی مسجد دمشق به زمین فرو می‌رود بطوریکه دیوارش خراب می‌شود. سه نفر در شام (سوریه) قیام می‌کنند که همگی بدنبال ریاست هستند، مردی ابقع و مردی اصهب و مردی از خاندان ابوسفیان که با قبیله کلب قیام می‌کند و مردم در دمشق حاضر می‌شوند و مردم مغرب (غربیها) به مصر حمله ور می‌شوند و هنگامیکه وارد مصر شدند، این نشانه‌های حکومت یافتن سفیانی است»^(۱)

از این حدیث شریف چند نکته استفاده می‌شود، (نکاتی که مربوط به بحث ماست یعنی نقش مصر در تحولات آتی).

- ۱ - غربیها و ترک‌ها با هم دچار اختلاف می‌شوند و ظاهراً این اختلاف در اثر اشغال عراق توسط طرفین باشد که در بحث عراق گفته شد.
- ۲ - حمله‌ای گسترده به شام و سوریه خواهد شد.
- ۳ - در اثر این حمله به تدریج جهان با خطر جنگ بزرگ رو به رو می‌شود.
- ۴ - پس از حمله اولیه به شام، مصر نیز زیر فشار حمله قرار می‌گیرد.
- ۵ - پس از اشغال مصر، علائم ظهور سفیانی در شام آشکار می‌شود.

۶- این اشغال و تهاجم پس از جنگ جهانی سوم و در آستانه ظهور سفیانی است.

با توجه به این حدیث می‌توان حدس زد که احتمالاً اشغال مصر به تأخیر افتاده و پس از شام صرفاً نوبت حمله به ایران برسد، در هر صورت در پیش بینی حمله به مصر پیش از جنگ جهانی سوم و بعد از حمله به سوریه، باید با احتیاط صحبت کرد. البته این احتمال وجود دارد که مصر و لیبی داوطلبانه به اشغال غربیها درآید، مانند آنچه در مورد کویت مشاهده می‌شود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«هرگاه اصحاب پرچم‌های زرد وارد مصر شوند یعنی غربیها، پس اهل شام باید برای نجات خود زیرزمین، گودال‌هایی (سنگرهای) حفر کنند» (۱)

کعب گوید:

«نشانه خروج مهدی عَلَيْهِ السَّلَام پرچم‌هایی است که از جانب مغرب می‌آید. فرمانده آنها مردی لنگ از (گنده) کانادا است. هرگاه اهل مغرب بر مصر مسلط شدند پس برای مردم شام در آن روز زیرزمین (پناهگاهها) بهتر است» (۲)

در احادیث فوق ارتباط اشغال مصر و شام بیان شده و از آنجا که از مصر به شام حمله می‌کنند نشان می‌دهد، که این حمله پس از جنگ سوم و در آستانه ظهور سفیانی می‌باشد.

و احتمال دارد که اصولاً، از این جهت نیروهای غربی مجدداً به سوی شام

۱ - نوائب الدهور، ج ۳، ص ۴۱۷.

۲ - عقد الدرر، ص ۸۲ و ملاحم وفتن، ص ۷۷، باب ۱۶۹.

حمله ور می‌شوند تا بتوانند کار مسلمانان را یکسره کنند و نیروهای آنان برای روی کار آوردن سفیانی به شام حمله می‌کنند.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«مانند این است که من پرچم‌هایی سبز و رنگی از مصر

را می‌بینم که پیش می‌روند تا به شامات می‌رسند و به فرزند

صاحب وصیتهای زشت و ناپسند می‌رسند.» (۱)

از آنجا که سفیانی فرزند پلیدی از نسل‌های پلید پدرانش تا ابوسفیان

است، می‌توان روایات ظهور سفیانی و اشغال مصر و نیز نابودی و جنگ‌های

ویرانگر در شام را با یکدیگر مرتبط دانسته و این حدیث را روشنگر دستهای

پلید پشت پرده این تحرکات دانست. آنها (غریبه‌ها) می‌آیند تا سفیانی را که از

عوامل آنها است، پیروز ساخته و سرنوشت مسلمانان و مکه و مدینه را توسط

او یکسره سازند.

احتمالاً ابقع پیش از نیروهای غربی در مصر ظهور کرده و به سوی شام

حرکت می‌کند. ابقع انقلابی مصری است. راجع به ابقع و نبرد او با سفیانی و

اصهب در جای خودش (پس از جنگ سوم) گفتگو خواهیم کرد.

کعب گوید:

«هرگاه نابودی بنی عباس رسید و اصحاب پرچم‌های

سیاه، اسب‌های خود را به زیتون شام رساندند خداوند

اصهب را هلاک کرده و او با تمام خانواده‌اش را به دست

آنان نابود می‌سازد تا این که دیگر اموی باقی نمانده باشد و

بر منبر دمشق نشیند (به حکومت شام رسد) و بربرها

(غربیها) بر پایتخت شام (دمشق) حمله ور شوند. این‌ها
نشانه ظهور مهدی علیه السلام است.» (۱)

با توجه به حدیث فوق (به نقل از کعب) (۲) اصهب توسط سید خراسانی
کشته می‌شود ولی در احادیث دیگر درگیری میان اصهب و سفیانی و شکست
اصهب را می‌بینیم. با توجه به این احادیث می‌توان چنین نتیجه گرفت که
اصهب با خراسانی درگیری دارد و درگیری دیگری نیز با دشمن اصلی خود
یعنی سفیانی، خواهد داشت و از وی شکست خورده و کشته می‌شود.

۱ - ملاحم وفتن سید بن طاووس، ص ۵۶.

۲ - کعب الاحبار مسلمان یهودی الاصل است. ایشان از خواص امیرالمؤمنین علیه السلام
بوده که توسط آن حضرت مسلمان شده‌اند و برای خراب کرده چهره وی او را در تاریخ
بدنام نموده‌اند و احادیث او به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. ملاحم وفتن سید بن
طاووس، ص ۲۹ - این مطلب نظر سید بن طاووس در مورد کعب الاحبار می‌باشد.

فصل چهارم:

موادث ایران پیش از ظهور سفیانی دوم

از بزرگترین فتنه‌هایی که در جهان ظاهر می‌شود، فتنه شام، فتنه شرقی و فتنه غربی است. همانطور که اشاره شد مهمترین و سخت‌ترین آنها فتنه غربی است. اما فتنه شام که ظهور اسرائیل بوده، و فتنه شربی که نابودی شاهنشاهی ایران و جایگزینی آن توسط جمهوری اسلامی ایران است نیز بسیار در خور توجه است. نامگذاری حکومت شاهنشاهی در ایران از ابداعات محمد رضا پهلوی بوده است که نام خود را شاه شاهان یعنی شاهنشاه گذاشت.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«قیامت (ظهور مهدی علیه السلام) برپا نمی‌شود تا اینکه مردی ایرانی بر مردم (ایران) مسلط شود که به او شاهنشاه گویند»^(۱)

از کعب نیز نقل شده که گفت:

«در آینده سه فتنه خواهد بود مانند شبی که گذشت (یعنی حتماً واقع می‌شود) فتنه‌ای در شام سپس فتنه شرقی که در آن هلاکت پادشاهان است سپس بدنبال آن فتنه غربی می‌آید و پرچم‌های زرد رنگ (غربی) را ذکر کرد

و اینکه فتنه غربی همانا کور (نابود کننده) است». (۱)
 این فتنه یا آزمایش بخصوص برای شیعیان تعیین کننده است و در طول تاریخ تشیع حادثه‌ای به این بزرگی و در ضمن آشکار کننده و جدا کننده حق و باطل، میان شیعیان واقع نشده است.

«سلمان فارسی گوید: میعاد شما و ظهور دولت حق،

همان فتنه (آزمایش) شرقی است». (۲)

پیداست که این آزمایش شرقی، تحقق شرایط ظهور را بسیار سریع می‌کند و مربوط به شیعیان می‌باشد که با لفظ وعده گاه شما و ظهور، بیان شده است.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«پادشاهی عجم (ایران) در ماه محرم با خونریزی

واژگون می‌شود تا اینکه پادشاه ایران برای اینکه مردم او را

دستگیر نکنند، فرار می‌کند. سپس در اثر اندوه می‌میرد و

فتنه (آزمایش) ادامه یافته و انقلاب گسترش و ادامه می‌یابد

و مردم (رفته رفته) به ظهور حجت بشارت خواهند

داد». (۳)

این حدیث شریف به صراحت نکات زیر را بیان می‌فرماید:

۱ - رژیم شاهنشاهی در ایران در ماه محرم واژگون می‌شود.

۲ - این انقلاب و واژگونی مقدمه‌ای برای ظهور است.

۳ - شاه به دلیل ترس از دستگیری فرار نموده و در تبعید از غصه می‌میرد.

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۶۲.

۲ - بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۸۷.

۳ - جهان در آینده، ص ۱۱۷، به نقل از بیان الائمه، ج ۱، ص ۲۲۲.

۴ - مدتی انقلاب و آزمایش و مشکلات ناشی از انقلاب ادامه می‌یابد.

۵ - در نهایت مردم به ظهور حضرت حجت به یکدیگر بشارت می‌دهند، که کنایه از ادامه مشکلات مردم ایران تا زمان ظهور و شادمانی آنان در اثر شنیدن بشارت ظهور و خلاصی از درد و رنج می‌باشد.

انقلاب ایران در ضمن آنکه بزرگترین حادثه تاریخ شیعه است، کوبنده نیز می‌باشد، شیعیان راستین را از دروغین جدا ساخته و همچنان جدا می‌سازد. از این جهت نقش تسریع کننده در وقوع ظهور را ایفاء می‌کند. تا جایی که برخی روایات، ظهور حضرت حجت علیه السلام را حتی از مشرق دانسته‌اند و این نشان دهنده ارتباط قطعی میان وقوع انقلاب و حوادث ایران و ظهور حضرت حجت علیه السلام است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«مهدی گندمگون با موی مجعد است که بر گونه

راستش نحالی است. ابتداء ظهورش از مشرق است.» (۱)

البته با توجه به احادیث ظهور و علائم آن شکی نیست که ظهور رسمی امام علیه السلام از مکه و بیت الحرام است ولی در این جا حضرت امیر علیه السلام می‌خواهد به ما بفهماند حرکاتی در مشرق (ایران) واقع می‌شود که موجب ظهور رسمی می‌گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«هرگاه شنیدید مردمی از جانب شرق می‌آیند که

باهوش و زیرک بوده و ظاهرشان مردم را به تعجب

می‌اندازد، در این هنگام به واقع ظهور نزدیک شده

است» (۱).

همان‌طور که اشاره شد، سقوط شاهنشاهی در ایران و ظهور دولت جمهوری اسلامی ایران از مهمترین علائم می‌باشد. و پس از این حادثه یعنی انقلاب اسلامی ایران بود که حوادث و علائم ظهور شتاب بیشتری به خود گرفت و در حال حاضر ما را در آستانه ظهور حضرتش قرار داده است. از آنجا که امتحانات و اختلافات شدیدی میان شیعیان پس از این انقلاب، بروز می‌کند و عده‌ای گمراه و منحرف شده و گروهی هدایت یافته، گروهی گروه دیگر را دشنام داده و یا حتی کافر می‌شمزند، بنابراین در اثر چنین امتحانات سختی، روایات متعدد، این حادثه را بنام فتنه یا آزمایش بزرگ میان شیعیان نامگذاری کرده‌اند تا به وسیله آن شیعیان راستین از شیعیان دروغین و فاسد آشکار شود.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«این امر (حکومت مهدی علیه السلام) واقع نمی‌شود مگر هنگامی که هیچ صنفی از مردم باقی نمانده باشند جز اینکه به حکومت برسند تا کسی نگوید، اگر ما به حکومت می‌رسیدیم نیز به عدالت رفتار می‌کردیم سپس حضرت قائم علیه السلام به حق و عدل قیام خواهد کرد» (۲).

با توجه به حدیث فوق تا قبل از قیام مهدی علیه السلام تمام گروه‌ها به حکومت می‌رسند و همگی یا به ادعا یا با تلاش، سعی در ایجاد حکومت عدل و حق دارند. در طول تاریخ اسلام هیچ یک از علماء شیعه نتوانسته بود به چنین

۱ - نوائب الدهور، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۷۴.

حکومتی دست یابد. در واقع تمام صنوف مردم از عالم تا جاهل همگی قدرت تصاحب حکومت را داشته‌اند جز علماء شیعه که در عصر حاضر به برکت انقلاب اسلامی ایران این مسئله تحقق یافت. پس یکی از آخرین علائم ظهور نیز بوقوع پیوست که در پی آن علائم پی در پی دیگری خواهد رسید.

«راوی گوید به محمد بن حنیفه گفتم: این امر (تشکیل حکومت عدل) طولانی شده است (این وضع) تا کی ادامه دارد؟ وی سرش را تکان داد سپس گفت: این حکومت کجا در حالیکه دوران فشار نیاورده؟ این حکومت کجاست در حالیکه برادران به یکدیگر جفا نکرده‌اند؟ این حکومت کجاست در حالیکه سلطان هنوز ظلم نکرده و این حکومت کجاست در حالیکه هنوز زندیق (بی دین) از قزوین خروج نکرده تا حجاب آنها پاره کرده و سینه‌های (مردمش) را به کفر نکشانده و محدوده آن را تغییر نداده و آبادانی آن را از بین نبرده است؟ هر کس از دست او فرار کند به چنگ می‌آورد و هر کس با او بجنگد او را می‌کشد و هر کس از او کناره بگیرد، فقیر شود و هر کس تابع او شود، کافر می‌گردد، تا اینکه مردم به دو دسته گریان تبدیل می‌شوند، دسته‌ای برای دینشان (که از دست رفته) گریه کرده و دسته دیگر برای دنیایشان (که از دست می‌رود و نابود می‌شود)، می‌گریند».^(۱)

برخی نویسندگان علائم ظهور این شخص را که از قزوین یا حوالی آن قیام می‌کند و این بلایا را بر سر مردم می‌آورد بر رضاشاه پهلوی تطبیق می‌کنند، زیرا جنایات بسیاری بر سر دین و دنیای مردم آورد، ولی توجه به حدیث بعدی روشن می‌کند که این حدیث ارتباطی با رضاخان ندارد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«مردی از قزوین قیام می‌کند که نامش همانم یکی از پیامبران بوده و مردم به سرعت به پیروی از او می‌شتابند، خواه مشرک یا مؤمن و کوهها را از ترس و وحشت، پُر می‌کند.» (۱)

این دو حدیث شریف چند نکته مهم را برای ما روشن می‌کند:

- ۱ - شخصی از قزوین یا حوالی آن (در قدیم این منطقه یعنی از کوههای همدان تا اصفهان و ری و قزوین را بنامهای مختلف از قبیل بلاد جیل، ری، قزوین و... می‌نامیدند) قیام خواهد کرد.
- ۲ - مردم داوطلبانه و با اشتیاق و به سرعت به اطاعت او در می‌آیند. پیداست در این مورد اجباری نبوده بلکه مردم با اشتیاق و اختیار خود در خدمت او قرار می‌گیرند.
- ۳ - مشرک و مؤمن پیرو او می‌شوند. از این عبارت معلوم می‌شود که وی هم مورد قبول مؤمنین بوده و هم مورد قبول بی‌دینها. یعنی از یک جهت وجهه مذهبی داشته و از یک جهت نیز با بی‌دینها هم آواز می‌شود. از این عبارت مطلب دیگری کسب می‌شود که این فرد نمی‌تواند انسان شریف و صالحی باشد زیرا مشرکین نیز به او علاقمند هستند و از او اطاعت می‌کنند، پیداست برای مشرکین نیز، شخصیت و افکار قابل قبولی داشته است.
- ۴ - رفتار و سیرت این شخص، وحشت عجیبی در میان اطرافیان وی و مردم ایجاد می‌کند بطوریکه هیچ کس جرأت مخالفت با وی را ندارد.
- ۵ - این شخص نمی‌تواند رضاخان باشد زیرا رضاخان برای بی‌دینها و کفار شخص مطلوبی بود و به ظاهر برای دنیای مردم خدمات بسیاری انجام

داد. اما در برابر دیندارها ایستاد و دین را ضعیف ساخت. در بی دین بودن رضاخان شکی نیست ولی این شخص نمی‌تواند مورد نظر این دو روایت باشد بلکه او شخصیتی است که در باطن (شخصیت مورد نظر در این دو روایت) بی دین و ظالم است ولی در ظاهر دیندار. به همین جهت نه دیندارها توان مقابله با او را دارند به دلیل ظلم و ستم و دنیاطلبی که دارد، و نه بی دینها موافق اعمال او هستند به دلیل ظاهر دینداری که دارد. و در نتیجه مومن و مشرک از ترس، تابع او می‌شود ولی هر دو دسته به حال خویش گریه می‌کنند و گریه آنان نیز نشان از ناتوانی در ابراز مخالفت دارد. یعنی نه دیندارها توان اعتراض به بی دینی او دارند و نه بی دینها توان اعتراض به ظلم و ستم وی دارند ولی هر دو دسته تسلیم وی می‌شوند، اما رضاخان مورد تأیید بی دینها بود و ظاهر دینی نداشت تا مومنین نیز با میل و اشتیاق به خدمت او درآیند.

حذیفه می‌گوید:

«مردی از مشرق قیام می‌کند و دعوت به آل محمد ﷺ (و اهل بیت علیهم السلام) می‌کند در حالی که دورترین مردم از اهل بیت علیهم السلام است علامتهای سیاه (برای خویش) قرار می‌دهد. ابتدای کار وی، پیروزی است و در انتهای کار او، کفر است. افرادی پست (فرومایه) از عرب و ایرانی و بندگان فراری از وی پیروی می‌کنند. (او و پیروانش) در سرزمینها پیشرفت می‌کنند صورتشان سیاه (از بد رفتاری) و دینشان شرک و اکثریت آنها حيله گر هستند. (راوی گوید) گفتم: حيله گر چیست؟ (حذیفه) گفت: یعنی شخص تودار (کسی که بسیار مخفی کاری می‌کند). سپس حذیفه به ابن عمر گفت: ای ابا عبد الرحمن تو این حادثه را درک نخواهی

کرد ولی پس از من به مردم حدیث کن، از فتنه‌ای که بنام براندازنده، نامگذاری شده، بطوریکه دین (افراد) را برمی‌اندازد و در آن اعراب آشکار و ایرانی‌های نیک‌کردار و اصحاب کفر و بی‌دین و (حتی) فقهاء (علماء دین شناس) نابود (و گمراه و فریب خورده) می‌شوند پس از مدتی بسیار اندک، فرج و ظهور فرا می‌رسد»^(۱).

این حدیث را با احادیث قبل مقایسه کنید، ببینید چه نتیجه‌ای می‌گیرید، ما در این جا نکات مهم موجود در این حدیث شریف که از حذیفه، صحابی بزرگ پیامبر اکرم ﷺ و یار گرامی امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است را مطرح می‌کنیم:

۱- این مرد از مشرق (ایران، با توجه به روایات قبل) قیام می‌کند.

۲- او هدفش (به ظاهر) دعوت به پیروی از اسلام و پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام است.

۳- در واقع چنین شخصی هر چند قیامش بنام اهل بیت علیهم السلام است ولی در عمل بزرگترین مخالفت با اهل بیت علیهم السلام و احادیث آنان را دارد. از جمله

۱- ملاحم و فتن سید بن طاووس، ص ۳۶ و نوائب الدهور، ج ۳، ص ۳۸۴. با توجه به اهمیت این حدیث متن عربی آن را نیز می‌آوریم:

عن ابی الزاهرية عن حذيفة بن اليمان قال: يخرج رجل من قبل المشرق يدعوا الى آل محمد ﷺ و هو ابعث الناس منهم. ينصب علامات سوداء اولها نصر و آخرها كفر يتبعه خشالة العرب و سفلة الموالي و العبيد الأباقي، رقوا من الآفاق سيماهم السود و دينهم الشرك و اكثرهم الخدع قلت و ما الخدع؟ قال القلق ثم قال حذيفة لابن عمر ليست تدركه يا ابا عبد الرحمن فقال عبدالله و احدث به من بعدى: فتنه تدعى الحالقة تحلق الدين يهلك فيها صريح العرب و صالح الموالي و اصحاب الكفر و الفقهاء و تنجلي عن اقل من القليل.

«دورترین مردم»، معلوم می‌شود حتی از غیر شیعیان و اهل سنت و مخالفین اهل بیت علیهم‌السلام نیز نسبت به اهل بیت دورتر بوده و خیانت و انحراف ایجاد می‌کند.

۴- علامت‌های سیاه در زمان وی رواج می‌یابد، و نشانه‌های سیاه می‌تواند در لباس، پرچم یا شعار خویش یا مجموعه آنها مطرح شود. در آینده نشان خواهیم داد (انشاء الله) که پیش از ظهور دو پرچم سیاه خواهد بود. اولی منحرف و کافر است و دومی پرچم سید خراسانی است که متصل به ظهور حضرت علیه‌السلام می‌شود.

۵- به ظاهر در کارهای وی پیشرفت حاصل می‌شود و در حکومت نمودن و رسیدن به اهدافش موفق است ولی در پایان، یعنی در باطن، کارش به کفر و انحراف از دین می‌انجامد. (البته بدون اینکه در ظاهر معلوم باشد).

۶- طرفداران وی از نژادها و گروه‌های مختلف، ولی در فرومایگی و پستی و دنیاطلبی، مشترک هستند. وجه مشترک همگی طرفداران و یاوران وی، حيله‌گری و پنهان کاری و ظاهر سازی است.

۷- اکثریت مردم خواه فقیه و عالم دین و یا افراد فاسد توسط وی گمراه می‌شوند. این بخش از حدیث را مقایسه کنید با احادیث قبلی که در آن مؤمن و کافر زیر سلطه وی قرار می‌گیرند و مردم دو دسته می‌شوند و عده‌ای بر دین و عده‌ای بر دنیای خود گریه می‌کنند. با مقایسه این فرازها معلوم می‌شود این شخص در حدیث فوق همان زندیق همانام یکی از پیامبران است که مردم در اثر ظاهر سازی او دچار بحران در دین و دنیا می‌شوند و کمتر کسی می‌تواند فریب ظاهر دیندار و آگاه به دین و پیروی اهل بیت وی را نخورد، و حقیقت شناسان نیز نمی‌توانند چیزی بگویند، در نتیجه دین و دنیای مردم تباه می‌گردد، چنین کسی به هیچ وجه نمی‌تواند رضاخان با ظاهر بی دین باشد.

۸- این حدیث مخصوص شیعیان ایران است، بدلیل اینکه در مشرق و به ظاهر برای اهل بیت علیهم‌السلام قیام می‌کنند و برخی ایرانی‌هایی که از نژاد پست و فرومایه هستند از وی پیروی می‌کنند.

۹- این حادثه وحشتناک و گمراه‌کننده که بسیاری از علماء دین را نیز گمراه می‌کند متصل به ظهور است و اندکی قبل از ظهور واقع می‌شود. وقتی این حدیث را با دو حدیث زیر مقایسه می‌کنیم مطالب بیشتری آشکار می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود:

«هرگاه دیدید پرچم‌های سیاه (از ایران) ظاهر شد به زمین چسبیده و دست و پایتان را حرکت ندهید (هیچ کاری نکنید خواه همکاری یا مخالفت)، سپس مردمی آشکار می‌شوند که ارزشی ندارند. قلب‌هایشان (در بی رحمی) مانند پاره آهن است، دنبال حکومت و ریاست بوده، به هیچ عهد و پیمانی وفادار نمی‌باشند. (ظاهراً) به حق دعوت می‌کنند ولی (در واقع) از اهل حق نیستند، اسم‌های آنها بصورت کنیه (اسم مستعار) است و نسبت‌هایشان دروغین است. موهای سرشان مانند زنان افتاده تا جایی که میان یکدیگر (برای حکومت) دچار اختلاف می‌شوند. سپس خداوند حق را به آنکه خواهد می‌دهد. (کنایه از نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام و سپردن حق به ایشان است)» (۱)

نکات مهم این روایت عبارتند از:

۱ - مورد مهمی که این روایت بصورت بارز مطرح کرده است پرچم یا نشانه سیاه این گروه است، که بارها در احادیث خروج پرچم‌های سیاه در آخرالزمان از ایران و مشرق آمده است و حکایت از خروج و قیام پرچم سیاه از ایران می‌کند.

۲ - شیعیان در هنگام ظهور و قیام پیروان این پرچم سیاه، با ادعاهایی که در حدیث قبل مطرح شد، باید همکاری یا مخالفت آشکار نکرده و آرام گیرند. (هیچ دخالتی انجام ندهند).

۳ - وظیفه عدم دخالت، حکایت از موقعیت آنان است که اگر مخالفت کنند، نابود شده و اگر موافقت کنند نیز دین آنها از بین می‌رود، پس بهترین گزینه «هیچگونه دخالت» است.

۴ - پس از حرکت این پرچم و موفقیت آنها، عده‌ای دنباله‌رو آن پرچم و شخص پیشرو و قیام کننده آن می‌شوند که کاملاً بی ارزش هستند و در خونریزی و بی رحمی، همچون آهن سرد و بدون انعطاف می‌باشند.

۵ - بی ارزشی این پس ماندگان آن حرکت شوم، نشانه این است که هر چند حرکت اولیه این پرچم سیاه به ظاهر دیندار بوده ولی همین ظاهر نیز سپس توسط پیروانش رعایت نمی‌شود و کاملاً بی ارزشی و پلید بودنش، برای همگان آشکار می‌شود.

۶ - این افراد فرومایه فقط دنبال حکومت کردن و ریاست‌طلبی هستند و طبیعی است که هیچ عهد و پیمان و قول و قراری را محترم نشمرده و با فریب به حکومت رسیده و سپس، تمام قول و قرارها را زیر پا می‌گذارند.

۷ - خود را پیرو حق و دعوت کننده به حق جلوه می‌دهند، اما در ظاهر هم اهل حق نیستند و رعایت ظاهر نیز نمی‌کنند.

۸- اسم‌های آنها به کنیه و غیر واقعی و نسبت‌های دروغین است.
 ۹- خداوند حق را بزودی به حضرت صاحب علیه السلام، منتقل خواهد کرد که اشاره به نزدیک بودن ظهور حضرت علیه السلام است.

این گروه خطرناک که هم دین مردم را تباه و منحرف می‌کنند و هم دنیایشان را نابود می‌سازند، گروهی تبه‌کار هستند که متأسفانه در ایران ظاهر می‌شوند و بسیار قوی، زورگو و ظاهر ساز و فریبکار می‌باشند و فتنه بزرگی برای شیعیان ساده‌دل ایجاد می‌کنند.^(۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«اختلاف دو گروه از عجم (ایرانیان) در (تفسیر) لفظ عدالت موجب کشتار هزاران هزار می‌شود که پیرمردی از مازندران با آنها مخالفت می‌ورزد که به دار کشیده شده و کشته می‌شود».^(۲)

برخی نویسندگان این حدیث را بر نهضت مشروطیت و کشته شدن شیخ فضل الله نوری منطبق می‌کنند البته ممکن است این گونه باشد ولی به عقیده حقیر، این حدیث مانند احادیث قبل بوده و در جریان تسلط آن گروه خطرناک واقع می‌شود که فرماندهی همنام با یکی از انبیاء دارند و بسیار خطرناک هستند، و حتی رحم به پیرمردان نیز نمی‌کنند.

عمیره بنت نمیل گوید شنیدم حسن بن علی علیه السلام می‌فرمایند:

«این امر (حکومت عدل) که منتظرش هستید واقع نخواهد شد تا اینکه (شما شیعیان) از یکدیگر بیزاری

۱- انشاء الله بزودی کتابی پیرامون فتنه‌های عصر ظهور نگاشته و در آنجا انواع فتنه‌ها برای شیعیان و راه خلاصی از آنها را متذکر خواهیم شد.

۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۱.

جسته و به صورت یکدیگر، آب دهن اندازید و تا اینکه هر کدام دیگری را لعن نماید و تا اینکه هر کدام دیگری را دروغگو بنامید»^(۱).

انسان گمان می‌کند این فجایع بسیار دردناک است، البته در ابتدا اینطور بنظر می‌رسد، ولی وقتی بدانیم پایان راه باطل هستیم و بزودی کدام سرنوشت در انتظار همگان است، همین اختلاف را نشانه نجات خواهیم شمرد.

مالک بن ضمیره گوید: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا مالک بن ضمیره چگونه هستی هنگامی که شیعه این چنین با هم درگیر شوند و (حضرت) انگشتانش را در هم گره زده و در هم فرو کرد، من گفتم: ای امیرالمؤمنین علیه السلام در آن زمان دیگر هیچ خیری نیست؟ حضرت فرمود: همه خیر در همان زمان است. ای مالک، در این هنگام است که قائم ما قیام نموده و هفتاد نفر از بزرگان را که به خدا و پیامبرش دروغ (و تهمت) نسبت داده‌اند می‌کشد سپس خداوند همگی را بر امر واحد (اطاعت امام مهدی علیه السلام) جمع (و متحد) می‌سازد»^(۲).

نکات مهم در روایت فوق:

۱ - شیعه دچار اختلاف می‌شود.

۲ - طبیعی است چون موضوع شیعه در میان است این اختلاف، ناشی از

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۴.

۲ - همان، ص ۱۱۵.

اختلاف در دنیا نباشد زیرا این اختلاف اختصاص به اختلاف میان شیعه یا دیگران ندارد، بلکه همه مردم دنیا و حکومت‌های دنیوی دچار اختلاف بوده و هستند، اما این اختلاف، اختصاص به شیعه دارد و به جهت شیعه بودنشان، انکار تشیع دیگران می‌کنند. به عبارت دیگر شیعیان در اعتقادات مخصوص خودشان، دچار اختلاف می‌شوند یعنی برخی می‌گویند شیعه این گونه است (تابع روایات باید باشد)، برخی می‌گویند شیعه آن گونه است (مثلاً تابع یک نظریه یا فکر یا شخص خاصی باشد).

۳- این اختلاف بسیار شدید می‌شود، و مقابل یکدیگر قرار گرفتن انگشتان حضرت اشاره به درگیری رو در روی شیعیان در مسأله اعتقاداتشان است.

۴- توجه به حدیث قبل «شیعیان همدیگر را کافر می‌دانند»، نشان می‌دهد که اختلاف عقیدتی شیعه ناشی از برداشت در دین بوده و بخصوص میان علماء شیعه این اختلاف واقع می‌شود (چون بنیانگذاران افکار شیعه، علماء آنها می‌باشند) آنگاه تمام شیعیان رو در روی هم قرار می‌گیرند.

۵- این اختلاف موجب می‌شود تا شیعیان خالص ظاهر شده و در ضمن، ظهور حضرتش نزدیک باشد و همین مطلب خیر بودن عاقبت این اختلاف می‌باشد.

۶- این اختلاف تا پس از ظهور حضرت نیز کشیده می‌شود و شیعیان نسبت به اثبات و معرفی حضرت، به دنبال پیروی از اختلاف علماء در این مورد، دچار اختلاف می‌شوند.

۷- حضرت هفتاد نفر از سردمداران این اختلافات را گردن می‌زند آنگاه با از بین رفتن عوامل و سردمداران این اختلاف فکری، شیعیان نیز متحد می‌گردند.

۸- با توجه به فقره پایانی حدیث معلوم می‌شود که شیعیان ذاتاً اهل اختلاف نبوده‌اند، بلکه این سردمداران فکری و دینی بوده‌اند که به دروغ چیزی را از قول خدا و پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام به شیعیان می‌گفته‌اند و آنان نیز از ساده دلی باور کرده و در نتیجه دچار اختلاف می‌شوند ولی با از بین رفتن آنان، شیعیان نیز از دام این راهزنان فکری و عوامل گمراهی نجات می‌یابند. البته در این میان علماء خالص و معتقد و پایبند به احادیث و اهل بیت علیهم السلام نیز در راهنمایی و آشکار نمودن حق برای شیعیان کوتاهی می‌کنند به هر میزان که به سوی ظهور پیش رویم این اختلافات میان علماء و پریشانیهای فکری شیعیان بیشتر می‌گردد.

معاویه بن وهب گوید حضرت صادق علیها السلام از من پرسیدند:

«آیا زوراء را می‌شناسی؟ گفتم: فدایت شوم می‌گویند که بغداد است. امام علیها السلام فرمود: خیر. سپس فرمود: آیا وارد شهر ری شده‌ای؟ گفتم: آری. فرمود: به بازار چارواداران رفته‌ای؟ گفتم: آری. فرمود: کوه سیاه را در سمت راست راه اصلی دیده‌ای؟ آنجا زوراء است.» (۱)

حضرت صادق علیها السلام فرمود:

«اهل شهری بنام زوراء که در آخرالزمان ایجاد می‌شود با (ریختن) خون ما طلب شفاعت می‌کنند و با کینه توزی (مخالفت) با ما می‌خواهند به ما نزدیک شوند. با دشمنان ما دوستی می‌کنند و می‌پندارند مبارزه (و مخالفت) با احادیث) ما واجب و الزامی است. ای فرزندانم از آنها

بپرهیز. باز هم بپرهیز» (۱).

از دو حدیث فوق نکات مهم زیر حاصل می‌شود:

- ۱- هر چند زوراء در احادیث حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام به معنای بغداد است ولی در احادیث مربوط به حضرت صادق علیه السلام زوراء به معنای تهران (۲) است.
 - ۲- مردم این شهر به ظاهر معتقد به اهل بیت علیهم السلام و دوستی آنها هستند.
 - ۳- اما متأسفانه نمی‌دانند از چه طریقی می‌بایست به اهل بیت علیهم السلام نزدیک شد، در نتیجه با ریختن خون اهل بیت علیهم السلام (شاید تعبیری از کشتن دوستان اهل بیت علیهم السلام باشد) سعی دارند به اهل بیت نزدیک شوند.
 - ۴- روش دیگر آنها که بر خلاف اهل بیت علیهم السلام است، مخالفت و کینه توزی با آنان می‌باشد که شاید به صورت نادیده گرفتن احادیث آنان و ضعیف شمردن این احادیث در مرحله عمل باشد که نتیجه آن خشم و اندوه اهل بیت علیهم السلام از آنان را در پی خواهد داشت.
 - ۵- آنها در ادامه رفتار غلطشان با دشمنان اهل بیت علیهم السلام و مخالفین آنها اظهار دوستی و مساعدت می‌کنند.
 - ۶- باید از این افراد پرهیز و دوری کرد.
- با توجه به روایات قبل و این دو حدیث معلوم می‌شود که روش غلط آن پرچم سیاه و نتایج آن چگونه خواهد بود.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱- مستدرک سفینه البحار ج ۴ ص ۳۶۸، اثر شیخ علی نمازی.

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۴۶. زوراء را به معنی ری و در جامع البیان طبری ۱۵۴،

ص ۱۷ بنقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زوراء را به معنی بغداد آورده‌اند و همینطور امیرالمؤمنین علیه السلام در مختصر بصائر الدرجات ص ۱۹۹، زوراء را به معنی بغداد دانسته‌اند.

«وای بر امتم از شورای کبری و شورای صغری. در مورد آنها سؤال شد فرمود: اما شورای کبری در شهرم (مدینه) بعد از مرگم برپا می‌شود، برای غصب خلافت برادرم و غصب حق دخترم و شورای صغری در غیبت کبری در زوراء برپا می‌شود، برای تغییر^(۱) سنتم و تبدیل نمودن احکام من»^(۲).

حضرت صاحب الامر علیه السلام نیز از این فتنه و بلای بزرگ که بزرگترین آزمایش برای شیعه می‌باشد، نام می‌برد و برای محفوظ ماندن از شر آن، دستورالعمل مناسبی ارائه می‌فرمایند.

آن حضرت در ضمن توقیعی که بنام شیخ مفید صادر نموده‌اند می‌فرماید: «بترسید از خداوند جل جلاله و ما را یاری کنید بر (علیه) پیدایش فتنه‌ای که بر سر شما به دراز خواهد کشید و هر کس اجلش رسیده در آن هلاک گشته (گمراه می‌شود) و هر کس به آرزوی (صحیح) خویش می‌رسد. و این فتنه نشانه‌ای است برای آغاز حرکت (ظهور) ما و آشکار نمودن امر و نهی ما. و خداوند تمام کننده نورش است هر چند مشرکان اکراه داشته باشند. از آتشی که جاهلیت آن را بر می‌افروزد به تقیه چنگ زنید، این آتش را تعصبات اموی (ضد اهل بیتی) بوجود می‌آورد تا پیروان فرقه مهدویت

۱ - البته ممکن است، منظور، مطلق حکومت شورایی باشد که در کشورهای اسلامی رفته رفته گسترش یافته‌اند و با احکام شوراهای انتخاباتی، احکام الهی تغییر می‌یابد.

۲ - جهان در آینده ص ۱۰۶ به نقل از مناقب العتره.

(پیروان مهدی علیه السلام) را بترسانند، من ضامن نجات کسی هستم که چشم داشتی به جایگاهها (مقامات) نداشته و در این راه، روش مورد پسند (ما را) بیماید». (۱)

نکات مهم در این توقیع شریف:

- ۱- اثر این فتنه بر خلاف خواست و روش اهل بیت علیهم السلام است.
 - ۲- این حادثه موجب هلاکت و آزمایش بسیاری از شیعیان می‌شود.
 - ۳- عده‌ای اندک نیز از این آزمایش سالم می‌مانند و در ایمانشان مستحکم‌تر می‌گردند.
 - ۴- این فتنه به شکلی، اموی یا تحت تأثیر مخفیانه آنان یا با همراهی و دوستی با آنان، در شام، واقع می‌شود و طرفدار آنها خواهد بود.
 - ۵- هدف آنها منحرف کردن اعتقاد به مهدویت و گمراه ساختن آنان می‌باشد.
 - ۶- هر کس به تقیه و مخفی کاری و کتمان اعتقاد حق خویش چنگ زند، حضرت تضمین نموده که او را حفاظت خواهد کرد.
 - ۷- این فتنه برای آغاز حرکت حضرت علیه السلام، ضروری و الزامی است و همان طور که قبلاً گفتم شیعیان خالص را از ناخالص‌ها جدا می‌سازد. فقط باید شیعیان، اطاعت اوامر اهل بیت علیهم السلام را نموده و خود را درگیر ماجرا نکرده و بر علیه آن یا به نفع آن حرکت نکنند.
- با این وجود حرکت دیگری در ایران پیش از ظهور واقع می‌شود که بر خلاف این حرکت انحرافی و ظاهر فریب، با ارزش بوده و مورد تمجید قرار گرفته است. و آن حرکت سید خراسانی و شعیب بن صالح است.

در آینده پیرامون شخصیت و حرکت سید خراسانی و فرمانده سپاهش، شعیب بن صالح بیشتر توضیح خواهد آمد، لیکن اکنون به شکل مختصر می‌توان گفت که حرکت آنها هر چند پس از آن حرکت انحرافی است ولی عکس العمل نهایی در برابر آن است تا جلوی انحراف را بیش از پیش بگیرد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«مردی پیش از مهدی از اهل بیتش از مشرق خروج می‌کند. هشت ماه پی در پی شمشیر را بر شانه‌اش می‌گذارد، می‌کشد، پاره می‌کند و به سوی بیت المقدس حرکت می‌کند ولی به آن نرسیده و می‌میرد».^(۱)

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«مردی از اهالی قم، مردم را به حق دعوت می‌کند. گروهی همچون پاره آهن دور او جمع می‌شوند، تند بادهای آنها را متزلزل نکرده و از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند و بر خداوند توکل می‌نمایند و عاقبت (جهان) متعلق به پرهیزکاران است».^(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«بزودی این دین (اسلام) تأیید خواهد شد و خداوند این دین را به مردمی که ارزش و بهره‌ای (از دین) ندارند تأیید (تقویت) می‌کند».^(۳)

آنچه که در این جا باید یادآوری کنم و هیچ یک از نویسندگان علائم ظهور

۱ - عقد الدرر، ص ۱۷۲.

۲ - نوائب الدهور، ج ۳، ص ۳۰۵.

۳ - همان، ج ۱، ص ۱۵۷.

را ندیده‌ام به آن توجه کنند مسأله توجه به دو یا چند نوع پرچم سیاه^(۱) از شرق (ایران) است، اولی انحرافی و دومی بر حق می‌باشد.

«حضرت باقر علیه السلام فرمود از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد پیرامون آیه «... احزاب میان خود اختلاف ورزیدند» امام علیه السلام فرمود: منتظر رهایی (ظهور) باشید با سه علامت: گفته شد یا امیرالمؤمنین آنها کدام هستند؟ فرمود: اختلاف اهل شام در میان خود و پرچم‌های (دقت کنید پرچم نیست بلکه چندین پرچم است) سیاه از خراسان و وحشت (عمومی) در ماه رمضان...»^(۲) از این که پرچم‌های سیاه متعدد آمده، برخی مانند خراسانی بر حق بوده و برخی دیگر مانند آنچه اشاره شد منحرف می‌باشند. بنابراین در واقع نبرد اولیه سید خراسانی با پرچم یا علامت سیاه اقدامی علیه علامت‌ها ثو پرچم‌های سیاه قبلی است.^(۳)

به این دلیل است که در برخی روایات، پرچم‌های سیاه را مدح کرده و برخی آنها بسیار مذمت نموده‌اند.^(۴)

۱ - نوائب الدهور، ج ۳، ص ۳۸۴ و مباحث مطرح شده در حوادث ایران همین کتاب.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۵۱.

۳ - شرح کامل حرکت خراسانی و فعالیت او بر علیه مناطقی از ایران از جمله قم، ناشی از برخورد پرچم سیاه خراسانی با پرچم‌های سیاه قبلی که در ایران واقع می‌گردد، در آینده خواهد آمد. البته به دلیل اینکه ظهور خراسانی پس از حمله غربیها به ایران و در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام است بررسی کامل تر آن در جلد ۲ کتاب علائم ظهور خواهد آمد.

۴ - رجوع کنید به بخش ابتدائی حوادث ایران در همین کتاب و ملاحم و فتن سید بن طاووس، ص ۳۵ و ص ۳۶.

تهدیدات غربیها نسبت به ایران

مطالبی که تاکنون ارائه کردیم پیش از حمله غربی‌ها به ایران بود. همان طور که در مورد سوریه و مصر اشاره شد، حمله به آنها پتانسیل حالت جنگی را در منطقه بالا می‌برد.

هنگامی که تصمیم بگیرند به ایران حمله کنند در واقع شمارش معکوس جنگ جهانی سوم، آغاز می‌گردد و آنگاه است که تمامی قدرتهای مستقل و نیمه مستقل در جهان متوجه می‌شوند که باید جلوی پیشروی و سلطه‌جویی غرب، بخصوص انگلوساکسون‌ها (کشورهای انگلیسی زبان) و بالاخص آمریکا را گرفت. در این هنگام جنگ از ایران تغییر مسیر داده و به سوی کشورهای شرق و غرب، کشیده می‌شود و آنها را درگیر جنگ دهشتناک خواهد کرد.

زمان دقیقی برای این حادثه یعنی جنگ سوم نمی‌توان تعیین کرد ولی به نظر می‌رسد تا دو سال دیگر یعنی پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و انتخاب احتمالی مجدد جورج واکر بوش، به سوریه و لبنان حمله شود. آنجا را اشغال کنند سپس به مصر و احتمالاً اردن و لیبی حمله کنند و آنگاه نوبت به ایران می‌رسد. احتمالاً، اواخر دوران دوم ریاست جمهوری بوش یعنی حدود ۳ تا ۵ سال دیگر به ایران حمله ور می‌شوند^(۱) و میان ۵ تا ۷ سال دیگر، تمامی قدرتهای اتمی جهان در اثر درگیری وحشتناک میان خود، نابود خواهند شد. با نابودی قدرتهای بزرگ خلاء قدرت در مناطق درگیر جهان بوجود می‌آید و آنگاه نوبت به جنگ‌های منطقه‌ای فرا می‌رسد.

۱ - من امیدوارم این پیش بینی درست نباشد و حمله‌ای به ایران نشود ولی، گمان نمی‌کنم امریکاییها به این سادگی دست از ایران بشویند.

در واقع جنگ چهارم جنگ‌های منطقه‌ای است که میان دولت‌های متخاصم در مناطق حساس جهان روی می‌دهد، از جمله در خاورمیانه میان اعراب از یک طرف و اسرائیل از طرف دیگر، جنگ سختی درمی‌گیرد که در نهایت نابودی طرفین و رهایی فلسطین را به دنبال خواهد داشت. پس از جنگ چهارم و جنگ منطقه‌ای است که سفیانی با برنامه ریزی یهودیان و مسیحیان افراطی، ظهور خواهد کرد. (۱) و (۲)

آنچه که در این جا مهم است بدانیم، کیفیت حمله به ایران و گسترش جنگ به جهان می‌باشد.

جنگ مشرق زمین و راه نجات از آن

تا اینجا به طرح مسئله و مشکل پرداختیم. از آنجا که ما در ایران هستیم و هر حادثه‌ای در اینجا تأثیر مستقیم بر زندگی ما و از همه مهمتر بر دین ما، خواهد گذاشت، لازم دیدم اشاره‌ای کوتاه به راه‌هایی از این فتنه‌ها و پیشگیری از وقوع یا گسترش آن داشته باشیم.

۱ - البته آرزوی قلبی من اینست که بشریت به سر عقل آمده و دست از درگیری اتمی بردارد ولی شواهد واقعی چیز دیگری می‌گویند و روایاتی که ما در دست داریم نیز آنرا تأیید می‌کند. و جالب اینکه یهودیان و مسیحیان نیز با اتکا به تفاسیر تورات و انجیل همین کشتار عظیم و اتمی را پیش بینی و حتمی می‌دانند. مراجعه کنید به کتاب جنگ جهانی سوم و ظهور مسیح اثر اینجانب.

۲ - سالهایی که ذکر شد حدسی است ولی وقوع این اتفاقات از نظر حقیر اجتناب‌ناپذیر است مگر آنکه خداوند مشیتش چیزی دیگر باشد.

کدام حادثه در انتظار ماست؟

حوادث آینده برای ایران را می‌توان به ترتیب، این‌گونه برشمرد:

۱ - افزایش فشار بر ایران تا سر حد حمله نظامی و در نهایت (به احتمال زیاد)، این حمله واقع خواهد شد (مگر خواست خداوند چیز دیگر باشد، ولی شواهد و روایات این مطلب را نشان می‌دهد).

۲ - ایجاد تفرقه و تشنج بیشتر، ناشی از حملات غربی‌ها در کشور.

۳ - ظهور تدریجی خراسانی که با مخالفت اولیه رو به رو می‌شود.

۴ - حمله سفیانی به ایران با هدف نابودی نهایی ایران.

همان‌طور که اشاره کردیم فشارهای خارجی بر ایران افزایش می‌یابد و بدلیل حمله به سوریه و لبنان و گسترش ناامنی در منطقه، شرایط بحرانی بر خاورمیانه حاکم می‌شود. در این شرایط برای یکسره کردن مسئله ایران، امکان دارد که حمله‌ای پیشگیرانه یا تنبیه‌کننده به ایران نمایند.

ولی مسئله به این حمله تمام نمی‌شود، بلکه با ارتباطاتی که ایران تا آن موقع برای خویش ایجاد می‌کند، کشورهای متعددی از قبیل روسیه و چین و حتی تعدادی از کشورهای اروپایی، ممکن است در دفاع از ایران یا حداقل پیشگیری از سلطه‌طلبی بیشتر امریکائیان، با آنان درگیر شوند که این مطلب، جنگ سوم را به ارمغان خواهد آورد. به عبارت دیگر ممکن است به ایران حمله کنند ولی این حمله نابودکننده حکومت ایران نخواهد بود، بلکه شعله‌های آتش این جنگ، ممکن است دامن کشورهای غربی و شرقی را گرفته و تمام جهان متمدن را در جنگ فرو خواهد برد.

این حادثه از انتخابات بعدی امریکا و انتخاب احتمالی (که احتمال آن نیز بسیار قوی است) جورج بوش خواهد بود، یعنی حدود ۲ تا ۵ سال آینده حادثه مهم دوم در ایران، مشکلات پس از این حمله و دیگر آثار حملات اتمی و

جنگ جهانی سوم است. در پی این حوادث، به علت وابستگی شدید ایران به مواد غذایی و کالاهای اساسی وارداتی، مشکلات جدی در تأمین آنها پیش آمده و تشنجهای داخلی را دامن می‌زند و شرایط برای ظهور خراسانی بیشتر فراهم می‌گردد.

خراسانی در شرایط ناآرام و متشنج و ناامن ایران، ظاهر خواهد شد، و او کسی است که ایران را یکپارچه و متحد ساخته و مخالفین را سرکوب و شرایط را برای مقابله یکپارچه با سپاه سفیانی فراهم می‌کند.

غربیها به هیچ وجه در ایران، نیرو پیاده نمی‌کنند ولی می‌توانند خساراتی خطرناک به برخی نقاط حساس در ایران وارد سازند. همزمان با تشنجات موجود در ایران که منتهی به ظهور خراسانی می‌شود، سفیانی نیز در شام و برای پیشبرد اهداف ناتمام غربیها و اسرائیل، بر خاکستر جنگ چهارم که پس از جنگ سوم ظاهر می‌شود، ظهور می‌کند.

تنفر سفیانی از ایران نشان دهنده ادامه حکومت اسلامی ایران تا ظهور سفیانی، ادامه غرب ستیزی این کشور و نیز ادامه سیستم حکومتی امروز (ولایت فقیه) می‌باشد، و نتیجه حمله سفیانی به ایران این است که جنگ سوم برای ایران ویرانگر، نخواهد بود.^(۱) همان طور که پیش بینی کرده‌ایم، جنگ سوم برای ایران جنگی آزار دهنده و مقطعی و محدود است و به هیچ وجه سیستم حکومتی ایران را نابود یا تغییر نمی‌دهد. از این جهت است که هنگام ظهور سفیانی، نابودی نهایی ایران را در دستور کار وی (سفیانی) قرار خواهند داد.

۱ - زیرا اگر ایران در اثر جنگ سوم، سقوط کند، هیچگاه سفیانی به نمایندگی از غربیها به قصد نابودی ایران حمله نمی‌کرد.

راههای پیشگیری از این جنگ

آیا می‌توان از وقوع چنین تهاجمی به ایران جلوگیری کرد؟ پاسخ به این سؤال کمی مشکل است، اما می‌توان تحت شرایطی وقوع جنگ را منتفی نموده یا حداقل به تأخیر انداخت. این شرایط را می‌توان بطور خلاصه این گونه برشمرد:

۱ - ایجاد اختلاف در مواضع غربیها نسبت به مسائل ایران، تا به این وسیله اختلاف نظر میان غربیها، مانع جدی در تصمیم‌گیری جهت حمله به ایران شود.

۲ - تقویت ارتباط با قدرتهای اتمی جهان که مخالف سیاستهای امریکا هستند، مانند چین و روسیه. حتی می‌توان با این کشورها یک اتحادیه دفاعی بوجود آورد.

۳ - بالا بردن قدرت دفاعی کشور بخصوص یافتن توان دفاع هسته‌ای تا به این وسیله هزینه حمله به ایران برای امریکا و متحدین غربی بالا رود.^(۱)

راههای کاهش خسارت

چنانچه تمامی تمهیدات جهت پیشگیری از جنگ کارساز واقع نشود،

۱ - حمله نظامی به ایران برای هر کشوری حتی امریکا بسیار پر هزینه است زیرا: اولاً: ایرانی‌ها در طول تاریخ نشان داده‌اند که در برابر تهاجم خارجی فوق العاده پایداری می‌کنند.

ثانیاً: کشور ایران، بسیار وسیع است تا حدی که کمتر قدرت خارجی می‌تواند کشوری با وسعت ایران را براحتی اشغال یا تحت کنترل کامل خود درآورد.

ثالثاً: کوهستانی بودن ایران و تنوع جغرافیایی، عرصه را بر مهاجمین سخت می‌سازد، بخصوص دسترسی به پایتخت، کار بسیار دشواری خواهد بود.

آنگاه نوبت به مرحله کاهش خسارات ناشی از حمله نظامی می‌رسد. این راهها را می‌توان به این گونه معرفی کرد:

۱ - پاسخ سریع و سنگین در برابر کوچکترین تهاجم، تا هزینه ادامه حمله را بالا ببرد.

۲ - استفاده حداکثر از تنوع جغرافیایی و گردنه‌های کوهستانی در بالا بردن تلفات دشمن و کاهش آستانه تحمل آنها.

۳ - اتحاد و انسجام اجتماعی و بخصوص سیاسی و اتخاذ مواضع یکپارچه در برابر آنها.

۴ - بالا بردن تولید مواد غذایی تا حد خودکفایی.

علاوه بر راههای فوق، در روایات، پناه بردن به قم و حوالی آن، یکی دیگر از راههای نجات و دوری از خسارت جنگی شمرده‌اند.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هرگاه فتنه‌ها تمام شهرها را فراگرفت بر شما باد (رفتن)

به شهر قم و حوالی و نواحی اطراف آن، زیرا بلاء از آنجا دفع شده است.» (۱)

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هرگاه بلاء و سختی به شما رسید، بر شما باد (رفتن) به

شهر قم، زیرا آنجا پناهگاه فاطمین (سادات) و استراحت گاه مؤمنین است و بزودی زمانی می‌رسد که دوستان و علاقمندان ما از کنار ما فاصله می‌گیرند و از ما دور می‌شوند و این کار به مصلحت آنها می‌باشد تا به ولایت ما

معروف نشوند و به این ترتیب جان و اموالشان محفوظ
 بماند و هیچ کس نسبت به قم و اهلیش تصمیم بدی
 نمی‌گیرد جز اینکه خداوند، او را ذلیل کرده و از رحمتش
 دور می‌سازد». (۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«(هنگام حوادث بر شما باد به) ... کوفه و اطرافش و قم
 و نواحی اش. سپس فرمود: در قم شیعیان و دوستان ما
 خواهند بود و ساختمان در آن افزایش یافته و مردم به آنجا
 می‌روند و در آن شهر جمع می‌شوند تا اینکه رودخانه در
 وسط شهر قرار می‌گیرد». (۲)

همانطور که اکنون، مشاهده می‌شود، تقریباً رودخانه شهر قم، در وسط
 شهر قرار گرفته است. در حوادث آتی، قم و اطراف آن، محل پناه مردم ایران،
 بخصوص پناه مردم تهران می‌باشد. و در حوادث آینده اعم از زلزله احتمالی یا
 حملات نظامی، مردم تهران به قم پناه خواهند برد.

۱ - نوائب الدهور، ج ۳، ص ۲۸.

۲ - همان، ج ۳، ص ۱۹.

فصل پنجم:

جنگ بزرگ

وقوع جنگ سوم

همان طور که اشاره کردیم و پس از این نیز خواهیم آورد، مقدمات این جنگ از ایران و شرق شروع می‌شود ولی ادامه آن به سمت عراق و شام و مصر کشیده می‌گردد و وقتی به مصر رسید، انفجار بزرگی شام را در برمی‌گیرد و از طرفی دیگر نیروهای غربی از درون دچار تلاشی و ناتوانی می‌شوند و در نهایت، سفیانی از شام خروج می‌کند.

اما جهت بررسی این جنگ طولانی و بزرگ که به تعبیری می‌توان آن را، جنگ جهانی سوم دانست، می‌توان روایات بسیاری را مشاهده کرد که در این جا به برخی از این روایات که واضح‌تر و گویاتر، موضوع را بیان نموده‌اند، اشاره می‌کنیم. این جنگی عمومی است (و آتشین که احتمالاً اتمی است) و تمام جهان را در برمی‌گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«در آینده آتشی به سوی شما می‌آید که امروز خاموش است. (این آتش) در سرزمینی که به آن برهوت می‌گویند (گسترش می‌یابد تا) همه مردم را در بر می‌گیرد، در آن عذاب دردناکی است، انسانها و اموال مردم را می‌بلعد، بدور تمام دنیا در عرض هشت روز می‌گردد و مانند حرکت باد و ابر پرواز می‌کند، حرارتش در شب بیشتر از حرارتش

در روز است و غرش آن میان آسمان و زمین مانند غرش
 رعد توفنده است، به سرهای انسانها، نزدیکتر از عرش
 (آسمان) است. حذیفه گفت: یا رسول الله آیا مؤمنین و
 مؤمنات از (شر) این جنگ در امان هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 فرمود: در آن روزگار، مؤمنین و مؤمنات کجا هستند. و
 مردمان در آن موقع بدتر از درازگوشان می‌باشند، (برای
 دفع شهوت) بر هم می‌جهند، همانند چهارپایان و در آنجا
 کسی نیست که به کسی بگوید دست نگهدار. (۱)

نکات مهم در روایت:

- ۱- این جنگ، عمومی است بطوری که تمام جهان را از شرق تا غرب
 تحت تأثیر قرار می‌دهد.
 - ۲- این جنگ، همراه با آتش و انفجار است.
 - ۳- منشاء این آتش و انفجار و گسترش آن، هوایی است. یعنی از طریق
 آسمان، مناطق مختلف را تخریب کرده و به آتش می‌کشاند، که اشاره به
 حملات موشکی و هوایی است.
 - ۴- این آتش زدن هوایی همراه با غرش شبیه به رعد و برق است.
 - ۵- بالای سر انسانها، آتش خود را می‌ریزد.
- از این حدیث معلوم می‌شود که این جنگ چقدر به جنگ‌های هوایی و
 بمبارانها و موشک بارانها و در نهایت بمباران اتمی شبیه است و تمام جهان را
 از شدت و تشعشعات خویش متأثر می‌سازد.
- امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«بدانید وای بر مردم دنیا از فتنه‌هایی که در آن زمان بر آنها و بر تمامی شهرها از شرق تا غرب و جنوب و شمال وارد می‌شود، بدانید که مردم با یکدیگر، دچار جنگ‌های همیشگی می‌شوند و این حوادث به جهت رفتار خودشان است و خداوند به بندگان ظلم نمی‌کند.»^(۱)

کاملاً واضح است که حدیث فوق گستردگی و عمق فاجعه جنگ جهانی را گوشزد می‌نماید.

این جنگی است که تعداد بسیاری از مردم جهان را نابود ساخته و زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بیش از پیش فراهم می‌سازد.

این جنگ هر چند از خاورمیانه، بخصوص پس از حمله به ایران شروع می‌شود ولی بدون اینکه به ایران خسارت چندانی وارد آید و یا حکومت جمهوری اسلامی در ایران، دستخوش دگرگونی شود، به سوی قدرتهای بزرگ جهانی کشانده شده و ابرقدرتها را در کام خود فرو می‌برد. شاید یک جنگ گسترده اتمی، بیش از چند هفته بطول نیانجامد ولی مطمئناً خسارات انسانی و اقتصادی آن مهلک خواهد بود. و ابر اتمی که در اثر انفجارات موشک‌های اتمی بوجود می‌آید مدت‌ها مناطق مختلف درگیری را آلوده و غیر قابل دسترسی و استفاده می‌گرداند. در اثر این جنگ بزرگ که میان روسیه و احتمالاً چین و برخی کشورهای دیگر، از یک طرف و امریکا و انگلیس و برخی کشورهای اروپایی از طرف دیگر، روی خواهد داد، تمامی قدرت اتمی و اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی این کشورها نابود می‌شود.

آثار و نقش جنگ جهانی سوم در ظهور

آثار جنگ بزرگ جهانی آن چنان عمیق و گسترده است که تنها می‌توان به پاره‌ای از آنها اشاره نمود، بخصوص به مواردی که در حرکت ظهور، تأثیر بیشتری می‌گذارند. این آثار را می‌توان این چنین برشمرد:

۱ - تضعیف قدرتهای بزرگ جهانی. در اثر این جنگ بسیاری از قدرتهای جهانی که می‌توانند خطری بالقوه در برابر حرکت حضرت مهدی علیه السلام باشند تضعیف یا نابود می‌شوند. هر چند ما می‌دانیم که امام عصر علیه السلام با نیروی معجزه الهی می‌توانند براحتی هر قدرتی را از پا درآورند ولی از آنجا که حرکت امام عصر علیه السلام با ابزار معمولی و جنگ و جهاد در میدان نبرد، گسترش می‌یابد، طبیعی است که قدرتهای بزرگ، در ابتدا می‌توانند مانعی بر سر راه تکامل حرکت ایشان باشند. شاید به همین خاطر است که آن حضرت پس از فتح خاورمیانه با غربیها به صلح و مصالحه می‌پردازند و آنگاه که از آنها نقض عهد و پیمان شکنی دیدند با آنها جنگ می‌کنند^(۱).

۲ - ظهور یأس و ناامیدی گسترده در جهان. با وقوع جنگی گسترده و دهشتناک، عموم مردم جهان در ترس و ناامیدی عمیقی فرو می‌روند. در روایات نیز به گستردگی این ناامیدی اشاره شده است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«این امر (ظهور) هنگامی خواهد بود که مردم در مأیوس‌ترین حالت نسبت به آن و شدیدترین اندوه هستند، در این هنگام نداکننده‌ای از آسمان به اسم قائم علیه السلام و اسم

۱ - بررسی بیشتر این موضوع در جلد ۲ می‌آید.

پدرشان، ندا می‌دهد...» (۱)

عموم مردم دنیا دیگر امیدی به نجات بشریت نخواهند داشت و گمان می‌کنند که جهان به پایان خود رسیده است و هیچ روزنه‌ی امیدی برای نجات از گرفتاری و هرج و مرج و جنگ و خونریزی نخواهند یافت.

در این هنگام است که انسانها از نظر روحی آمادگی شنیدن پیام حق توسط آن حضرت علیه السلام را خواهند داشت و از کمک ایشان بهره لازم را خواهند برد و ارزش و قدر آنها نیز خواهند فهمید. تا جایی که حتی شیعیان نیز با وجود شناخت از آن حضرت علیه السلام دچار ترس و وحشت و ناامیدی می‌شوند مگر عده‌ی خاصی از شیعیان که یاوران و منتظران واقعی و آگاهانه آن حضرت علیه السلام هستند. (۲)

۳- یکی از آثار مهم جنگ بزرگ جهانی این است که قدرت‌های بزرگ به دلیل درگیر شدن با یکدیگر، نیروهای خود را از تمامی نقاط جهان فرا خوانده و داخل مرزهای خود متمرکز می‌کنند. در نتیجه خاورمیانه که محل تجمع نیروهای بیگانه بخصوص امریکایی‌ها است از این نیروها تهی می‌شود. بنابراین کشورهای منطقه خاورمیانه که وابستگی شدید به امریکا داشته‌اند دچار کشمکش درونی و سیاسی از یکطرف و از طرفی دیگر مبارزه با اسرائیل که پشتیبانی امریکا را از دست داده است، می‌شوند. همه این حوادث ناشی از خلاء قدرت در منطقه است.

۴- جنگ چهارم در منطقه خاورمیانه که در اثر خلاء قدرت ایجاد می‌شود از آثار مهم جنگ بزرگ سوم خواهد بود. در جنگ چهارم که میان اسرائیل و

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۸۱.

۲- همان، ص ۱۸۰.

اعراب رخ خواهد داد، اعراب به کمک ایران به اسرائیل حمله‌ور می‌شوند و اسرائیل را با نبردی خونین، تصرف می‌کنند. طبیعی است که اسرائیل نیز بیکار نبوده بلکه متقابلاً از طریق موشک‌های اتمی که هم اکنون نیز در زیر دریایی‌های تازه خریداری شده از آلمان، نگهداری می‌کند به کشورهای منطقه، بخصوص سوریه حمله ور می‌شود. نتیجه این جنگ انبوهی از خرابی و ویرانی در خاورمیانه و تضعیف قدرتهای محلی و بخصوص تخریب سوریه خواهد بود.

۵ - آمادگی شرایط برای ظهور سفیانی. با تخریب منطقه خاورمیانه بخصوص سوریه و مصر، نبردهای داخلی میان گروههای مختلف سیاسی در این کشورها رخ خواهد داد که نتیجه آن ظهور و غلبه سفیانی بر دیگر رقبای سیاسی می‌باشد.

۶ - کشتار وسیع واقع خواهد شد تا جایی که در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام، میزان کشتار یک حمله به شام را یکصد هزار نفر بیان می‌کنند که البته احتمال دارد این میزان تلفات مربوط به جنگ بعدی یعنی با اسرائیل باشد که پس از آن، سفیانی قیام خواهد کرد.^(۱)

فصل ششم:

حوادث شاه تا ظهور سفیانی

حوادث و مشکلاتی که در اثر خونریزی و ظلم و ستم سفیانی اول در عراق واقع می‌گردد، موجب می‌شود تا ترک‌ها و غربی‌ها، عراق را اشغال نمایند. پس از اشغال عراق، دامنه اشغال و مبارزه با کشورهای مسلمان به سمت شام گسترش می‌یابد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«بزودی کافری از بنی قنطورا (نیروهای وابسته به غرب) بغداد (عراق) را به همراه اشرار و کفاری، اشغال می‌کنند که چه اشرار و کفاری می‌باشند، رحمت (شفقت) از قلبشان گرفته شده و آرزوهایشان آنها را وادار به پیگیری هدفشان نموده است، مردم اُبله (اطراف بصره) را کشته و بر نیزارها (عراق) مسلط می‌شوند (احتمالاً حضرت مسیر نفوذ و تسلط آنها از بصره به سمت نیزارها و از آنجا بسوی بغداد را نشان می‌دهند)، جوانان را کشته و زنان را رها می‌کنند و بدنبال افراد خاصی از بنی هاشم می‌گردند تا آنها را مانند چهارپایان مطیع خویش گردانند.^(۱) و فتنه آنها (غربی‌ها و

۱ - شاید اشاره به استفاده از سادات در مطیع کردن مردم عراق و همراهی آنها با خودشان باشد. در این صورت غربی‌ها از سادات استفاده کرده و حکومت‌های دست‌نشانده خودی را توجیه و تحکیم می‌نمایند یا سادات مخالف خویش را سرکوب می‌کنند.

اشغال عراق)، اسلام (مسلمانان) را ضعیف می‌سازد و در اثر آتش آن، شام نیز به آتش کشیده شود. (۱)

پس وای بر حلب از نابودی، و وای از خرابی آن پس از آبادی‌اش، و به زودی تشنگان، روزهایی (نشان از طولانی شدن ماجرا است) از خون آنها سیراب می‌شوند و اسیرانشان برده خواهند شد (نشان از جابه‌جایی اسیرانشان به نقاط دوردست است) و یاور و کمکی برای آنها پیدا نمی‌کنند و بزودی پادگانهای (دژهای) شام نابود شده و آفت‌های (بسیاری) شهرهای آنها را فرا خواهد گرفت. (۲)

با توجه به حدیث فوق می‌توان نکات زیر را استخراج نمود:

- ۱- کفار، بغداد را اشغال خواهند کرد.
- ۲- آنان، کفاری بی رحم و خونریز هستند.
- ۳- از آنجا که از بصره یعنی جنوب می‌آیند تا نیزارهای بالای بصره و بغداد پیشروی می‌کنند و عاقبت بغداد را تصرف می‌نمایند و حضرت مسیر حمله و استیلاء نیروهای غربی و مهاجم را نشان می‌دهد.
- ۴- برای همراه کردن مردم با خودشان، تعدادی سادات را به چنگ می‌آورند و از آنها سوء استفاده می‌کنند.
- ۵- مسلمانان در اثر هجوم آنان به عراق، دچار تفرقه شده و تضعیف می‌شوند.

۶- آتش جنگ آنها، دامن شام (سوریه و لبنان) را نیز می‌گیرد.

۱- به صراحت حضرت تأکید می‌فرمایند که اشغال عراق موجب آتش گرفتن شام و اطراف آن از جمله لبنان می‌شود.

۲- نوائب الدهور، ج ۱، ص ۴۱۹.

- ۷- بخصوص حلب و اطرافش نابود می‌شود.
 - ۸- مدتی طولانی آنها در آنجا باقی می‌مانند.
 - ۹- دژها و پادگانهای شام را تصرف و تخریب می‌کنند.
 - ۱۰- تمام شام را بتصرف درمی‌آورند.
- به این ترتیب، کاملاً آشکار است که مسیر حوادث از تصرف عراق بسوی حمله و تصرف سوریه و لبنان به پیش می‌رود.

ارتباط حوادث عراق با ظهور سفیانی

حضرت سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«پیش از خروج سفیانی مردی که به او عوف سلمی گفته می‌شود در سرزمین عراق خروج می‌کند (تسلط می‌یابد) جایگاه او تکریت بوده و محل مرگش (کشته شدنش) در مسجد دمشق است. سپس شعیب بن صالح از سمرقند خروج می‌کند و پس از او سفیانی ملعون از سرزمین یابس (بیابان خشک) خروج می‌نماید و او از فرزندان عتبه بن ابی سفیان است. وقتی سفیانی آشکار (مسلط) شد مهدی ۷ مخفی می‌شود و پس از آن قیام می‌کند» (۱).

نکات مهم این حدیث:

- ۱- حضرت پیش از سفیانی حضور فیزیکی دارند. اما پس از قیام سفیانی و به حکومت رسیدن او، حضرت مخفی می‌گردد.
- ۲- پس از قتل عوف سلمی (احتمالاً صدام)، شعیب بن صالح و پس از او

سفیانی قیام خواهد کرد.

در این حدیث، همچنین برخی حوادث، بطور منقطع بیان شده که در احادیث دیگر، شرح آنها رفته است. مثلاً در این حدیث مشخص نمی‌شود که: اولاً: چرا و چگونه عوف سلمی (احتمالاً صدام) به شام می‌رود و در دمشق کشته می‌شود.

ثانیاً: میان کشته شدن عوف سلمی و ظهور شعیب بن صالح چه حادثی رخ می‌دهد.

ثالثاً پس از ظهور شعیب بن صالح تا سفیانی کدام حوادث در شام، واقع می‌شود تا منجر به ظهور سفیانی می‌گردد.

در حدیث زیر همچنین ارتباط فقر و هلاکت میان عراق و شام را متذکر شده‌اند:

جابر جعفی گوید: از حضرت باقر علیه السلام درباره آیه شریفه: «ما شما را به مقداری از ترس و گرسنگی...» پرسیدم امام علیه السلام فرمود:

«ای جابر این (حوادث مبتنی بر گرسنگی و ترس) عام و خاص است. اما (گرسنگی و ترس) خاص، اختصاص به کوفه (عراق) دارد و خداوند دشمنان اهل بیت علیهم السلام را به آن مبتلا می‌کند و آنها را هلاک می‌سازد و اما (گرسنگی و ترس) عام، اختصاص به شام دارد. بطوریکه ترس (از جنگ) و گرسنگی آن چنان آنها را در بر می‌گیرد که مانند آن، به آنها نرسیده است و گرسنگی پیش از ظهور مهدی علیه السلام است ولی ترس بعد از قیام آن حضرت علیه السلام می‌باشد.» (۱)

این حدیث شریف نشان می‌دهد که عراق و شام تأثیر شگرفی در ایجاد گرسنگی و ترس بر هم خواهد داشت. با توجه به احادیث قبل معلوم است که

این ترس و فقر از سوی عراق به آنجا سرایت می‌یابد. یعنی بعد از سقوط عراق، سوریه در معرض خطر تهاجم و سقوط، قرار خواهد گرفت.

اختلاف میان اعراب

از جمله مهمترین نتایج اشغال عراق و حمله به شام، ظهور اختلاف شدید میان اعراب است، بطوریکه این اختلاف شدید، آنها را متزلزل و ناامید و وحشت زده می‌سازد، تا جایی که این اختلاف و گسترش آن، شورشهای متعددی را در شام (سوریه) بوجود می‌آورد و در نهایت منجر به ظهور سفیانی می‌شود.

در واقع پس از قتل عوف سلمی (صدام) در دمشق و شروع حملات به شام (سوریه)، رفته رفته دامنه اختلافات بالا می‌گیرد و رمز ظهور حضرت مهدی علیه السلام در همین اختلاف فاحش میان اعراب است.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«... هرگاه بنی فلان (بنی عباس و بازماندگان آنها در عصر حاضر)^(۱) میان خود اختلاف ورزیدند، در این هنگام منتظر فرج (ظهور) باشید و رهایی شما (و ظهور مهدی علیه السلام) نخواهد بود مگر در پی اختلاف بنی فلان (بقایای عباسیان)، پس هرگاه میان خود اختلاف ورزیدند،

۱ - همان طور که درباره عربستان خواهیم آورد، بنی عباس، مظهر قدرت و حاکمیت عربی بر ممالک اسلامی است، با فروپاشی عباسیان، حاکمان جانشین آنها بر ممالک اسلامی عربی را می‌توان جانشینان عباسیان یا بنی عباس بدانیم.

از این جهت است که ظاهراً از بنی فلان یا بنی عباس به عنوان رهبران کشورهای عربی یاد می‌شود و گاهی حاکمان بر عربستان فعلی یا گاهی عراق و یا شام یا مصر را بنام بنی فلان یا بنی عباس ذکر می‌کنند. می‌توان گفت اتحادیه عرب مظهر قدرت بنی عباس هستند.

منتظر فریادی (صحیبه‌ای آسمانی) در ماه رمضان و خروج قائم علیه السلام باشید. خداوند هر کار خواست می‌کند. و قائم علیه السلام خروج نمی‌کند و آنچه را دوست دارید (از ظهور ایشان) نمی‌بینید مگر اینکه بنی فلان (بقایای بنی عباسیان) میان خود اختلاف ورزند، پس هرگاه چنین شد، مردم (جهان) در اموال و دارایی‌های آنها به طمع افتاده و در کلمه (وحدت یا ریاست‌طلبی و حکومت‌ها) دچار اختلاف شده و سفیانی خروج می‌کند.

و نیز حضرت فرمود: به ناچار بنی فلان به حکومت می‌رسند و هرگاه به حکومت رسیدند و سپس اختلاف ورزیدند حکومتشان دچار تشتت شده و کارشان پریشان می‌شود تا جایی که خراسانی و سفیانی بر آنها خروج می‌کنند یکی از مشرق و یکی از مغرب، مانند مسابقه اسب دوانی، به سوی کوفه مسابقه می‌دهند از اینجا و آنجا تا اینکه نابودی بنی فلان به دست آنها خواهد بود، بدانید که آنها هیچ یک از اینان را حفظ نخواهند کرد.^(۱)

نکات قابل تأمل در این حدیث شریف:

- ۱ - مهمترین حادثه پیش از ظهور، اختلاف حکام عرب (بنی عباس) است، البته پس از آنکه دولت‌های عرب تشکیل شد. و این نیز با انحلال دولت عثمانی و ترک، پس از جنگ اول واقع شده است.
- ۲ - همان طور که ظهور، متوقف بر اختلاف آنان می‌باشد، هجوم و حمله بر آنها و نابود کردنشان نیز منوط بر همین اختلافات داخلی میان اعراب است.
- ۳ - این اختلافات با حمله به شام عمیق‌تر شده و در اثر بوجود آمدن خلاء

قدرت در خاورمیانه، دو قدرت ظهور می‌کند یکی از سوی ایران یعنی شعیب بن صالح و دیگری در مقابل آن یعنی سفیانی.

۴ - باقی مانده حکام ضعیف عرب منطقه خاورمیانه، توسط دو قدرت نو ظهور، یعنی شعیب بن صالح و سفیانی مضمحل می‌گردد. حکومت‌های عرب شرقی توسط ایرانیها (خراسانی) و حکومت‌های عرب غربی توسط سفیانی نابود می‌شوند.

۵ - ایران تا آن زمان، نسبت به عراق حساسیت خواهد داشت و قدرت و سیطره خویش را حفظ می‌کند.

۶ - مسئله عراق تا آن زمان برای غربیها نیز حل نخواهد شد.

۷ - از این حدیث بطور ضمنی می‌توان نتیجه گرفت، سیستم و نظام سیاسی ایران پیش از ظهور، مخالف غرب خواهد بود و این وضعیت تا ظهور ادامه خواهد یافت و غربی‌ها نمی‌توانند ایران را از پای درآورند.

در برخی روایات علت اختلاف بنی عباس را به نام منشاء آنها یعنی پرچم‌های سیاه ابومسلم خراسانی که باعث پیدایش حکومت بنی عباس گردید، یاد می‌شود، مانند روایت زیر:

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«هرگاه اصحاب پرچم‌های سیاه (بنی عباس جدید یعنی حکام کشورهای عربی) دچار اختلاف شدند، شهری از شهرهای شام به زمین فرو رفته و قسمت غربی مسجد دمشق نابود می‌شود. سپس در شام سه پرچم (گروه) قیام می‌کنند، اصهب^(۱) و ابقع^(۲) و سفیانی، پس سفیانی از شام

۱ - اصهب یعنی کسی که موی او به قرمزی می‌گراید یا صورت او زرد است. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۹۳ و معجم احادیث الامام مهدی، ج ۱، ص ۳۲۹.

۲ - ابقع کسی است که در صورت لکه‌ای دارد. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام،

قیام می‌کند و ابقع از مصر (حرکت می‌کند) و سفیانی بر
همگی پیروز می‌شود». (۱)

در حدیث فوق، نقش اصهب، یعنی آن کسی که پس از اشغال عراق ظهور
می‌کند، در حوادث آتی تا زمان سفیانی معرفی شده است. در واقع اولین کسی
که از میان این سه گروه متخاصم، ظاهر می‌شود، اصهب از عراق است، یعنی
همان هنگام که عراق اشغال می‌شود، نتیجه اشغال، ظهور اصهب خواهد بود
که حکومت وی ادامه می‌یابد تا تشنج در شام به اوج می‌رسد و در نتیجه خلاء
قدرت در منطقه، اصهب متمایل به نفوذ در شام شده که مورد برخورد و هجوم
سفیانی قرار می‌گیرد و در مقابل، سفیانی خود به سوی تصرف عراق حمله ور
می‌شود.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«اولین کسی که (از میان گروه‌های متخاصم) قیام می‌کند
مردی است که به او اصهب بن قیس می‌گویند. وی از
سرزمین عراق قیام می‌کند و میان مردم ظلم و ستم بسیار
می‌کند سپس جرهمی از سرزمین شام و قحطانی از
سرزمین یمن قیام می‌کنند و برای هر یک از این افراد قدرت
فوق العاده‌ای در قلمروشان است و بر مردم سرزمینشان
ظلم و فتنه غلبه پیدا می‌کند که ناگهان سمرقندی (شعیب
بن صالح) از خراسان با پرچم‌های سیاه قیام می‌کند». (۲)

۱ - کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۸۴، اثر متقی هندی.

۲ - عقد الدرر، ص ۷۹.

شام در آستانه ظهور سفیانی

پس از آنکه غربی‌ها به شام و احتمالاً ایران حمله کردند، جنگ ویرانگر جهانی سوم و جنگ بزرگ پدید می‌آید. نیروهای امریکایی از منطقه خارج شده و جهت مقابله با نیروهای دشمن و دفاع از کشور خود در امریکا متمرکز شده و اسرائیل را تنها می‌گذارند. با خلاء قدرت خارجی در منطقه خاورمیانه و با وجود دشمنی دیرینه میان اعراب و اسرائیل، درگیری و جنگ بزرگی در منطقه درمی‌گیرد.

این جنگ به دلیل گستردگی و خشونت بسیار، نابودکننده است و منطقه را به آتش کشانده و کشتار وسیعی را پدید می‌آورد. هر چند اسرائیل سقوط خواهد کرد ولی متقابلاً منطقه نیز نابود و تخریب می‌شود.

در این حالت شورش‌های منطقه‌ای آشکار می‌شود. ظهور اربع، اصره، جره‌می، نیروهای طرفدار ایران در شام و در نهایت سفیانی و درگیری آنها و پیروزی نهایی سفیانی بر همگی، از نتایج چنین جنگی می‌باشد.

در پایان این درگیری‌هاست که ندهای آسمانی مبنی بر پایان یافتن عصر ظلم و ستم و ظهور سفیانی برپا می‌گردد. زمان ظهور این حوادث را نمی‌توان تعیین کرد ولی با توجه به روش امریکائی‌ها در تخریب منطقه که از افغانستان و عراق شروع شده و به تدریج گسترش می‌یابد، می‌توان تقریباً مدتی میان ۵ تا ۹^(۱) سال را برای این حوادث پیش بینی کرد. هر چند ممکن

۱ - همان طور که قبلاً اشاره شد، بیان مدت زمان خاصی در این جا به معنی تعیین زمان و وقت ظهور یا حوادث پیش از ظهور نیست بلکه صرفاً حدس و گمان و بیان تقریبی است که ممکن است تحت شرایط خاصی تغییر یافته و یا اصلاً واقع نشود و همواره امکان دارد در علم الهی بداء و تغییر، حاصل شود و حوادث قطعی نیز حتی تغییر یابد تا چه رسد به حدس و گمان در حوادث غیر قطعی.

است برخی از این حوادث به شکل‌های مختلف یا در زمانهای متفاوتی پیش آید.

عمار یاسر می‌گوید:

«دولت اهل بیت پیامبرتان در آخرالزمان است و این حکومت نشانه‌هایی دارد. پس هرگاه این نشانه‌های (مقدماتی) را دیدید، به زمین چسبیده و خود دار باشید تا نشانه‌های (قیام) حکومت آشکار (و واضح) شود^(۱) پس هرگاه رومیان (غربی‌ها) و ترک‌ها بر شما حمله ور شوند و سپاهیان (کشورهای مختلف) آماده شدند و خلیفه‌ای که اموال را جمع می‌کرد، فوت نمود، و پس از او مردی سالم جای او نشسته و پس از دو سال از بیعت با او، خلع می‌گردد و نابودی حکومتشان از جایی که پدید آمده برسد^(۲) و ترک‌ها و رومیان (غربی‌ها) با یکدیگر، دچار اختلاف شده و (در نتیجه) جنگ در روی زمین افزایش می‌یابد و سخنگویی بر

۱ - وقتی علائم حوادث سخت و جانکاه، ظاهر شد، خاموش و محتاط باشید و زمانی که علائم قطعی ظهور حضرت مهدی علیه السلام یعنی حکومت سفیانی، آشکار شد، حرکت و قیام نموده و به سوی حضرت مهدی علیه السلام در مدینه و مکه بشتابید. پس با یک سری علائم، خانه نشین شده و با یک تعداد علائم، قیام می‌کنیم.

۲ - از آنجا که حکومت عباسیان از سوی ایران و پرچم‌های سیاه ابومسلم شروع شد، نابودی حکام عرب باقی مانده از بنی عباسیان، در عصر حاضر نیز از طریق همین منطقه یعنی خراسانی و شعیب بن صالح خواهد بود.

سور^(۱) دمشق ندا می‌کند که وای بر مردم زمین از شری که نزدیک گشته و (در نتیجه این شرّ)، قسمت غربی مسجد دمشق به زمین فرو می‌رود، تا اینکه دیوار مسجد فرو می‌ریزد و سه نفر در شام ظهور می‌کنند که همگی بدنبال تصاحب حکومت هستند، مردی ابقع، و مردی اصهب و مردی از اهل بیت ابی سفیان که با قبیله کلب خروج می‌کند، و مردم در دمشق جمع می‌شوند و مردم مغرب (غربی‌ها) به مصر حمله می‌کنند. هرگاه داخل مصر شدند همین علامت (خروج) سفیانی است و قبل از این حادثه، کسی ظهور می‌کند که مردم را به خانواده محمد ﷺ دعوت می‌کند و (در این هنگام) ترک‌ها به (منطقه) حیره (شمال عراق) وارد شده و رومیان (غربیها) در فلسطین وارد می‌شوند». (۲)

نکات مهم این حدیث:

۱ - احتمالاً خلیفه‌ای که فوتش موجب تضعیف و در پایان نابودی قدرتهای عربی می‌شود، مهمترین کشور عرب منطقه و حاکم بر حرمین شریفین یعنی عربستان سعودی می‌باشد و با مرگ فهد و کشته شدن ملک

۱ - منادی و سخنگو لازم نیست غیبی و نادیدنی باشد بلکه (همان طور که در بحث نداها خواهد آمد) گوینده‌ای رسمی با وسایل ارتباط جمعی از سور (دیوار) دمشق یعنی از محل سخن پراکنی یا به عبارت دیگر ایستگاه رادیو تلویزیون این شهر اعلام می‌کند، بلا و شرّ بزرگی مردم جهان را تهدید می‌کند که البته به نظر بنده این تهدید می‌تواند به حمله‌ای هسته‌ای باشد.

۲ - غیبت شیخ طوسی، ص ۴۶۳.

عبدالله ولیعهد او خلاء قدرت فوق العاده‌ای میان اعراب منطقه بخصوص منطقه خلیج فارس پیش می‌آید که وزنه قدرت سیاسی ایرانی‌ها را تقویت خواهد کرد.

۲ - جالب این است که تضعیف اعراب را متصل به نابودی‌شان از محل بوجود آمدن آنها یعنی ایران و خراسان می‌داند و این نشانه تأثیرگذاری آینده ایران بر منطقه و حکومت‌های عربی است.

۳ - به همراه تضعیف حکومت اعراب، ترک‌ها و غربی‌ها مناطق عربی را اشغال می‌کنند.

۴ - جنگ سنگینی در منطقه رخ می‌دهد که می‌تواند یک حمله اتمی گسترده باشد.

۵ - اختلاف وسیعی میان جبهه ائتلاف غرب و از جمله با ترکیه، واقع خواهد شد و جنگ، توسعه و عمق بیش از پیش خواهد یافت که انهدام محل مورد نزاع یعنی شام بیشتر می‌گردد.

۶ - همزمان غربی‌ها به مصر نیز یورش می‌برند و وقتی داخل مصر شدند، نشانه‌ای برای آغاز حرکت سفیانی خواهد بود.

۷ - پیش از این حوادث، کسی ظاهر می‌شود که مردم را به رجوع و پیروی از اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خواند.

۸ - ترک‌ها هنگام جنگ سوم و خلاء قدرت در منطقه، شمال عراق را اشغال خواهند کرد.

با توجه به حدیث فوق می‌توان گفت نیروهای ائتلاف، در ابتدا به عراق، آنگاه سوریه و لبنان و سپس مصر، حمله ور می‌شوند و با حمله به مصر و احتمالاً ایران، جنگ گسترش یافته و منتهی به دخالت قدرتهای دیگر از جمله چین، کره و روسیه می‌شود که جنگ سوم درمی‌گیرد.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«حضرت علی علیه السلام فرمودند: هرگاه دو طرف (متخاصم) در شام درگیر شوند، در این مبارزه، صد هزار نفر کشته خواهند شد که خداوند آنرا رحمتی برای مؤمنین و عذابی بر کافران قرار خواهد داد. پس هرگاه این گونه شد توجه کنید به اصحاب سواره نظام، سوار بر اسب‌های تندرو و پرچم‌های زرد رنگ که از مغرب می‌آیند، تا شام را اشغال کنند. پس وقتی این چنین شد، در انتظار فرورفتن شهری از شهرهای شام باشید که به آن «حرستا»^(۱) می‌گویند. وقتی این گونه شد، منتظر ظهور فرزند هند جگرخوار^(۲) (سفیانی)، در بیابان خشک باشید».^(۳)

نکات مهم این حدیث:

- ۱ - وقتی دو طرف درگیری اصلی در شام با هم جنگیدند، باید منتظر فجایع وحشتناک بود.
- ۲ - دو طرف درگیری از هم اکنون مطرح هستند، یکی سوریه و اعراب و دیگری اسرائیل و امریکا.
- ۳ - این درگیری و کشتار، بیشتر موجب نابودی دشمنان اهل بیت علیهم السلام و حضرت مهدی علیه السلام می‌شود، و مؤمنین با بکارگیری دستورات ائمه اطهار علیهم السلام، انشاء الله، گزندی نخواهند دید.

۱ - شهری است میان حمص و دمشق از کشور سوریه.

۲ - منظور هند جگرخوار، همسر ابوسفیان است. یعنی سفیانی فرزند هند و ابوسفیان از وادی یابس یعنی سرزمین بیابانی و خشک، خروج می‌کند.

۳ - غیبت طوسی، ص ۴۶۱.

- ۴ - درگیری میان سوریه و اعراب با اسرائیل، موجب می‌شود تا غربی‌ها (امریکائی‌ها) شام را اشغال کنند.
- ۵ - آنها با اسبهای تندرو، که می‌تواند کنایه از وسایل رزمی مدرن باشد، به شام و سوریه حمله ور می‌شوند.
- ۶ - پس از آن، ممکن است جنگ اتمی درگرفته و حرستا، نابود شود.
- ۷ - احتمالاً صاحبان پرچم‌های زرد رنگ و نیروهای غربی یکی باشند.
- ۸ - پس از این حادثه یعنی درگیری اتمی و وجود خلاء سیاسی در منطقه است که سفیانی فرزند ابوسفیان که گرایش غربی و یهودی دارد به عنوان آخرین تیر ترکش غرب، جهت نابودی اسلام، قیام می‌نماید و هدفش نابودی مکه و مدینه و ایران خواهد بود.

این حوادث تدریجی و منظم واقع می‌شود

محمد بن صامت گوید از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم:

«آیا پیش از این امر (ظهور مهدی علیه السلام) نشانه‌ای است؟»

فرمود: بله. گفتم: آن چیست؟ فرمود: هلاکت عباسی (حاکم عربستان بطور خاص و دیگر حکام عرب) و خروج سفیانی و قتل نفس زکیه و فرو رفتن در زمین بیداء (خسف بیداء) و صدایی از آسمان. گفتم: فدایت شوم می‌ترسم این امر (ظهور) طولانی شود. فرمود: خیر این امر (ظهور و حوادث مقدماتی آن) مانند دانه‌های تسبیح پشت سر یکدیگر می‌آیند.^(۱)

همان طور که از حدیث حضرت صادق علیه السلام روشن می‌شود حوادث ظهور حضرت، سلسله وار واقع خواهد گردید و کسانی که با روند حوادث در روایات آشنا شده‌اند، خط سیر و حرکت این حوادث را به اندازه فهم و درک خویش، از این روایات بدست می‌آورند. البته باید به یاد داشت که در هر یک از این علائم، امکان بداء و تغییر حادثه وجود دارد. ولی خط سیر کلی حوادث مبنی بر اختلاف اعراب، حمله غربی‌ها به آنها و تجزیه و سپس نابودیشان و آنگاه ظهور سفیانی برای حمله به مکه، مدینه و ایران حتمی به نظر می‌رسد، و با رخداد یکی می‌توان بقیه را نیز نزدیک و حتمی دانست.

ابی بن کعب گوید:

«سه فتنه خواهد بود مانند این که شب گذشته بوده است، فتنه‌ای که در شام است، سپس فتنه شرقی که در آن پادشاهان از بین می‌روند، سپس فتنه غربی بدنبال آن خواهد آمد و (کعب) پرچم‌های زرد (غربی) را یاد کرد و (گفت) فتنه غربی کور (نابود کننده) است.»^(۱)

نکات مهم این حدیث:

- ۱ - سه فتنه و حادثه مهم در منطقه پیش از ظهور واقع می‌شود.
- ۲ - این فتنه‌ها عبارتند از: ۱ - فتنه شام (ظهور اسرائیل) ۲ - فتنه شرقی (سقوط شاهنشاهی در ایران و ظهور دولت جمهوری اسلامی ایران که حوادث منطقه را سرعت بخشید) ۳ - فتنه غربی (تسلط امریکا و حوادث یازده سپتامبر به بعد است که به ظهور جنگ سوم و نابودی جهان غرب خواهد انجامید).

۳ - فتنه غربی (تسلط طلبی امریکا و جنگ سوم) از همگی سخت تر و نابود کننده تر است، و تعبیر کور بودن این فتنه، کنایه از بی رحمی و گستردگی نابودی و تخریب توسط غربیها می باشد.

ارتباط منطقی و تدریجی میان این سه فتنه و اصولاً تمامی حوادث پیش از ظهور کاملاً مشهود است. به عبارت دیگر اگر بتوانیم هدف و ارتباط منطقی میان این حوادث را پیدا کنیم، متوجه بسیاری از حوادث واقع نشده گشته و در ضمن از حوادث گذشته، نتیجه مطلوبتری در جهت تبیین ظهور می یابیم.

همان طور که قبلاً اشاره شد جهت و مسیر حوادث پیش از ظهور در بستر همین سه فتنه می باشد، فتنه شام، فتنه شرقی و فتنه غربی.

آنچه که هدف این فتنه ها می باشد در نهایت، نابودی مکه و مدینه است و مسیر درگیری در تمام آنها در جهت سرکوب کردن مسلمانان می باشد. اگر می بینیم غربی ها در رفتارشان تجدید نظر می کنند و انعطاف پذیر می شوند، بدلیل آن است که موانعی ناخواسته، بر سر راه آنان قرار می گیرد و زمانی که دانستند چاره ای جز آشکار کردن چهره کثیف خود ندارند، حتماً این کار را خواهند کرد.

با حمله به سوریه و عدم توفیق در نابودی کامل اسلام و ایران و وقوع جنگ سوم و نابودی اسرائیل در اثر هجوم اعراب و ایرانیان به اسرائیل، آنها ناچار می شوند، شخصیتی جدید به نام سفیانی را وارد صحنه کنند، تا شاید به وسیله این شخص که به ظاهر مسلمان ولی در اصل وابسته به غرب و مسیحیت است، کار اسلام و مسلمانان و مکه و مدینه و ایران را یکسره سازند.

فصل هفتم:

آغاز حرکت سفیانی

پس از جنگ چهارم و درگیری شدید در منطقه یا همزمان با آن، مصر به اشغال درمی آید. اشغال مصر، نقشی کلیدی و سرنوشت ساز برای سوریه و ظهور سفیانی خواهد داشت. همانطور که اشاره شد، یکی از نیروهای متخاصم با سفیانی، اصبه، با منشاء عراقی می باشد.

عنصر مهم دیگر، ابقع، با منشأ مصری است. آنگونه که از روایات و تداوم درگیریها تا ظهور سفیانی آشکار می شود، به احتمال قوی، ابقع دست نشانده غربیها می باشد، اما با اهدافی خاص بوده که با سفیانی به عنوان دست نشانده دیگری از غرب، و همینطور اصبه که وی نیز مورد حمایت غربیها بوده، درگیر می شود.^(۱)

۱ - خوانندگان عزیز توجه داشته باشند که حوادث پیش از ظهور آن چنان عجیب و پیچیده است که به سختی می توان، موضع گیری و اهداف واقعی مجریان حوادث را شناخت. همه ما می دانیم، صدام حسین تحت حمایت غربیها بود، اما به منافع غرب در منطقه یعنی کویت، حمله کرد. مصر زمانی دشمن غرب بود ولی سپس بزرگترین همپیمان غرب در منطقه شد. ایران بزرگترین همپیمان غرب در منطقه بود ولی به دشمن ترین کشور در منطقه نسبت به امریکا و اسرائیل تبدیل شد. اخیراً معمر قذافی دشمن قدیمی اسرائیل، آن چنان در خدمتگذاری به اسرائیل کوشش می کند که یک جانبه تقاضای ارتباط سیاسی با اسرائیل را نموده است. طبیعی است که در آینده، از این حوادث عجیب، بیشتر ببینیم. کسانی که امروز دشمن غرب هستند، دوستان نزدیک، و دوستان امروز، دشمنان فردای غرب باشند. ابقع دوست غرب است ولی وقتی در

اشغال مصر و حرکت به سوی سوریه

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«هرگاه اصحاب پرچمهای زرد (غربیها) وارد مصر شدند، اهل شام باید برای خود پناهگاههایی را در زیر زمین حفر کنند.» (۱)

حدیث فوق، اشاره به جنگی سهمگین دارد که مردم برای در امان ماندن از خسارتهای آن جنگ، تنها یک راه فرار دارند و آن، رفتن به پناهگاههای زیرزمینی می‌باشد. چنین جنگی می‌تواند شیمیایی یا حتی اتمی باشد. از جمله علامتهای مهم در ظهور سفیانی، تسلط غربیها، که از آنها به قیس و کنده، تعبیر شده است، می‌باشد. شاید مهمترین علامت قطعی شدن ظهور سفیانی، حرکت جهش گونه غربیها باشد. یک جهش از شرق و دیگری از غرب، و هر دو نیز ناگهانی و سراسیمه است. با مشاهده چنین هجوم برق آسایی، می‌توان اطمینان یافت که سفیانی در آستانه ظهور است، یعنی چیزی که امروز شاهد هجوم غربیها از شرق و غرب (افغانستان و عراق) هستیم. از حضرت رضا علیه السلام، درباره (زمان) فرج و ظهور سؤال شد، فرمود:

«آیا مختصر بگویم یا مشروح؟ عرض شد، مختصر بفرمائید. ایشان فرمودند: هرگاه پرچمهای قیس به مصر،

⇒ اثر خلاء قدرت غرب در منطقه بدنبال منافع بیشتر است، با سفیانی و اصهب که آنها نیز تحت حمایت غربیها بوده‌اند، درگیر می‌شود. غربیها به این دلیل، این چنین اجازه می‌دهند تا طرفدارانشان با یکدیگر درگیر شوند، زیرا با تضعیف تمام جناحها و گروهها، می‌خواهند بیشترین امتیاز را در منطقه بدست آورند، همانند اجازه تجاوز عراق به کویت که موجب امتیازات بیشتر امریکا در منطقه شد.

جهش کردند و پرچمهای کنده به خراسان جهیدند. (۱)
(آنگاه، ظهور واقع می‌شود).

پیش‌تر، اشاره شد که برخی از بزرگان از جمله صاحب کتاب نوائب الدهور، لفظ «کنده» را تعبیری از کانادا (امریکای شمالی) می‌دانند. و چون امریکای شمالی و کانادا، امروز نماد و سمبلی از غرب و استیلاء غربیها، هستند و قیس نیز احتمالاً به معنی نیروهای اشغال‌گر غربی می‌باشد که بر مصر و سپس شام مسلط می‌شود، می‌توان این حدیث را این‌گونه تفسیر نمود که: هرگاه نیروهای غربی به شرق (افغانستان) و مصر حمله نموده و بر آنجا مسلط شدند (این حمله نیز جهش گونه خواهد بود)، آنگاه ظهور، قطعی خواهد بود. یعنی ماجراها به سوی ظهور سفیانی و آنگاه ظهور حضرت مهدی علیه السلام کشیده خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«از جمله (علائم) این است که مردی از کنده (کانادا) که لنگ می‌باشد از ناحیه غرب، قیام کرده و همواره پیروزی با پرچمش همراه خواهد بود و با نیروهایش پیش می‌رود تا بر مصر غلبه پیدا می‌کند». (۲)

نکات مهم حدیث عبارتند از:

۱ - پرچمهای قیس و کنده، هر دو از غرب است، هر چند آنها با دو نام می‌باشند ولی با توجه به حدیث قبل که پرچم کنده بر مشرق و پرچم قیس بر مصر مسلط می‌شوند، و با توجه به این حدیث، پرچم کنده نیز بر مصر غلبه

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۳.

۲ - عقد الدرر، ص ۱۵۶.

می‌یابد، نشان می‌دهد هر دو پرچم یکی بوده و از یک منشأ است.
 ۲- لنگ بودن رهبر آمریکائیا شاید کنایه از انتخاب سست و غیر محکم رئیس جمهور باشد که با مشخصات جورج بوش رئیس جمهور مهاجم غربی تطابق دارد، بطوریکه ایشان فقط با نیمی از آراء انتخاباتی و به کمک دیوان قضایی به ریاست جمهوری امریکا نائل شد.

۳- این حدیث، گواه بر این مطلب است که پرچمهای قیس، به هیچ وجه از ناحیه غرب افریقا یا مراکش، آن گونه که آقای کورانی در کتاب عصر ظهور^(۱) تصور کرده‌اند، نمی‌باشند، بلکه این گروه (قیس) با منشائی بسیار قدرتمندتر هستند. زیرا هم بر مصر و هم بر شرق یعنی افغانستان مسلط می‌شوند و این دو پرچم، (قیس و کنده) یکی می‌باشند.

۴- این پرچم همواره در مسیر اهداف خویش پیروز است تا وقتی که بر مصر مسلط شود. این مطلب نشان می‌دهد که همزمان یا پس از تسلط این گروه بر مصر، جنگ سوم شروع می‌شود و پیشروی غرب متوقف می‌گردد. البته از آن پس خواهیم دید که شام سرنوشت بدی در انتظارش است یعنی پس از تصرف مصر، با حمله به شام یا قبل از آن جنگ سوم، غرب را به ناتوانی کشانده و آنگاه ابعق، که دست نشانده غربیها در مصر است به شام حمله کرده و با اصره و آنگاه سفیانی درگیر می‌شود.

حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«هرگاه عباسی به خراسان رسید، در مشرق ستاره‌ای دنباله دار ظهور می‌کند... هرگاه آنرا دیدید از شرفتنه‌ها، به خدا پناه برید. طلوع آن ستاره بعد از کسوف خورشید و

خسوف ماه، خواهد بود. سپس چیزی نمی‌گذرد که ابقع از مصر ظهور می‌کند»^(۱).

همان‌طور که در این حدیث شریف اشاره شده است، پس از نشانه‌های آسمانی مبنی بر کسوف و خسوف خورشید و ماه و سپس ظهور ستاره دنباله دار که حکایت از جنگها و مشکلات گسترده در جهان دارد، آنگاه مصر فتح شده و در آنجا ابقع به عنوان دست‌نشانده غریبه‌ها به حکومت می‌رسد.

هدف ابقع چیست؟

از بررسی روایات روشن می‌شود که مصر پایگاهی است برای حمله به شام و جهان اسلام، و آمدن ابقع نیز برای پیش‌برد این هدف می‌باشد. مهمترین رسالت ابقع، حمله به شام است. حال، شاید منظور او تصرف کامل یا ایجاد بی‌ثباتی در آنجا باشد، ولی روند حوادث به گونه‌ای است که حمله ابقع به شام، موجب رادیکال‌تر و تندروتر شدن منطقه و در نتیجه، حمله اصهب از عراق به شام و سپس قیام سفیانی در سوریه و نبرد او با دو نیروی متخاصم درگیر یعنی ابقع و اصهب، می‌گردد.

اما در هر صورت، حرکت ابقع، نابودی گسترده‌ای را در سوریه ایجاد خواهد کرد.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«من پرچمهای سبز و رنگی را می‌بینم که از مصر پیش می‌آیند تا به شام می‌رسند و بسوی صاحب گناهان و

نافرمانیها (سفیانی) کشانده می‌شوند»^(۱).
 با توجه به حدیث فوق، می‌توان رنگ و مشخصه پرچم ابقع را نیز مشخص نمود. ابقع با پرچمها یا نشانه‌های سبز رنگ (یا رنگی) از مصر حرکت می‌کند و جریان حرکتش نیز منجر به ظهور بدترین چهره گرداننده حوادث عصر ظهور یعنی سفیانی خواهد شد.

عمار یاسر گوید:

«هرگاه رومیان (غربیها) و ترکها بر شما حمله ور شدند و سپاهیان خود را آماده کردند و در زمین، جنگها گسترش یافت و سخنگویی از مرز (دیوار) دمشق صدا کرد: وای بر مردم زمین از شری که نزدیک شده است، و دیوار غربی مسجد دمشق خراب شد، سه نفر در شام، قیام می‌کنند که همگی بدنبال ریاست هستند، مردی ابقع و مردی اصهب و مردی از اهل بیت ابوسفیان که با همراهی قبیله کلب قیام می‌کنند.

در این هنگام، مردم در دمشق حضور دارند و اهل مغرب به مصر یورش برده و وقتی وارد مصر می‌شوند، این نشانه ظهور سفیانی است»^(۲).

این حدیث به چند نکته مهم اشاره می‌کند:

۱- اولین حمله به شام پیش از حمله به مصر است. بنابراین پیش از جنگ سوم و حمله به مصر به شام و سوریه حمله می‌شود، (این حمله می‌تواند پس از

۱- ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲- عقد الدرر، ص ۷۶.

اشغال عراق باشد).

سپس با حمله به مصر و پیدایش جنگ سوم و از طریق اشغال مصر، دوباره به شام و سوریه حمله خواهد شد.

۲- ابقع پیش از ظهور سفیانی به شام، حمله می‌کند.

۳- سه پرچمی که در شام با هم درگیر می‌شوند پیش از سفیانی می‌باشد. روایات دیگر نیز این مطلب را تأیید می‌کنند که درگیری سه پرچم مذکور، پیش از ظهور سفیانی می‌باشد. و در واقع این درگیری و کشمکش، موجب ظهور سفیانی می‌شود. و اگر می‌بینیم که برخی روایات، سه پرچم اصهب و ابقع و سفیانی را درگیر هم نشان می‌دهند، ممکن است اشاره به این شخص سوم باشد که از فرزندان ابوسفیان است و یا اینکه مرحله نهایی درگیری را نشان می‌دهد که در آن هنگام، سفیانی پا به عرصه کشمکش جنگ گزارد است، نه اینکه می‌خواهند بگویند که از ابتدای کار، درگیری میان سفیانی با آنها بوده است.

حضرت باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود:

«ای جابر به زمین چسبیده و دست و پا تکان مده تا نشانه‌هایی را که به تو می‌گویم ببینی، البته اگر بتوانی آنها را ببینی:

اولین علامت، اختلاف بنی عباس است و من گمان نمی‌کنم آنها ببینی ولی بعد از من آنها از جانب من بازگوکن، و فریاد زنده‌ای از آسمان فریاد می‌زند و صدایی از سمت دمشق نزد شما می‌آید مبنی بر اینکه پیروزی نزدیک است و

روستایی از روستاهای شام به نام «جاییه»^(۱) نابود می‌شود و بخشی از سمت راست مسجد دمشق، فرو می‌ریزد. و عده‌ای از جانب ترکها فرار می‌کنند و پس از آن هرج و مرج در روم (غرب) واقع می‌شود.

ای جابر، در این سال، اختلاف بسیاری در تمام دنیا از جانب غرب واقع خواهد شد و اولین سرزمینی که خراب می‌شود، سرزمین شام است. پس در این هنگام میان سه پرچم (در شام) درگیری می‌شود، پرچم اصبه و پرچم ابقع و پرچم سفیانی^(۲).

پس از جنگ سوم و بروز کشمکش و جنگ داخلی در شام، ویرانی گسترده‌ای سوریه و اردن و لبنان را دربرمی‌گیرد. بطوریکه کشورهای همجوار، از قبیل عراق و مصر، چشم طمع به این ناحیه خواهند داشت. ایران نیز از آن سو، نظاره‌گر ماجرا می‌باشد و آماده است تا در این معرکه شرکت جوید. هر چند ایران، نیروهایی را در شام دارد ولی در این درگیریها چندان قدرتمند نیستند. درگیری آغاز می‌شود، نیروهایی از مصر (به فرماندهی ابقع) و نیروهایی از عراق (به فرماندهی اصبه) و نیروهایی با حمایت ایران (گروههای طرفدار ایران در منطقه شام). اینها سه گروه متخاصم پیش از ظهور سفیانی هستند. محل اصلی این درگیری و مشخصات بیشتر این سه پرچم، در حدیث بعد، آمده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

۱ - جاییه روستایی است در نزدیکی جولان در سوریه.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۸۰.

«(هنگام ظهور سفیانی) در آن وقت نیروهای بربر (طرفداران غرب) با نیروهای پادشاه از فرزندان عباسی می‌جنگند. ناگهان سفیانی با آنان درگیر می‌شود. در نتیجه سه پرچم با هم مبارزه می‌کنند، (اول) نیروهای مرد عباسی که شامل ترکها و عجمها (طرفداران ایران) که پرچمشان سیاه می‌باشد، (دوم) پرچم بربرها (طرفدار غربیها)، که رنگش زرد است و (سوم) پرچم سفیانی که رنگش قرمز است. آنها در سرزمین اردن با هم به سختی می‌جنگند و از میان آنها شصت هزار نفر کشته می‌شوند تا سفیانی پیروز می‌شود».^(۱)

از حدیث فوق نکات مهمی بدست می‌آید:

۱- در ابتدا سه نیرو در محدوده شام (سوریه، اردن، لبنان، فلسطین) ظاهر می‌شود، که با هم درگیر می‌گردند.

۲- این سه نیرو یکی وابسته به هیئت سیاسی حاکم می‌باشد که شامل حکومت اردن و سوریه است و طرفداران ایران نیز در زمره مدافعان آنها هستند.

و دیگری نیروهای طرفدار غرب که احتمالاً نیروهای طرفدار اسرائیل و ابقع، از مصر باشند.

و سوم، نیروهای اصهب که همچنان می‌تواند برای دفاع از منافع عراق و غربیها در ماجرا شرکت کند.

۳- نیروهای طرفدار ایران، بسیار با نیروهای حزب الله لبنان تطبیق

می‌کند، بخصوص پرچم و نشانه آنها که سیاه است و نشان دهنده تشابه آن با حرکت پرچم‌های سیاه از ایران می‌باشد. احتمالاً نیروهای حزب الله در آینده، در این منطقه نقش مؤثرتری داشته باشد. بخصوص اینکه هم اکنون این نیروها طرفدار دولت سوریه و لبنان و مخالف غربیها هستند.

کعب الاحبار نیز در خبری در کتاب عقد الدرر، به این نیروهای اردنی و پادشاه آنان که عبدالله نام دارد، اشاره می‌کند و تطابق عجیبی با ملک عبدالله یعنی پادشاه جوان اردن و فرزند شاه حسین، دارد.

کعب گوید:

«... پس از آن، درگیری میان سه پرچم پیش خواهد آمد، و هر کدام حکومت را برای خود می‌خواهد. در میان (این سه پرچم) کسی است که اسم وی عبدالله است.»^(۱)
از میان این سه پرچم، اولین گروه و پرچمی که آشکار خواهد شد، گروه و پرچم اصهب از عراق است.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«اولین کسی که از میان آنها قیام می‌کند، مردی است بنام اصهب بن قیس که از سرزمین عراق خروج می‌کند و در میان مردم، ظلم و جور فراوان، انجام می‌دهد، سپس جرهمی از سرزمین شام و قحطانی، از سرزمین یمن خروج می‌کند و برای هر کدام از این افراد، قدرتی فوق العاده در قلمرو خویش است و بر مردم خود با ظلم و فتنه‌گری مسلط می‌شوند و همینگونه هستند که ناگهان سمرقندی از

خراسان با پرچمهای سیاه، بر آنها خروج می‌کند»^(۱).
از حدیث فوق معلوم می‌شود که پرچمهای طغیان‌گر در سوریه و یمن چند
سالی پیش از خراسانی و شعیب بن صالح، خواهند بود.

آغاز قیام سفیانی

شرایط سوریه هنگام ظهور سفیانی بسیار بحرانی است. قتل، جنگ و
ناامنی و تخریب از مشخصات عمومی شام بخصوص سوریه می‌باشد، همه
در آنجا با یکدیگر درگیر هستند. چرا شام، مرکز درگیری‌ها است و چرا سوریه؟
بسیار واضح است، زیرا تنها سوریه است که آوردگاه مبارزه با اسرائیل
است. اتفاقی نیست، اگر می‌بینیم هم اکنون تنها دو کشور در منطقه از
مخالفین و دشمنان سرسخت اسرائیل، باقی مانده‌اند، ایران و سوریه.
از میان این دو کشور، سوریه به دلیل مجاورت و هم‌مرزی با اسرائیل،
می‌تواند در یک درگیری احتمالی، بیشترین خسارتها را تحمل کند.
کشورهای مختلف منطقه نیز برای پاره پاره کردن این کشور، آماده
می‌شوند.

تصور کنید، اکنون جنگ سوم فروکش کرده است، اسرائیل نیز در اثر یک
حمله گسترده اعراب و ایرانیها از میان رفته یا بسیار ضعیف گشته است.
متقابلاً سوریه نیز که محل اصلی درگیری بوده، تخریب شده و در وضع
بسیار تأسف آوری بسر می‌برد.

قدرتهای منطقه‌ای یعنی عراق، ایران و مصر و حتی ترکیه نیز در سوریه
نفوذ کرده و برای تصاحب منافع بیشتر با یکدیگر درگیر می‌شوند.

در این حالت است که می‌بینیم، چهار کشور ایران، عراق، مصر و ترکیه، چهره‌ای متخاصم برای پیروزی نظامی ماجرای کشمکش شام، گشته‌اند و آن شخص پیروز، هیچکدام از وابستگان این چهار نیروی خارجی نیستند، بلکه شخصی گمنام اما زیر نفوذ یهودیان و مسیحیان افراطی، یعنی عثمان بن عنبسه، مشهور به «سفیانی» است.

بی جهت نیست اگر می‌بینیم، سفیانی پس از آنکه بر مسند قدرت تکیه زد، در ابتدا به مصر حمله می‌کند و آنگاه به عراق، و سپس سپاهی را برای تصرف ایران گسیل می‌دارد. این رفتار سفیانی و همچنین درگیری وی در قرقیسیا با ترکها، تأییدی بر این گفته من است که چهار نیروی متخاصم (در قالب سه گروه) پیش از سفیانی در شام، از این چهار کشور تغذیه می‌شوند. ایران دشمن غرب است ولی عراق و مصر از همپیمانان غربیها خواهند بود، ولی (در مسیر مبارزه با تروریسم) این کشورها نیز، جزء اهداف غربیها به رهبری امریکا و اسرائیل خواهند بود و برای آنان، غیر قابل اعتماد هستند.

سفیانی کیست، چرا و از کجا می‌آید، چرا ظهور امام علیه السلام وابسته به قیام سفیانی است؟

با توجه به روایاتی که در حتمی بودن قیام سفیانی و اهمیت فوق العاده آن در میان تمامی علائم، وارد شده است، معلوم می‌گردد که سفیانی نماینده یک جریان گسترده جهانی است که شرایط را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام، تکمیل می‌نماید، (البته بدون آنکه خودش یا حامیانش بدانند).

به عبارت دیگر، تا پیش از سفیانی، امکان هر تغییری در عقب افتادن ظهور وجود دارد ولی با قیام سفیانی و تسلط وی بر کشورهای پنجگانه خاورمیانه (شام) ظهور امام عصر علیه السلام، قطعی می‌گردد یا حداقل ما می‌توانیم

آنرا قطعی و انجام شده بدانیم. (زیرا با حکومت سفیانی، حضرت مهدی نیز در مدینه مخفی می‌گردد).^(۱)

حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود:

«... ظهور قائم علیه السلام مسئله‌ای حتمی از جانب خداوند

است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند، حتمی است و

(ظهور) قائم علیه السلام نخواهد بود مگر با (قیام) سفیانی...»^(۲).

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

«برخی حوادث متوقف بر شرایطی است و برخی امور

نیز حتمی هستند و سفیانی از امور حتمی است که چاره‌ای

از آن نیست.»^(۳)

با توجه به احادیث فوق^(۴) که چند نمونه از روایات بسیار در اهمیت قیام

سفیانی و حتمی بودن آن آمده، معلوم می‌گردد، شاید مهمترین حادثه پیش از

ظهور رسمی امام عصر علیه السلام، قیام سفیانی از شام (سوریه) می‌باشد.

شرایط منطقه خاورمیانه و بروز جنگهای وسیع و خلاء قدرتهای بزرگ در

اینجا (که بدلیل جنگ سوم، نیروهای خویش را فراخوانده‌اند) و نابودی یا

تضعیف گسترده اسرائیل، شرایطی را فراهم می‌سازد که تنها امید غربیها و

یهودیان افراطی، از میان تمام کسانی که در نظر گرفته و آماده ساخته‌اند به

همین شخص، یعنی سفیانی باشد.

سفیانی به نمایندگی از تمامی کفر در طول تاریخ قیام می‌کند و به عنوان

۱ - بررسی کامل این مطلب در جلد ۲ انشاء الله می‌آید.

۲ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۳ - همان، ص ۲۴۹.

۴ - احادیث بیشتری در جلد ۲ انشاء الله خواهیم آورد.

آخرین حربۀ شیطان، جهت نابودی دین، پیش از ظهور، تدارک دیده می‌شود. البته مسئله به همین جا ختم نمی‌شود. پس از جنگ‌های متمادی و قحطی و ناامنی و یأس و ناامیدی گسترده که در میان مردم جهان بخصوص مسلمانان منطقه واقع خواهد شد، ناگهان شیعیان منطقه بخصوص ایران، به یاد فراموش شده‌ی خویش می‌افتند.

از آن لحظه می‌فهمند که هیچ چاره‌ای جز دست یازیدن به دامن اهل بیت علیهم‌السلام، نداشته و یکپارچه و با اراده‌ای قوی، ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام را برای پایان دادن به بدبختی‌ها و ناکامی‌های بشر از خداوند طلب می‌کنند. طبیعی است که شیطان متوجه خطر بزرگ که در طول تاریخ توانسته است، انسانها را از آن طرز فکر (یعنی تسلیم شدن به نمایندگان حجت‌های الهی) باز دارد، شده است و سعی می‌کند آخرین حربۀ خود را بکار بندد تا مبادا این اراده‌ی جمعی مبنی بر تسلیم شدن در برابر حجت حق، به واقعیت پیوندد. (۱)

ممکن است شما بگوئید هم اکنون نیز مردم شیعه این گونه هستند، یعنی خواستار ظهور می‌باشند. اما با کمی دقت معلوم می‌شود که واقعاً این گونه نیست.

یعنی هر چند شیعیان به صورت نظری و تئوری به وجود امام علیه‌السلام، اعتقاد داشته و به ایشان ارادت دارند ولی هیچگاه به نظر اکثریت شیعیان، تمامی مشکلات جامعه، در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی ناشی از غیبت امام علیه‌السلام نمی‌باشد. و اگر برخی این گونه باور داشته باشند، تنها راه حل را در ظهور و تقاضای ظهور از درگاه خداوند متعال نمی‌دانند. به همین دلیل

۱ - همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، حتی هم اکنون نیز نیروهای امریکایی در عراق به نمایندگی از شیطان، به دنبال یافتن حضرت مهدی علیه‌السلام در عراق هستند (بنا به نقل پایگاه اینترنتی موعود WWW.mouood.com).

است که ما طی برنامه‌های مختلف و طرح‌ها و پیش بینی‌های خویش، بدون منظور کردن نقش امام علیه السلام و مسئله ظهور ایشان، سعی در حل بحرانها و مشکلات متعدد می‌نمائیم. در حالیکه بزرگترین مشکل بشریت، همین طرحها و قوانین و برنامه‌های دست ساز انسانها می‌باشد، و مشکل بزرگتر این است که هنوز نمی‌دانند مشکل اصلی کجاست و راه حلش چیست.

اما وقتی شرایط سخت پس از جنگ در منطقه مستولی شد، آنگاه اکثریت شیعیان متوجه اشتباه خودشان شده و یکپارچه از خداوند ظهور منجی بشر را طلب می‌کنند، و بخصوص با مشاهده ناکامیها و آزمایشات سخت، متوجه می‌شوند که تنها راه نجات و رهایی، درخواست حقیقی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

در این لحظه است که خورد و خوراک را بر خود حرام نموده و یکصدا درخواست واقعی ظهور می‌کنند. این اتفاقی است که هنگام قیام خراسانی در ایران خواهد افتاد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد خراسانی و یمانی و انگیزه قیامشان می‌فرماید:

«هنگامی که آنان (سپاه سفیانی) این گونه هستند (پیشروی می‌کنند)، ناگهان سپاه یمانی (از یمن) و خراسانی (از ایران) به سوی کوفه حرکت می‌کنند و (با هم) مسابقه می‌دهند، مانند این که مسابقه اسب دوانی است، در حالیکه چابک، گردآلود... می‌گویند: از امروز خیری در نشستن ما نیست، بار پروردگارا، ما توبه‌کنندگان هستیم. و آنها همان ابدال هستند که خداوند در کتاب عزیزش، آنها را این گونه توصیف نموده که: خداوند، بسیار توبه‌کنندگان را

دوست داشته و بسیار پاکیزه شدگان را دوست دارد، و آنها شبیه به آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند». (۱)

در هر حال، پیش از ظهور، مردم جهان به خصوص شیعیان تحویل فوق‌العاده‌ای می‌یابند، از یک طرف از آنچه داشته و دارند، کاملاً مایوس گشته و از طرفی بی‌نهایت خود را محتاج منجی الهی می‌دانند. این دو مطلب وقتی جمع شد، آنگاه درخواست ظهور، خالصانه خواهد بود.

حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«... هرگاه حاجت و نیاز، شدید شد و مردم، همدیگر را انکار نمودند (نیازهای یکدیگر را نادیده گرفتند)، در آن هنگام، صبح و شام، توقع این امر (ظهور) داشته باشید». (۲)

و نیز آن حضرت می‌فرماید:

«قائم قیام نمی‌کند مگر در حالت ترس بسیار مردم و زلزله‌های متعدد، و فتنه و بلائی که همه مردم را دربرمی‌گیرد و پیش از آن نیز طاعون بوده و شمشیر (کشتار) سنگینی میان عربها و اختلاف شدیدی میان مردم واقع خواهد شد، و در دینشان تشنگی (تزلزل) پیدا می‌کنند و حالت (روانی و انسانی) آنها دگرگون می‌شود، تا جایی که از شدت درندگی مردم و اینکه همدیگر را می‌خورند (و از بین می‌برند)، هر کدام، صبح و شب، آرزوی مرگ می‌کنند. بنابراین خروج آن حضرت و قیام ایشان هنگامی است که از فرج (نجات)،

۱ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۴.

۲ - همان، ج ۵۲، ص ۱۸۵.

ناامید و مأیوس گردند»^(۱).

وضع روحی شیعیان نیز بهتر از بقیه مردم جهان نیست، بلکه شاید، بدتر هم باشد. زیرا شیعیان در مأیوس‌ترین حالت از ظهور بوده و هیچ امیدی به بهبود اوضاع نخواهند داشت که امام علیه السلام، ظهور می‌کنند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«... هنگام از دست دادن امامتان همواره این چنین (در سختی) خواهید بود تا وقتی که بر شما طلوع می‌کند، همانند طلوع کردن خورشید و شما در ناامیدترین حالت هستید، پس مبادا شک و تردید کنید و از وجودتان، تردیدها را زایل کنید...»^(۲)

مشابه این حدیث که بیانگر وضعیت روحی شیعیان پیش از ظهور است، در روایات بسیاری وارد گشته است.^(۳)

بنابراین طبیعی است که در این حالت، عده‌ای که ایمان بدون شک و تردید به آن حضرت علیه السلام دارند، یعنی همان ابدال و بزرگان اصحاب و خراسانی، همه چیز را رها ساخته و در جستجوی ظهور حضرتش برآیند، بخصوص وقتی که علائم حتمی مانند قیام سفیانی را نیز مشاهده کرده باشند. در نتیجه، اکنون قابل درک است که بدانیم منطقه خاورمیانه، پیش از ظهور و هنگام قیام سفیانی و پس از آن در چه وضعیتی قرار داشته باشد و با آمدن سفیانی و جنایتهایی که مرتکب می‌شود، بر سختی اوضاع و شرایط، افزوده می‌گردد.

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۵۴.

۲ - همان، ص ۱۵۱.

۳ - همان، ص ۱۸۱، حدیث ۲۸ و ۲۹.

خصوصیات سفیانی

در روایات، نام او را به صورتهای مختلف، ذکر کرده‌اند. گاهی او را بنام عثمان بن عنبسه^(۱)، و گاهی بنام عثمان بن عتبه یا معاویه بن عتبه^(۲) نامیده‌اند.

تنوع نام وی (اگر از اشتباه نسخه برداری نباشد)، این مطلب را برای ما آشکار می‌سازد که اسم او قابل تغییر بوده و نباید به آن اسم، اهمیت دهیم، بلکه شخصیت و رفتار و اهداف او است که باید برای ما مهم باشد.

از حضرت صادق علیه السلام در مورد اسم سفیانی سؤال شد، ایشان فرمودند: «به اسم او چکار داری؟ وقتی بر پنج منطقه شام، یعنی دمشق و حمص و فلسطین و اردن و قنسرين تسلط یافت، منتظر خروج (مهدی علیه السلام) باشید.»^(۳)

البته نمی‌توان قاطعانه در مورد اسم سفیانی قضاوت کرد ولی بیشتر روایات وی را به نام «عثمان بن عنبسه» نامگذاری نموده‌اند و همانطور که در مقدمه کتاب اشاره شد، ما باید به حالتهای مختلف حوادث پیش از ظهور، احاطه داشته باشیم تا اگر هر تغییری در این علائم پیش آمد، ما را از اصل قضیه و علامت بودن آن حادثه؛ غافل نسازد.

بنابراین در مسئله مهم قیام سفیانی، نمی‌توان چندان بر نام ایشان، تاکید نمود، بلکه به خصوصیات ظاهری و از همه مهمتر، خصوصیات رفتاری و فکری وی، توجه خواهیم نمود، همانطور که در حدیث قبل، حضرت صادق علیه السلام به همین مطلب اشاره فرمودند.

۱ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۰۵.

۲ - عقد الدرر ص ۱۱۶.

۳ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۰۶.

خصوصیات ظاهری سفیانی

سفیانی مردی با قامت میانه و خشن است. در برخی روایات، چهره وی را آبله‌گون شمرده^(۱) و برخی دیگر از وی با صورتی کریه و زشت، یاد می‌کنند. وی با سری بزرگ، بینی بلند و رنگی مایل به سرخ می‌باشد، وقتی او را ببینید، مانند این است که یک چشم دارد.^(۲) شاید این مطلب کنایه از کوچکتر بودن یک چشم وی باشد، و صدای وی نیز قوی و بلند است.^(۳)

پیش از رسیدن به حکومت، تظاهر به زهد و پارسایی می‌کند اما وقتی به حکومت رسید، خشونت و ستم وی آشکار می‌شود.^(۴)

ارتباط سفیانی با غرب

سفیانی پیش از قیام و تصاحب حکومت، به عنوان یک شهروند سوری، تمایل شدیدی به غرب دارد، تا جایی که با توجه به رفتارهای بعدی وی، می‌توان او را از دست‌های پنهان غرب در منطقه یا سوریه دانست.

بشربن غالب در حدیثی مرسل می‌گوید:

«سفیانی از سرزمین روم (غرب) در حالتی که مسیحی شده (یا توسط غربیها حمایت گشته)، می‌آید و در گردنش صلیبی آویزان است و او سرپرست مردم می‌شود.»^(۵)

در نسخه اصلی این حدیث «منتصراً» یعنی پیروزمند آمده ولی آقای

۱ - عقد الدرر ص ۱۱۶.

۲ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۵.

۳ - همان.

۴ - عقد الدرر ص ۱۱۶.

۵ - غیبت شیخ طوسی ص ۴۶۳.

کورانی در کتاب عصر ظهور^(۱) و شرح نویس کتاب غیبت شیخ طوسی^(۲) «متنصراً» یعنی در حالت مسیحی شده، قلمداد نموده و آنرا صحیح می‌دانند. در حالی که به نظر می‌رسد همان متنصراً (یعنی یاری شده توسط غربیها)، درست باشد. زیرا سفیانی هیچگاه تظاهر به مسیحی بودن نمی‌کند، بلکه به عنوان یک مصلح مسلمان و مدافع حقوق مسلمانان، قیام می‌کند (همانطور که در احادیث بعدی خواهیم آورد). بنابراین، صحیح این است که وی را مسلمان ولی جاسوس غربیها بدانیم که با کمک آنان می‌تواند دشمنان خود را سرکوب نموده و پیروز میدان شود و آنگاه که به حکومت رسید، اهداف پلید غربیها، بخصوص مسیحیان و یهودیان افراطی را مبنی بر نابودی مکه و مدینه و ایران، دنبال می‌کند.

اما آنچه در این حدیث به عنوان آویزان کردن صلیب در گردن مطرح شده، همان چیزی است که امروز و عصر حاضر، اکثریت رهبران کشورهای مسلمان نشین به آن تظاهر می‌کنند، بدون آنکه بدانند چه کاری می‌کنند. آنها همگی از لباس غربیها، استفاده کرده و کراوات می‌زنند. در اصل، کراوات از دو جهت مظهر مسیحیت است، یکی اینکه شبیه صلیب است که به گردن آویزان می‌شود، و دیگر اینکه لباس رسمی و غالب مسیحیان می‌باشد.

پیداست که مسلمانان بدون اینکه بدانند، تظاهر به مسیحی بودن می‌کنند. من گمان می‌کنم که به احتمال زیاد، سفیانی این گونه باشد، یعنی با ظاهر و شعار اسلامی و مدافع مسلمانان ولی با لباس و فرهنگ غربی و اهداف پنهان غربیها و یهودیان افراطی، بر سر کار می‌آید.

۱ - عصر ظهور ص ۱۱۸.

۲ - غیبت شیخ طوسی ص ۴۶۳ (پاورقی).

حرکت سفیانی

همانطور که اشاره کردیم، در آن هنگام، شام و بخصوص سوریه دچار هرج و مرج و وحشتناکی است، ناامنی و فقر و قحطی بیداد می‌کند. سه پرچم مختلف نیز که از چهار قدرت منطقه یعنی ایران، ترکیه، عراق و مصر، سرچشمه می‌گیرند، بدنبال منافع خویش و بدست گرفتن قدرت در سوریه هستند.

در این میان، ترکها نیز هر چند در جنگ جهانی سوم، صدمات سختی خواهند خورد ولی همچنان به عنوان یک نیروی تأثیر گذار، بدنبال منافع خویش، هستند و جنگهایی نیز پس از روی کار آمدن سفیانی با وی برپا خواهند کرد.

در این شرایط است که سفیانی با ظاهری عوام فریبانه و برای نجات مردم از ناامنی و مقابله با نیروها و دخالت‌های بیگانگان به صورتی شگفت آور وارد عرصه کارزار می‌شود. تا پیش از قیام، حتی سفیانی نیز قصد قیام نداشته و نمی‌داند به چه کاری دست خواهد زد.

«ابومریم از اساتید خودش نقل می‌کند: در حالی که سفیانی خواب است، عده‌ای به خواب وی می‌آیند و می‌گویند: برخیز و قیام کن. وی برمی‌خیزد ولی کسی را نمی‌بیند، دوباره به خواب وی می‌آیند و مانند جمله قبل می‌گویند، در مرتبه سوم به او می‌گویند: برخیز و قیام کن و نگاه کن، چه کسی درب خانه ایستاده است. به سوی درب خانه می‌رود، در آنجا هفت یا نه نفر را می‌بیند که همراه خودشان، پرچمی حمل می‌کنند و می‌گویند: ما یاران تو هستیم.

سفیانی به همراه آنها قیام می‌کند. عده‌ای از مردم شهرهای وادی یابس (بیابان) نیز از آنها پیروی کرده و به سفیانی می‌پیوندند. حاکم دمشق بر علیه آنان حرکت می‌کند، تا وی را دست گیر کرده و از میان بردارد. اما به محض مشاهده پرچم سفیانی، وحشت زده پراکنده می‌شوند، (و سفیانی بر دمشق

مسلط می‌گردد»^(۱).

سفیانی نیروهای خویش را جمع آوری نموده و با نابود ساختن نیروهای حکومتی در دمشق با نیروهای متخاصم که در شام با یکدیگر نبرد می‌کنند، مقابله کرده و هر سه گروه را نابوده می‌سازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«هرگاه دو نیروی متخاصم در شام درگیر شدند، آیه‌ای از آیات الهی آشکار خواهد شد. گفته شد: آن آیه چیست، ای امیرالمؤمنین؟

فرمود: زلزله‌ای در شام است که در اثر آن بیش از صد هزار نفر نابود می‌شوند، خداوند آن آیه را رحمتی برای مومنین و عذابی بر کافرین قرار داده است. هرگاه این اتفاق افتاد، به اسبهای تندرو و نیز پرچمهای زرد رنگ از مغرب توجه کنید که از مغرب هجوم آورده تا شام را اشغال کنند، این حادثه هنگام بزرگترین گرسنگی و مرگ سرخ (مرگ در اثر جنگ خونین) واقع خواهد شد.

وقتی این چنین شد، توجه کنید به نابودی روستایی از روستاهای دمشق که به آن «حریستا» می‌گویند. وقتی این اتفاقات افتاد، فرزند هند جگرخوار (سفیانی) از وادی یابس (بیابان خشک) قیام می‌کند تا بر منبر دمشق جلوس نماید، پس از آن منتظر قیام مهدی علیه السلام باشید»^(۲).

نکات مهم حدیث فوق:

۱ - شام وارد جنگی سهمگین می‌شود که موجب کشتار و خرابی گسترده

می‌گردد.

۱ - عقدالدرر، ص ۱۰۷.

۲ - همان، ص ۸۵.

۲- در اثر این جنگ گروه‌های ظالم و جاه طلب به جان هم افتاده و همدیگر را نابود می‌کنند. این نابودی، موجب اندوه دشمنان و خوشحالی اهل حق که در کناره هستند و دخالتی در جدالهای سیاسی ندارند، می‌شود.

۳- این جنگ و کشتار وسیع بسوی دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام یعنی ناصبی‌ها و مخالفین شیعه متمایل است و شیعیانی که خود را از درگیریهای طرفین و جاه‌طلبی و کسب قدرت نگهدارند، هیچ‌گزندی انشاء الله نخواهند دید.

۴- این اختلافات داخلی، مقدمه‌ای جهت ناآرامیهای گسترده و دخالت خارجی‌ها و تخریب شام است.

۵- با تخریب شام و بروز ناامنی، غربیه‌ها و نیروهای حامی آنها از داخل، بر دمشق مسلط شده و جنگ بزرگ و اصلی که منجر به نابودی بیشتر دمشق و حومه آن می‌شود، آغاز می‌گردد. در این جنگ، «خرستا» که در حومه دمشق است، نابود می‌شود.

۶- در این هنگام یعنی اوج ناامنی و فقر و کشتار است که سفیانی به ظاهر برای نجات کشور و اعراب، قیام می‌کند.

۷- پس از قیام سفیانی، باید توجه نمود که حضرت مهدی علیه‌السلام نیز قیام می‌نماید.

۸- با توجه به تکرار کلمه «فانظروا» یعنی نگاه و دقت کنید، معلوم می‌شود که این حوادث برای توجه یافتن و عبرت‌گیری ما شیعیان است، تا هر یک از این حوادث، ما را در جهت شناخت ظهور و آمادگی بیشتر، آگاه سازد.

ماجرای به قدرت رسیدن سفیانی (با توجه به خطبه البیان)
حضرت امیرالمؤمنین در خطبه معروف «البیان» که در اواخر عمر

شریفشان ایراد فرمودند، ماجرای ظهور و پس از آن را بطور مفصل بیان نموده‌اند.

در این جا بخشی از این خطبه را که مربوط به قیام سفیانی است می‌آوریم. «سه پرچم (گروه) در شام با یکدیگر درگیر می‌شوند، یک پرچم (گروه) از غرب که وای بر مصر از (اشغال) غربیها و یک پرچم از بحرین، جزیره آوال از سرزمین فارس و یک پرچم از شام.

درگیری میان آنها به مدت یکسال ادامه می‌یابد. سپس مردی از فرزندان عباس، قیام می‌کند. مردم عراق خواهند گفت: عده‌ای قدرتمند و گروههای مختلف، ظاهر شده‌اند. مردم شام (گروههای سه گانه) و فلسطین هراسان می‌شوند و به فرماندهانشان در شام و مصر مراجعه می‌کنند.

آنها به مردم می‌گویند: شاهزاده (سفیانی) را بیابید. سپس با او در غوطه دمشق، در محلی بنام «حَرستا» ملاقات می‌کنند. وقتی با آنها خلوت می‌کند، دائی‌های خود از قبیله کلب و بنی دهانه را بیرون می‌فرستد. او (سفیانی) در وادی یابس نیروهای بسیاری جمع می‌کند. آنها به وی می‌گویند: ای گرامی، شایسته نیست که (نشسته و) اسلام را ضایع نمایی. آیا مردم را نمی‌بینی که چگونه در ترس و گرفتاری هستند. از خداوند ترسیده و برای یاری دین قیام کن.

سفیانی می‌گوید: من سرپرست شما نیستم. به او می‌گویند: آیا تو از قریش و خانواده حاکم و امیر نیستی؟ آیا نسبت به خانواده پیامبرت و ذلت و سرشکستگی که از زمانی طولانی بر آنها وارد شده تعصب نداری، تو که برای جمع کردن اموال یا خوشگذرانی قیام نمی‌کنی، بلکه برای حمایت از دینت قیام می‌کنی.

طرفداران سفیانی، همچنان با او مذاکره و رفت و آمد، می‌کنند تا اینکه در

جواب آنها می‌گوید: بروید نزد حاکمانی که در این مدت با آنها بودید، اما سپس درخواست آنها را پذیرفته و جهت سخنرانی در روز جمعه به بالای منبر می‌رود، در حالیکه اولین مرتبه است که بالای منبر می‌رود.

سپس برای آنها سخنرانی نموده و به جهاد تشویق می‌کند و با مردم بیعت می‌نماید به شرطی که هیچکدام با وی مخالفت نورزند، خواه موافق یا مخالف وی باشند.

سپس به سوط غوطه، حرکت می‌کند، و به آنجا وارد نمی‌شود مگر آنکه مردم در کنار وی جمع شده و افرادی لعن‌کننده و سخن‌چین و کافر، به تعداد پنجاه هزار نفر، اطراف او را می‌گیرند.

سپس دائی‌های خود را از قبیله بنی کلاب، فرا می‌خواند و آنان نیز مانند سیل، جاری شده و نزد او می‌آیند.

در آنجا از آن قبیله‌ها، مردانی بیابانی با سپاهیان پادشاهی که از ابن عباس است، درگیر می‌شوند. در این هنگام سفیانی با گروههایی از شامیان، وارد معرکه می‌گردند.

سه پرچم با همدیگر درگیر می‌شوند، یک گروه از ترک و عجم (گروههای طرفدار ایران) با پرچمی سیاه (که از نشانه‌های ایرانیان است)، و پرچم عربهای بیابانی (طرفدار غربیها و احتمالاً پادشاه اردن) که تابع عباسیان هستند و پرچمشان زرد است (قبلاً اشاره شد که پرچم غربیهایی که از مصر می‌آیند و ابقع فرمانده آنها است نیز زرد رنگ می‌باشد)، و پرچم سفیانی.

آنها در سرزمین ازرق (محلی در شام) می‌جنگند. از آنها شصت هزار نفر کشته می‌شود و سفیانی بر همگی پیروز می‌گردد. تعداد بسیاری از آنها را کشته و مراکز حساس قدرت آنها را تصرف می‌کند و روش خویش را در میان آنان، بر پایه عدل و داد می‌گذارد تا جایی که درباره‌ی وی می‌گویند: به خدا

سوگند حرفه‌ایی که درباره او گفته بودند، دروغ بوده است و به ذات خداوند سوگند، آنها دروغگو هستند.

اما مردم نمی‌دانند که سفیانی با امت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چه خواهد کرد و اگر می‌دانستند، این سخن را (درباره وی) نمی‌گفتند.

سفیانی همواره به عدالت رفتار می‌کند تا اینکه نیروهایش (برای تصرف مصر) به حرکت درمی‌آیند. وقتی برای بیعت با مصر از فرات عبور می‌کند، خداوند رحم و شفقت را از دل او می‌برد. به محلی بنام روستای «سَبا» وارد می‌شود و در آنجا، جنگ بزرگی درمی‌گیرد، پس هیچ شهری باقی نمی‌ماند مگر آنکه وقتی خبر این روستا (و کشتار آنجا) به اهلش می‌رسد، ترس و وحشت از این خبر مردم آنجا را فرا می‌گیرد.

پس پیوسته به هر شهری وارد می‌شود، یکی پس از دیگری با آنها می‌جنگد.

اولین جنگ او در شهر «حِمْص» است و بعد از آن شهر «رِقه» و سپس روستای «سَبا»، این جنگ بزرگتر از جنگ شهر «حِمْص» خواهد بود. سپس (بعد از رفتن به مصر) به دمشق بازمی‌گردد»^(۱).

نکته مهمی که از این حدیث شریف، می‌توان در نظر داشت، اشاره حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به وجود نیروهای تحت فرمان یا هواداران ایران و ترکیه و مصر، در درگیریهای شام است که می‌توان از هم اکنون پیش بینی کرد که این نیروها، کدام هستند. همانطور که در حوادث اخیر در منطقه آشکار شده است، نیروهای حزب الله لبنان هر روز در حوادث خاورمیانه بیشتر از پیش، تأثیرگذار می‌شوند. بطوریکه نیروهای حزب الله توانستند در سال ۲۰۰۰

۱ - نوائب الدهور، ج ۲، ص ۱۰۱ تا ۱۰۴ و الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

میلادی، نیروهای اسرائیلی را از مناطق اشغالی لبنان و اراضی «شعبا» خارج کنند و به همین دلیل سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان را به عنوان مرد سال جهان عرب، در سال ۲۰۰۰ انتخاب نمودند.

پیش بینی می‌شود، این قدرت و نفوذ حزب الله که رابطه خوبی با ایرانیان نیز دارند، و همینطور نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه تا آستانه ظهور، همچنان ادامه و گسترش یابد.

محدوده زمان قیام سفیانی

پیش از این اشاره شد که زمان وقوع هیچیک از حوادث عصر ظهور را نمی‌توان بطور دقیق تعیین نمود، زیرا از ائمه اطهار علیهم‌السلام، چنین بیانی به ما نرسیده است و ما نیز نمی‌توانیم حتی با حدس و گمان، تاریخ دقیق این حوادث را بیان کنیم.

اما برخی روایات با بیان کیفیات خاصی بصورتی تلویحی و غیر صریح، محدوده و فاصله حوادث از یکدیگر را مطرح ساخته‌اند.

از جمله این احادیث، حدیث معروف خطبه البیان از امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که تا حدودی محدوده زمانی خروج سفیانی را بیان فرموده‌اند. اما با این وجود، لازم به یادآوری است که این محدوده زمانی مطرح شده در این حدیث یا دیگر احادیث که با برداشتهای خاصی، زمان و تاریخ تقریبی ظهور سفیانی را بدست می‌دهد، بستگی به نظر و استنباط شخصی دارد و به هیچ وجه صد در صد نیست. برای درک بهتر حدیث امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در ابتدا بطور تفکیک نام هر سال را با عدد سال آورده و سپس به بررسی آن می‌پردازیم، امید که خداوند متعال توفیق درک بهتر آنرا به ما عنایت فرماید.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«بدانید بزودی دچار اختلاف و تفرقه می‌شوید. بدانید در اولین سال (از سالهای سخت پیش از ظهور)، هنگامی که سال ۱۶۳ سپری شود، منتظر آغاز فتنه‌هایی باشید که بر شما نازل می‌شود.

سال ۱ - (سال النازله)^(۱)، که در آن فتنه‌ها بر شما نازل می‌شود.

سال ۲ - (سال الدهماء)^(۲)، پس از آن سال دهماء خواهد بود که فتنه‌ها در این سال هجوم می‌آورند.

سال ۳ - (سال الغزراء)^(۳)، پس از آن سال غزراء می‌آید که مردم را به جنگ می‌اندازد.

سال ۴ - (سال السقطاء)^(۴)، بعد، سال سقطاء می‌آید که جنین‌ها از رحم مادرانشان ساقط می‌شوند.

سال ۵ - (سال الکسحاء)^(۵)، سپس کسحاء است که مردم در آن سال از قحطی و سختی‌ها، درمانده می‌شوند.

سال ۶ - (سال الفتناء)^(۶)، در آن سال، مردم روی زمین به فتنه می‌افتند.

۱ - نازله: نازل شده.

۲ - دهماء: هجوم و حمله آوردن.

۳ - غزراء: جنگ و درگیری.

۴ - سقطاء: افتادن جنین از رحم.

۵ - کسحاء: درمانده شدن.

۶ - الفتناء: فتنه گر.

سال ۷ - (سال النازحه) ^(۱)، آن سال، مردم زمانش را به ظلم می‌کشاند (آواره می‌سازد).

سال ۸ - (سال الغمراء) ^(۲)، ظلم در آن سال فراگیر می‌شود.

سال ۹ - (سال المنفیه) ^(۳)، ایمان در آن سال، آنان را نابود می‌سازد.

سال ۱۰ - (سال الکراء) ^(۴)، سپاهیان از هر طرف بر مردم حمله ور می‌شوند.

سال ۱۱ - (سال البرشاء) ^(۵)، شخص مریضی (ممکن است مرض روحی داشته باشد) از خراسان قیام می‌کند.

سال ۱۲ - (سال الشولاء) ^(۶)، در آن سال انواع سلاحها بکار می‌آید و پادشاه کوهستان قیام می‌کند و بر جزیره‌های دریا تسلط می‌یابد. سپس خداوند، مردم آنجا را یاری کرده و بر علیه آنان (متجاوزین) پیروز می‌گرداند، و در آن هنگام، عربها قیام می‌کنند و صاحب پرچم سیاه به بصره حمله می‌کند و جوانانی او را تا شام تعقیب می‌کنند.

۱ - النازحه: ستمگر و آواره کننده.

۲ - الغمراء: فراگیر، غرق کننده.

۳ - المنفیه: نیست و نابود کننده.

۴ - الکراء: حمله ور شدن.

۵ - البرشاء: مرض برص و پیسی، مالیخولیا.

۶ - الشولاء: حمله ور شدن.

سال ۱۳ - (سال العنّاء)^(۱)، سپس سال عنّا می آید که در آن سال، سپاه‌یانی با زور به خانه‌های اهل بصره وارد می‌شوند.

سال ۱۴ - (سال الطحناء)^(۲)، در آن سال، آذوقه مردم در همه جا به سختی فراهم می‌شود و مردم در آن سال خورد (کوبیده) می‌شوند.

سال ۱۵ - (سال الفاتنه)^(۳)، اهل عراق در آن سال به فتنه می‌افتند.

سال ۱۶ - (سال المرحاء)^(۴)، مردم حسرت یمن خورده و در اثر شدت نیازمندی به یمن نیز نیازمند می‌گردند (و به آنجا هجوم می‌آورند زیرا در آنجا امنیت است).

سال ۱۷ - (سال السکتاء)^(۵)، در آن سال، در شام فتنه‌ها آرام می‌گیرد.

سال ۱۸ - (سال الحدراء)^(۶)، فتنه‌ها به جزیره‌ای معروف به آوال از جزایر بحرین، سرازیر می‌شود.

۱ - العنّاء: تسلط یافتن.

۲ - الطحناء: در هم کوبیدن.

۳ - الفاتنه: به فتنه افکندن.

۴ - المرحاء: نیازمند.

۵ - السکتاء: ساکت شونده.

۶ - الحدراء: سرازیر شدن.

- سال ۱۹ - (سال الطموح)^(۱)، در آن سال فتنه‌ها در خراسان (ایران) سخت می‌شود.
- سال ۲۰ - (سال الجوراء)^(۲)، فتنه‌ها و جور و ستمگری در سرزمین فارس (ایران)، واقع می‌شود.
- سال ۲۱ - (سال الهوجاء)^(۳)، در آن سال، فتنه‌ها (طوفان سهمگین) به سرزمین خط (سواحل خلیج فارس)، هجوم می‌آورد.
- سال ۲۲ - (سال الطولاء)^(۴)، جنگ دنباله داری در شام ظاهر می‌شود.
- سال ۲۳ - (سال المنزله)^(۵)، در آن سال، فتنه‌ها بر سرزمین عراق نازل می‌شود.
- سال ۲۴ - (سال المتصله)^(۶)، در آن سال، فتنه‌ها به سرزمین روم (غرب) نیز می‌رسد.
- سال ۲۵ - (سال الطائره)^(۷)، فتنه بر فراز سرزمین روم (غرب) به پرواز درمی‌آید.
- سال ۲۶ - (سال المهیجه)^(۸)، در آن سال، مردم کرد از

۱ - الطموح: سخت، دشوار.

۲ - جوراء: ستمگری.

۳ - الهوجاء: طوفان بنیان کن.

۴ - الطولاء: نبرد طولانی.

۵ - المنزله: نازل کننده، فرود آورنده.

۶ - المتصله: به هم پیوستن، وصل کننده.

۷ - الطائره: پرواز کننده.

۸ - المهیجه: هیجان آور.

شهر زور^(۱) برای جنگ به هیجان می‌افتند.
 سال ۲۷ - (سال المرملة)^(۲)، سالی که در آن، زنان عراق
 بیوه می‌شوند.
 سال ۲۸ - (سال الکاسره)^(۳)، سپاهیان اهل جزیره
 (عراق) خورد و شکسته می‌شوند.
 سال ۲۹ - (سال الناحره)^(۴)، مردم شام در آن سال مانند
 شتر نحر (کشته) می‌شوند.
 سال ۳۰ - (سال الطامحه)^(۵)، سالی که فتنه در بصره
 سخت می‌شود.
 سال ۳۱ - (سال القتاله)^(۶)، سالی که در آن، مردم بر
 روی پُلی در رأس العین در عراق کشته می‌شوند.
 سال ۳۲ - (سال المقبله)^(۷)، فتنه به سوی سرزمین یمن
 و حجاز کشانده می‌شود.
 سال ۳۳ - (سال الصروخ)^(۸)، سالی که مردم عراق،
 فریاد می‌کشند ولی امنیتی برای آنان نخواهد بود.

-
- ۱ - زور: شهری در کردستان عراق نزدیک اربیل.
 - ۲ - المرملة: بیوه کننده زنان.
 - ۳ - الکاسره: در هم شکننده.
 - ۴ - الناحره: نحر شونده، کشته شده.
 - ۵ - الطامحه: سخت کننده.
 - ۶ - القتاله: بسیار کشنده.
 - ۷ - المقبله: رو آورنده.
 - ۸ - الصروخ: فریاد کننده.

سال ۳۴ - (سال المسمعه)^(۱)، اهل ایمان در خواب صدایی (برای یاری مهدی علیه السلام) می‌شنوند.

سال ۳۵ - (سال السابحه)^(۲)، سالی که سپاهیان، برای کشتن مردم عراق، در دریا شناور شده و کردها، شخص بزرگی از فرزندان عباس را در خانه‌اش به قتل می‌رسانند.

سال ۳۶ - (سال الکرباء)^(۳)، مؤمنین در این سال از اندوه و قصه می‌میرند.

سال ۳۷ - (سال الغامره)^(۴)، مردم، غرق در قحطی و تنگدستی می‌شوند.

سال ۳۸ - (سال السائله)^(۵)، نفاق در آن سال در قلب مردم می‌جوشد و جریان می‌یابد.

سال ۳۹ - (سال الغرقاء)^(۶)، مردم خطّ (سواحل خلیج فارس) غرق می‌شوند.

سال ۴۰ - (سال الحرباء)^(۷)، قحطی بر سرزمین خطّ و عراق و هر ناحیه‌ای وارد می‌شود تا جایی که فقراء می‌گردند ولی کسی به آنها چیزی نمی‌دهد، و کسی به آنها

۱ - المسمعه: شنواننده.

۲ - السابحه: شناور.

۳ - الکرباء: غمگین کننده، اندوه آور.

۴ - الغامره: غرق کننده و فرو برنده.

۵ - السائله: جاری.

۶ - الغرقاء: غرق کننده.

۷ - الحرباء: ربایندگانی که از فرط فقر و قحطی اموال یکدیگر را می‌ربایند.

ترحم نمی‌نماید.

سال ۴۱ - (سال الغالیه)^(۱)، در این سال گروهی از شیعیان من درباره من غلو کرده تا جایی که مرا به جای خدای خود می‌گیرند و من از آنچه آنها می‌گویند، بیزار هستم.

سال ۴۲ - (سال المکثاء)^(۲)، سالی با حوادث آهسته است که مردم درنگ می‌کنند (اتفاق خاصی نمی‌افتد) و در این سال چه بسا نداکننده‌ای دو مرتبه، فریاد می‌زند که آگاه باشید، حکومت در خانواده علی بن ابی طالب علیه السلام است. این فریاد از طرف جبرئیل است و صدای دیگری از طرف ابلیس لعنت الله علیه می‌آید که می‌گوید: مردم بدانید که حکومت در شایسته‌ای از خانواده ابوسفیان است. در این هنگام است که سفیانی قیام می‌کند.^(۳)

اینک به بررسی حدیث شریف فوق می‌پردازیم و از خداوند متعال می‌خواهم که درک بهتر آن را عطا نماید.

با توجه به حدیث مذکور، همانطور که کنار نام هر سال شماره آن سال نیز آورده‌ام، تعداد این سالها در مجموع چهل و دو سال می‌شود. در واقع چهل و دو سال پیش از ظهور سفیانی (و ظهور امام عصر علیه السلام) حوادث ناشی از نزدیکی ظهور، نمایان می‌گردد.

بنابراین برای درک بهتر حوادث، می‌بایست سالها را از آخر یعنی از سال

۱ - الغالیه: غلوکننده.

۲ - المکثاء: درنگ کننده.

۳ - نوائب الدهور، ج ۲، ص.

قیام سفیانی، شماره گذاری نموده و به عقب برگردیم. در واقع از سال اول که همان سال چهل و دوم است، شروع می‌کنیم.

سال اول - (سال مکث) - سال قیام سفیانی است. امام علیه السلام آنرا سال مکث و درنگ می‌نامد. یعنی ظاهراً همه چیز از خستگی جنگ و فقر و قحطی از پای افتاده است. همه ناامید و منتظر حوادث وحشتناک، به آینده چشم دوخته‌اند.

ندای^(۱) جبرئیل دوبار و ندای شیطان یکبار، به گوش می‌رسد، که با حرکت سفیانی، مقارن می‌شود.

یکسال پیش از قیام سفیانی - (سال غالیه) - مشخصه بارز این سال، سرکشی برخی از شیعیان است، که بنا به دلائل خاصی (شاید سیاسی)، مقام امام علیه السلام را به خدایی می‌رسانند تا به این وسیله به منافع خویش برسند. طبیعی است که این سال برای شیعیان بسیار تعیین کننده و خطرناک خواهد بود. از آنجا که اکثریت تعیین کننده شیعیان در ایران قرار دارند، این خطر وجود دارد که شیعیان ایران دچار چنین حادثه‌ای شوند.

امام علیه السلام قبل از این حادثه نامی از ایران و بطور طبیعی از شیعیان نمی‌آورد، تا سال «جوراء» یعنی سال بیستم که نزدیک به بیست سال پیش از ظهور سفیانی است. در این مدت بیست سال، حادثه خاصی در ایران و میان شیعیان اتفاق نمی‌افتد، بلکه در این بیست سال، حوادث اصلی در عراق و شام واقع خواهد شد. این مطلب با آنچه در مورد ایران و عراق مطرح کردیم، مطابقت دارد. ظاهراً در این مدت (به فاصله تقریباً بیست سال تا ظهور)،

۱ - ندهای (صیحه‌های) آسمانی را در کتاب جداگانه‌ای بطور کامل بررسی

ایران در آرامش نسبی فرو خواهد رفت و تا حدود دو سال پیش از قیام سفیانی، حادثه خطرناک و خاصی در ایران رخ نخواهد داد.

این مطلب نیز در بررسی حوادث ایران، متذکر شدیم که تا آستانه جنگ سوم، ایران در آرامش خواهد بود، و حتی در جنگ سوم نیز، ایران کمترین آسیب را در کشورهای منطقه، خواهد دید و بیشترین آسیب به کشورهای عراق و سوریه و تا حدودی مصر و عربستان وارد خواهد شد.

جالب است این نکته را متذکر شوم که آخرین فتنه و کشمکش نظامی در ایران در سال ۱۳۶۷ با پایان جنگ ایران و عراق خاتمه یافت و ایران تاکنون یعنی حدود پانزده سال است که در آرامش نسبی است و چنانچه همانطور که اشاره شد در حدود پنج تا هشت سال به جنگ سوم باقی مانده است که سفیانی ظاهر می‌شود و به این ترتیب همان عدد بیست سال که در حدیث بطور ضمنی اشاره شده است، بدست می‌آید.^(۱)

حال ببینیم در این بیست سال پیش از ظهور سفیانی، عراق و شام و منطقه خاورمیانه و اروپا و غرب و بطور کلی جهان، چه حوادثی را خواهند دید. دو سال پیش از سفیانی - (سال حرباء) - امیرالمؤمنین علیه السلام این سال را سالی پر از قحطی و گرسنگی و فلاکت نامگذاری نموده‌اند. در روایات بسیاری این مطلب را متذکر شده‌اند.

مطلب دیگری که نکته عجیبی را درباره ایران آشکار می‌کند، تلاشهای اخیر ایران در سد سازی می‌باشد.

ایرانیها در دهه اخیر کوشش فراوانی در گسترش سد سازی و مهار آبهای

۱ - البته همانطور که اشاره شد، این برداشت و محاسبه بطور تخمینی و احتمالی است و باید به آن توجه نمود ولی نمی‌تواند، پیش بینی قطعی و غیر قابل تغییری باشد. در هر صورت، خداوند متعال در هر روز، شأن و برنامه‌ای دارد.

سطحی بکار گرفته‌اند. شاید مسئولین خودشان متوجه نباشند ولی خداوند و حضرت ولی عصر علیه السلام، این انگیزه را درون آنان قرار داده تا بدون اطلاع از آینده منطقه، خود را برای قحطی و خشکسالی گسترده که بزودی تا پنج سال دیگر، تمام منطقه را فرا می‌گیرد، آماده سازند. اکثریت این سدها، تا آن زمان به مرحلهٔ آبیگری و بهره برداری رسیده‌اند.

در سالهای نزدیک به ظهور و همچنین سال ظهور علاوه بر خشکسالی گسترده، سیل‌های گسترده نیز واقع خواهد شد که وجود این سدها، مانع از تخریب وسیع در ایران می‌شود، در حالی که کشورهای منطقه بخصوص عراق و حاشیه خلیج فارس، بطور گسترده دچار سیل و تخریب می‌گردند. همان چیزی که در سال «غرقاء» واقع می‌گردد.

سه سال پیش از سفیانی - (سال غرقاء) - منطقه خاورمیانه غرق در سیل ویرانگر می‌شود، ولی همانطور که اشاره شد، ایران با تمهیدات فعلی از این عذاب بزرگ نجات می‌یابد.

چهار سال پیش از سفیانی - (سال سائله) - مردم در آن سال به دلیل فقر و فلاکت ناشی از قحطی سال قبل (سال پنجم پیش از سفیانی)، دچار نفاق می‌شوند تا با خوش خدمتی به دستگاه‌های حکومتی و ثروتمندان، نیاز خود را برطرف سازند.

پنج سال پیش از سفیانی - (سال غامرّه) - مردم منطقه، غرق در قحطی و تنگدستی می‌شوند.

شش سال پیش از سفیانی - (سال کُرباء) - مؤمنین در این سال از اندوه و قصه می‌میرند.

هفت سال پیش از سفیانی - (سال سابعه) - سالی که سپاهیان برای کشتن مردم عراق در دریا به حرکت در می‌آیند. و کردها، شخصی از خاندان

عباسی را می‌کشند.

همانطور که به بخشی از معجزات کلام امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کردیم، در این جا هم می‌بینیم در سال گذشته، امریکائیان و کشورهای هم پیمان، از راه دریا به عراق حمله ور شدند. همان چیزی که هفت سال پیش از قیام سفیانی، در حدیث حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است.

هشت سال پیش از سفیانی - (سال مسمعه) - در این سال، مؤمنین بسیاری در رؤیا، پیام صحابی بودن را می‌شنوند. این مطلب نشان می‌دهد که اکثریت اصحاب امام عصر علیه السلام، تا هشت سال پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام یا از آن زمان تا پیش از ظهور رسمی به شکل‌های گوناگون بخصوص در خواب و با مشاهده رؤیا متوجه صحابی بودن خویش می‌گردند^(۱) تا به موقع بسوی حضرت صاحب الامر علیه السلام، حرکت کنند.

نه سال پیش از سفیانی - (سال صروخ) - سالی است که مردم عراق به فغان و فریاد می‌رسند. این حادثه نیز اکنون مدت سه سال است که در عراق مشاهده می‌شود.

ده سال پیش از سفیانی - (سال مقبله) - فتنه در این سال، به طرف عربستان و یمن، کشانده می‌شود. این فتنه را می‌توان به ظهور بن لادن که اصلیتی یمنی و تابعیتی عربستانی داشت، حمل نمود. رفتار وی منجر به واقعه یازدهم سپتامبر^(۲) و جنگ افغانستان با امریکا و حوادث بعدی شد.

۱ - در جلد دوم کتاب علائم ظهور در این مورد بیشتر گفتگو خواهیم کرد.

۲ - در واقعه یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ دو آسمان‌خراش و برج تجارت جهانی در قلب شهر نیویورک مورد حمله انفجاری دو فروند هواپیمای ربوده شده توسط طرفداران بن لادن شده که در این حمله هزاران نفر امریکایی و غیر امریکایی کشته یا ناپدید شدند و امریکائیان با بهانه قرار دادن آن حادثه، حملات جدید خویش را به کشورهای اسلامی آغاز کردند.

یازده سال پیش از سفیانی - (سال قتاله) - مردم بسیاری از عراق در رأس‌العین کشته می‌شوند.

از این سال تا پنج سال پیش از آن (یعنی سال شانزدهم پیش از سفیانی) تمامی حوادث در مورد عراق می‌باشد.

در حدیث مذکور تا حدود ۳۱ سال پیش از سفیانی، یعنی سال «برشاء» که فردی خود کم بین و مریض در ایران فتنه‌گری و ظلم و ستم می‌کند، سخنی از ایران به میان نیامده است.

در پایان بررسی حدیث شریف فوق، باید به چند نکته اشاره نمود:

۱- این سالها دقیقاً بطور جداگانه اتفاق نمی‌افتد، بلکه ممکن است برخی از این سالها در یکدیگر ادغام شوند.

۲- در این حدیث، احتمالاً بیشتر نظر به بیان کیفیت حوادث باشد، نه دقیقاً زمان وقوع آنها تا افراد با هر ظرف زمانی و مکانی که هستند، مجموع حوادث را در نظر داشته باشند.

۳- از مشخصات مشترک تمام این سالها، قحطی و گرسنگی و جنگ و خونریزی در منطقه خاورمیانه می‌باشد، چیزی که در عصر حاضر در بخش‌های مختلف جهان بخصوص خاورمیانه به چشم می‌خورد.

۴- این مطالب برداشت اینجانب می‌باشد و ممکن است روند حوادث در آینده، آن گونه که خداوند متعال بخواهد، تغییر کند. بنابراین، هیچکدام از این پیش‌بینی‌ها، قطعی و بدون تغییر نمی‌باشد.

سخن پایانی

آمادگی برای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه شرایطی دارد که علاوه بر تحصیل ایمان و تقوای الهی مهمتر از همه شناخت شرایط و تحولات مقارن ظهور و مشخصات ظاهری و رفتاری آن حضرت می باشد.

با این شناخت است که می توانید در هر درجه ای از ایمان و رفتار که باشید با تسلیم شدن به فرمان آن حضرت، حیات جدیدی را از سر بگیرید. با آمدن ایشان اسلام جدید می شود و راه خود را آغاز می کند. با آمدن اسلام، آنچه را که پیش از آن کرده ایم و یا آنگونه بوده ایم، با تسلیم شدن به حضرتش، محو می شود. باید از نو شروع کرد و تا او و آمدنش را شناسیم نمی توانیم وی را تصدیق کرده و تا تصدیقش نکنیم، نمی توانیم پیرویش نمائیم. ما در این کتاب، سعی و تلاش نموده ایم تا بخشی از واقعیت شناخت ایشان را مطرح کنیم. این آغاز راه است، امیدوارم خداوند در ادامه راه توفیق مرحمت فرماید تا علائم و شرایط بیشتر و دقیقتری را در آثار بعدی مطرح نموده و به این ترتیب همگام با قافله ظهور قدم برداریم.

در آینده نزدیک از عملکرد سفیانی در عراق و عربستان و ایران گفتگو خواهیم کرد از سید خراسانی و نهضت ایرانیها پیش از ظهور و حرکت آنان در یاری نهضت حضرت مهدی عجل الله فرجه، می گوئیم.

از ظهور حضرتش در مدینه و حرکت به طرف مکه و پیمان با یاران خاص و تعیین نقباء و ارسال نفس زکیه به مکه به فاصله پانزده روز تا ظهور رسمی و عاقبت تصرف مکه و اعلام رسمی ظهور در روز عاشورا، سخن می گوئیم. پس

از آن است که امام مهدی علیه السلام قیام خویش را آغاز نموده و با تصرف مدینه و نجف و شهرهای بین راه، ایران و افغانستان و آنگاه اورشلیم، خاورمیانه را از لوث ظلم و ستم پاک می‌نمایند. آنگاه با غربیها معاهده صلح بسته و سپس با نقض پیمان از جانب آنان به آنجا لشکر کشیده و عاقبت تمامی جهان را از پلیدی ظلم و ستم و سپس کفر و شرک پاک می‌سازد. این حوادث شاید بیست سال ادامه یابد ولی این مدت از لذت بخش‌ترین دوران تاریخ بشریت است که دیگر برای تاریخ تکرار نخواهد شد. مبارزه نهایی حق علیه باطل. امید که ما در دهه ظهور باشیم و خداوند بر ما منت گذارد تا شاهد پایان حاکمیت باطل بر جهان باشیم. آمین.

پایان جلد اول از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام

فهرست کتاب

پیش درآمد	۵
بخش اول: هدف از بررسی نشانه‌های ظهور	۱۱
بخش دوم: بررسی نشانه‌های عمومی ظهور	۲۷
الف: علائم طبیعی	۲۹
ب: علائم غیر طبیعی	۳۰
بخش سوم: نشانه‌های خاص	۳۵
فصل اول: آغاز فتنه از شام	۳۷
فصل دوم: ظهور سفیانی اول و اشغال عراق توسط غربیها	۵۳
فصل سوم: نقش مصر در تحولات جهانی و منطقه‌ای	۷۷
فصل چهارم: حوادث ایران پیش از ظهور سفیانی دوم	۸۳
فصل پنجم: «جنگ بزرگ»	۱۱۱
فصل ششم: حوادث شام تا ظهور سفیانی	۱۱۷
فصل هفتم: آغاز حرکت سفیانی	۱۳۳
سخن پایانی	۱۷۳